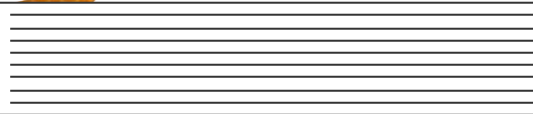




حلول ماه مبارک رمضان، بهار قرآن و فرارسیدن عید نوروز، بهار طبیعت را بر عموم  
همراهان همیشگی فراق تبریک عرض می نماییم

انجمن نجات  
استان اردبیل



فصلنامه خبری-تحلیلی ■ زمستان ۱۴۰۳ ■ شماره ۴۰

فصلنامه  
نامه

خط و نشان آقای قاضی به سرکردگان فرقه رجوی  
**دادگاه از حق قانونی خود  
برای استرداد متهمان استفاده می کند**



■ هراس باند رجوی از تشکیل  
پرونده حقوقی در اروپا ۹

■ فرقه رجوی با کشتن حس انسانی و  
عاطفی اعضای خود دنبال چه بود؟ ۳

■ مسیر درخشان عدالت  
و پیروزی ۲

رونمایی از دایره المعارف شهدای ترور  
جمهوری اسلامی ایران:  
■ آمار شهدای ترور به ۳۳۰۰۰ رسید ۳۶  
مسعود خدابنده، سر تیم سابق حفاظت مسعود  
رجوی:  
■ دفتر مجاهدین در باکو نزدیک  
سفارت رژیم اسرائیل است ۱۷  
■ ضرورت به روزرسانی تألیف‌ها در  
حوزه فرقه رجوی ۱۶  
■ روایت «مریم سنجابی» از روزگار  
تلخ کمپ «اشرف» ۴۶

رسانه آلبانیایی: حضور فرقه رجوی در آلبانی  
مانند دینامیت است





■ شماره ۴۰ ■ زمستان ۱۴۰۳

# فراتر نامه

انجمن نجات مرکز استان اردبیل

■ پایگاه خبری - تحلیلی: [www.feraghnews.ir](http://www.feraghnews.ir) ■ پست الکترونیکی: [feraghnews@gmail.com](mailto:feraghnews@gmail.com) ■ تلگرام: [@feraghnews](https://t.me/feraghnews)

■ ایستا: [@feraghnews](https://www.instagram.com/feraghnews) ■ بله: [@feraghnews](https://www.bale.com/feraghnews) ■ آپارات: [apararat.com/feraghnews](https://www.aparat.com/feraghnews) ■ روبیکا: [feraghnews](https://www.robika.com/feraghnews)

■ فیس بوک: [facebook.com/feraghnews](https://www.facebook.com/feraghnews) ■ ایکس (توییتر): [twitter.com/feraghnews](https://twitter.com/feraghnews) ■ اینستاگرام: [Feraghnews.ir](https://www.instagram.com/feraghnews)

## تینرها

### ■ مسیر درخشان عدالت و پیروزی ۲

#### ■ فرقه رجوی با کشتن حس انسانی و عاطفی اعضای خود دنبال چه بود؟ ۳

■ خط و نشان آقای قاضی به سرکردگان فرقه رجوی: دادگاه از حق قانونی خود برای استرداد متهمان استفاده می کند ۵

#### ■ هدف فرقه رجوی از جایگزینی عنوان «شورای ملی مقاومت» به جای «مجاهدین خلق» چیست؟ ۶

#### ■ هراس باند رجوی از تشکیل پرونده حقوقی در اروپا ۹

■ تأثیر داشتن مجاهدین در پیروزی انقلاب اسلامی دور از واقعیات تاریخی است ۱۱

#### ■ یک نجات یافته از فرقه رجوی به اعضای مقر «اشرف»: حرکت کنید به سوی نجات ۱۴

#### ■ شیطانی که با کلمات رنگین برده داری می کند ۱۵

■ ضرورت به روزرسانی تألیفها در حوزه فرقه رجوی ۱۶

#### ■ مسعود خدابنده، سر تیم سابق حفاظت مسعود رجوی: دفتر مجاهدین در باکو نزدیک سفارت رژیم اسرائیل است ۱۷

■ عیسی آزاده عضو جدانشده از فرقه رجوی مطرح کرد: وحشت مریم رجوی از آثار دادگاه تهران ۲۰

#### ■ اینجا پای ایمان در میان است ۲۲

#### ■ نگاه فرقه ضدخانواده رجوی به مقام زن: زن، محرومیت، بردگی ۲۶

■ سازمان در بدترین وضعیت خود در آلبانی قرار گرفته است ۲۹

#### ■ تاوان رد کردن مرز سرخ در شکنجه گاه رجوی ۳۵

■ رونمایی از دایره المعارف شهدای ترور جمهوری اسلامی ایران: آمار شهدای ترور به ۲۳۰۰۰ رسید ۳۶

#### ■ گزارش جامع فراق از تظاهرات نمایشی فرقه رجوی در پاریس ۳۷

■ عضو رهایی یافته از فرقه رجوی به اسیران «اشرف ۳»: خودتان برای زندگیتان تصمیم بگیرید ۴۱

■ اعضای مجاهدین خلق در برابر کدام رفتارها مورد تنبیه قرار می گیرند؟ ۴۲

#### ■ روایت «مریم سنجایی» از روزگار تلخ کمپ «اشرف»: پیش به سوی مرگ ۴۶

## مسیر درخشان عدالت و پیروزی



حلول ماه مبارک رمضان، بهار قرآن و فرارسیدن عید نوروز، بهار طبیعت را بر عموم همراهان همیشگی فراق تبریک عرض می نماییم

برسانیم. دوستان، یاران و خانواده‌های عزیز در سراسر ایران زمین، ما به داشتن شما هزاران بار افتخار کرده و به خود می‌بالیم. داشتن شما در این مسیر پریپیچ و خم، سرمایه‌ای بزرگ است که انرژی مضاعف به کارمان می‌دهد و امیدها را در دل‌ها روشن نگه می‌دارد. باید با همین دست فرمان، مسیر درخشان پیروزی را طی کنیم و ما بر همین خط مشی باقی خواهیم ماند و ذره‌ای از اصول مان عقب نخواهیم نشست. با امید و ایمان به پیروزی محتوم و رسیدن به روزی که حاصل این همه تلاش را در فروپاشی تشکیلات نفاق و آزادی فرزندان این آب و خاک از چنگال‌های خونین رجوی جشن بگیریم.

بار دیگر سال نوی شمسی را به همه شما عزیزان و همراهان مهربان فراق تبریک و تهنیت گفته و آرزومندیم که در سال پیش رو ما را بیشتر نیز همراهی کنید. یادتان باشد که تمامی اعضا و تیم فراق با تمام وجود به شما عشق می‌ورزند و به وظایف خود خالصانه و عاشقانه ادامه خواهند داد.

با عطشی صد چندان برای افشای ماهیت نفاق و آزادی اعضای گرفتار در تشکیلات رجوی تلاش می‌کنند. به زعم برخی، این تلاش‌ها باورکردنی نیست؛ یک جمع کوچک با دل‌هایی بزرگ که حقیقت و عدالت را دنبال می‌کنند. این جنبش و حرکت بسیار مقدس را کسانی همراهی کرده‌اند که انتظاری از آنان نبود. درود بر همه کسانی که بی‌مهابا دل به دریا زدند و ما را تا به همین لحظه یاری کردند. این میزان مشارکت و همراهی و همگامی، به جد افتخار آفرین است.

یک سال مملو از تغییرات شگرف در سطح ایران و جهان را پشت سر گذاشتیم و همچنان پرچم آزادی‌خواهی و افشاگری فراق بر بالای قلله‌های افتخار در اهتزاز بود. تجربه چندین ساله مبارزه با فرقه رجوی به ما آموخت که باید مستقل بود و با نیت پاک و اندیشه صادقانه به مبارزه ادامه داد. این کم دستاوردی نیست. در سال جدید نیز با همین رویکرد افتخارآمیز به مسیر خود ادامه خواهیم داد تا بتوانیم وظایف انسانی خود را به نحو احسن به سرانجام

يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ، يَا مُدَبِّرَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ، يَا مُحَوِّلَ الْخَوْلِ وَ الْأَحْوَالِ، حَوْلَ خَالَتْنَا إِلَيَّ أَحْسَنَ الْحَالِ.

ای تغییر دهنده دل‌ها و دیده‌ها، ای مدبر شب و روز، ای گرداننده سال و حالت‌ها، بگردان حال ما را به نیکوترین حال.

سلام به یاران فراق، سلامی به گرمای وجود نازنین‌تان در این روزهای پایانی سال. سلامی از بلندای دماوند به ایرانیان و خانواده‌هایی که ما را در طول سال دنبال کردند و موتور محرک ما برای پیشبرد اهدافمان بودند و از هیچ محبتی در حق ما فروگذار نشدند. درود بر شما.

یک سال دیگر گذشت و ما به همراه شما یاران و عزیزانی که همواره پشتیبان فعالیت‌های ما در عرصه افشای هر چه بیشتر فرقه منحوس رجوی بوده‌اید، خوشحال و خرسند هستیم که سال را در حالی به پایان می‌بریم که کارنامه‌مان مملو از موفقیت‌هایی است که مرهون شماست. این کم چیزی نیست و افتخاری است بزرگ برای ما.

نشریه فراق و گردانندگان آن هر روز و شب

## فرقه رجوی با کشتن حس انسانی و عاطفی اعضای خود دنبال چه بود؟



بیست و نهمین جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات ۱۰۴ نفر از سرکردگان فرقه رجوی و همچنین ماهیت این سازمان به عنوان یک شخصیت حقوقی، روز سه‌شنبه (۳۰ بهمن‌ماه) در شعبه یازدهم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی حجت‌الاسلام والمسلمین امیررضا دهقانی و مستشاران دادگاه مرتضی تورک و امین ناصری، با حضور وزیر و نماینده دادستان، خانواده شهدا و وکلای آنها و همچنین وکلای متهمان در مجتمع قضایی امام خمینی (ره) به‌صورت علنی برگزار شد.

حجت‌الاسلام والمسلمین مسعود مداح، وکیل شکات پرونده در این جلسه گفت: جزوه‌ای به نام «آشنایی و آموزش‌های تاکتیکی با نبرد مسلحانه» برای آموزش اعضا وجود دارد که در این جزوه آمده است: روابط عاطفی و عشیره‌ای و محفل در یک مبارزه مخفی و تشکیلاتی نمی‌گنجد. یکی از مواردی که سازمان مجاهدین به دنبال آن بود این موضوع بود که حس انسانی و عاطفی را در بین اعضا بکشد و زمانی که انسان خالی از عاطفه شد ترور کودک، زن باردار، جوان و شکنجه افراد برای او فرقی نمی‌کند.

وی گفت: در این جزوه آمده است ارتباطات اعضای سازمان مجاز به ارتباط و تماس با افرادی باشد که سازمان تعیین کرده است. یعنی اعضای سازمان حتی با نزدیکان خود هم نمی‌توانند ارتباط داشته باشند مگر اینکه سازمان تعیین کرده باشد.

وکیل شکات ادامه داد: جزوه دیگری به نام «مراحل مختلف تشکیل و رشد یک تیم عملیاتی» در سال ۱۳۶۰ بین اعضای سازمان توزیع شد شروط لازم برای ورود اعضا به تیم‌های عملیاتی در این جزوه آمده است که این شروط داشتن آمادگی کامل، دارا بودن انطباق کامل با تشکیلات، داشتن جسارت انقلابی و سایر شرایط بود.

وی گفت: سازمان این‌گونه به اعضای خود القا کرده بود که منجی جامعه است در صورتی که بیش از ۹۸ درصد مردم به جمهوری اسلامی ایران رأی دادند اما سازمان به گونه‌ای

بر این اساس؛ این فعالیت‌ها، منسجم، از پیش برنامه‌ریزی شده و طراحی شده و با تشکیلات سازماندهی شده انجام شده است. شخصی که قصد ورود به این گروه‌های عملیاتی را داشته ابتدا باید یک پرسشنامه را پر می‌کرد است. هر تیم ۳ یا ۴ نفره در قالب تیم‌های خودروبی و موتوری در داخل یک خانه تیمی سازماندهی می‌شدند. هر خانه تیمی یک فرمانده عملیات، یک دیده‌بان، یک مسئول اطلاعات و یک نفر به عنوان محمل دارد که فعالیت گروه را عادی‌سازی می‌کند.

وی ادامه داد: بر این اساس بانوان یا کودکانی را در این خانه‌ها وارد می‌کردند که این تصور ایجاد شود که یک خانواده در آنجا زندگی می‌کند. پس از اینکه شخص پرسشنامه را پر کرد گزارش تشکیلاتی از وضع این افراد از مسئولین قبلی آنها اخذ می‌شود و پس از تایید مسئول قبلی این شخص وارد واحد عملیاتی می‌شود.

مداح گفت: سوال من از سرکردگان این گروه مجرمانه این است شما برای آزادی و رهایی مردم از ظلم، بمب گذاری انجام می‌دهید؟ این جزوات آموزش‌های تاکتیکی نبرد مسلحانه است. در آنها آورده شده شما باید عملیات‌هایی را انجام داده و از آنها گزارش‌هایی را تهیه کنید.

وی افزود: اعضا باید خلاصه گزارش، گزارش عملیاتی، گردان، گروه‌ها، روز و ساعت نفراتی که در این عملیات بودند و نوع عملیات را باید

القا می‌کند که مردم ناراضی هستند و ما باید مردم را نجات دهیم.

وکیل شکات ادامه داد: سازمان در جزوه «آموزش عملیات هجومی» تأثیرات اجتماعی عملیات را برای اعضای خودش این‌گونه تعریف می‌کند: «با توجه به شرایط اجتماعی ایران که خفقان در آن حاکم است و کوچکترین حرکت حق‌طلبان به شدت توسط رژیم سرکوب می‌شود، اقداماتی که می‌توان به وسیله آن پرده‌های رعب و وحشت حاکم را از هم درید، عملیات و تهاجم‌های انقلابی رزمندگان مجاهد است». سوالم از سرکردگان سازمان این است آیا باید برای نجات خلق، مردم را می‌کشتید؟

وی ادامه داد: ویژگی‌هایی برای انتخاب افراد در واحدهای عملیاتی نیز در این جزوات آورده شده است. داشتن امکانات برای حفاظت از خود، خانه، محل خواب، سلاح، پاتوق، آشنایی با سلاح‌های مورد استفاده واحدهای عملیاتی، وارد بودن به رانندگی موتور و ماشین، برخورداری از عنصر خودجوش در رابطه با عملیات‌ها و هوش و حساسیت نسبت به مسائل امنیتی از جمله این موارد است.

### نحوه عضوگیری و ارزیابی صلاحیت افراد برای ورود به واحدهای عملیاتی سازمان مجاهدین

وکیل شکات اضافه کرد: این جزوه سپس در رابطه با عضوگیری و ارزیابی صلاحیت این افراد و ورود به واحدهای عملیاتی بحث می‌کند.

به مقام بالادستی خود گزارش می‌دادند، از قبل از عملیات که چه اقدامات امنیتی و عملیاتی صورت می‌گرفت.

وکیل شکات اظهار کرد: در جزوه شماره ۱۰ یکی از توجیحات برای سرقت از اموال مردم این بود که برای آزادی خلق دست به مصادره‌های انقلابی بزنیم. یعنی مال مردم را برای منافع مادی و شهوانی سازمان خود بدزدند.

### آموزش نحوه ساختن پلاک برای ماشین‌های مصادره‌ای به اعضای سازمان مجاهدین خلق

مداح گفت: این جزوات که نمونه‌ای از ساختارمند بودن اقدامات تروریستی توسط گروهک منافقین است تقریباً تمام اقدامات امنیتی و اطلاعاتی آنها را بازگو می‌کند. جزواتی که دقیقاً حین، قبل و بعد از عملیات از حفاظت از مقر، نحوه عملیات تامین سلاح و همه اینها را به افراد آموزش می‌دهد یکی از این جزوات همین جزوه است که آموزش ساختن پلاک برای ماشین‌های مصادره‌ای است. خودرو مردم را سرقت و پلاک آن را تغییر می‌دادند این آموزش ساخت پلاک است. در این جزوه به ضرورت کار اشاره شده است. بخشی از آن را قرائت می‌کنم تا شنیع بودن این سازمان برای همه مشخص شود.

وی افزود: این جزوه بیان می‌کند؛ بعد از جریان ۳۰ خرداد در آغاز نبرد مسلحانه با رژیم با توجه به کمبود امکانات به‌ویژه ماشین برای انجام عملیات و ضربه زدن به مزدوران رژیم نیروهای انقلابی مجبور به استفاده از ماشین‌های مصادره‌ای به طور موقت شده البته استفاده از این ماشین‌ها اگرچه تا به حال سبب تسریع در کارها و انجام عملیات بیشتر و راحت‌تر شده است اما به دلیل بی‌تجربگی یا کم توجهی خود کانال بسیاری از ضربات جانی و تدارکاتی بوده است.

وی تاکید کرد: جزوه دیگری نیز نکاتی پیرامون جعل به اعضا آموزش می‌دهد. شاخه نظامی بیان می‌کند که هر تیم عملیاتی باید در قالب دو یا سه نفر تعریف شود. شاخه‌های دو نفری مربوط به گروه‌های موتور و شاخه‌های ۳ و ۴ نفره مربوط به گروه‌های خودرویی است. این تیم‌ها در خانه‌های تیمی با ضوابط و شرایط خاص مستقر می‌شوند و دست به اقدامات تروریستی می‌زنند. هر واحد عملیاتی باید گزارش عملیات خود را نوشته و به مسئول

بالادستی خود برساند. جزئیات این عملیات شامل نفرات شرکت کننده در عملیات، سلاح‌های مورد استفاده، تعداد کشته‌شدگان در عملیات، محل عملیات و تجربیات شخصی افراد در این عملیات باید در این گزارش ذکر شود.

وی اضافه کرد: واحد عملیاتی گردان، گروهان و یک تیم تروریستی با این شاخ و برگ و به صورت نظام‌مند و سازمان‌یافته عمل می‌کنند. در تیم‌های چهار نفره در خانه‌های تیمی یک فرمانده، یک معاون، مسئول آتش و راننده وجود دارد. مسئول آتش در این خانه‌های تیمی به کسی گفته می‌شود که در صورت گرفتار شدن گروه در محصله شروع به تیراندازی می‌کند و با آتش برافروختن و تیراندازی، دشمن را مشغول می‌کند تا دیگران بتوانند فرار کنند. اما در تیم تهاجمی و عملیاتی مسئول آتش کسی است که اقدام تروریستی را انجام می‌دهد.

قاضی به وکیل شکات گفت: شما در لایحه نوشتید بعد از اینکه اعضای سازمان در انتخابات شرکت کردند، مردم به آن‌ها رای ندادند اقدامات آن‌ها در شاخه‌های نظامی شدیدتر شد. مداح گفت: مهمتر از این عدم صلاحیت مسعود رجوی بود بدین جهت که قانون اساسی را قبول نداشت اظهار به مخالفت جدی کرد و خودش هم که کاندید شده بود رد صلاحیت شد. از اینجا به بعد که متوجه می‌شوند نمی‌توانند به قدرت و حکومت دست پیدا کنند و عملاً مردم اینها را نمی‌خواهند این اقدامات تروریستی را انجام دادند و توجیه آن‌ها این بود که برای نجات مردم این کارها را انجام می‌دهیم. سوال این است اگر مردم شما را می‌خواستند به شما در مجلس رای می‌دادند و بیش از ۹۸ درصد به جمهوری اسلامی رأی نمی‌دادند.

وی ادامه داد: در جزوه «انهدام خودروهای دشمن» چگونگی انفجار خودروها را توضیح داده‌اند که از نشریه ۲۲۵ مجاهد برداشته شده است. یکی از کارهای فرمانده عملیات انتشار این جزوه‌ها بود که با یک کد نویسی این جزوه‌ها را بین اعضا توزیع می‌کرد.

وی ادامه داد: جزوه دیگری به نام «چگونه می‌توان پایگاه‌های مقاومت نظامی ایجاد کرد» است که در آن به اعضای سازمان گفته شده زمانی که خانه تیمی اجاره و خود را مکانیک معرفی می‌کنید، شکل و لباس خود را شبیه

یک مکانیک باشد.

وکیل شکات گفت: مردم با منافقین همراهِ نبودند و قصد داشتند خود را مخفی کنند. در موارد ی مردم از خانه‌های تیمی مطلع می‌شدند و به کمیته اطلاع می‌دادند.

قاضی از وکیل شکات پرسید: اینکه سازمانی به اعضای خود مواردی مانند تظاهر به مکانیک بودن را آموزش دهد چه ارتباطی به اقدامات تروریستی دارد؟

وکیل شکات پاسخ داد: تمام این موارد مقدماتی برای انجام اقدامات تروریستی و عمل مجرمانه است و در اقراریه اعضای سازمان هم آمده است. در اقراریه پروین پرتوی با نام مستعار مریم آمده است. وی در انجمن زنان و محلات غرب تهران بوده است.

مداح اضافه کرد: مسئله بعدی عدم وجود محدودیت در تعداد سردستگی است مستند به نظریه مشورتی اداره کل حقوقی که صراحتاً بیان شده در تعداد سردسته و اداره کننده محدودیتی وجود ندارد. اگر به ظاهر تبصره ۲ ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی، هم بخواهیم استناد کنیم، می‌فرماید سردستگی عبارت است از تشکیل یا طراحی و یا سازماندهی یا اداره گروه مجرمانه.

وی گفت: ممکن است چند مسئول هم عرض هم وجود داشته باشند و از اینرو بابت گرافیکی که از لحاظ عملیاتی در جلسه گذشته در همین دادگاه خدمت شما ارائه دادم می‌توانیم بگوییم علی‌الخصوص نسبت به کادری که در جریان عملیات‌های نظامی وجود داشتند و سرکردگی داشتند مسعود رجوی متهم ردیف دوم، مریم قجر عضدانلو متهم ردیف سوم، مهدی ابریشم‌چی متهم ردیف چهارم و زهره اخیانی متهم ردیف ۵، مهدی برای متهم ردیف ۷، زهره مریخی آهنگر متهم ردیف ۹، علی خدایی صفت متهم ردیف ۱۱ محمد طریقت منفرد متهم ردیف ۱۶، مهوش سپهری متهم ردیف ۱۷، محسن سیاه کلاه متهم ردیف ۲۰، محمود عطایی متهم ردیف ۲۶، آزاده رضایی متهم ردیف ۷۸ می‌توانیم مصداق جرم سرکردگی را نسبت به اینها منتسب کنیم.

مداح بیان کرد: به جهت اینکه عمل، کاملاً مطابق با جرم حدی محاربه و افساد فی‌الارض است تقاضای محکومیت نامبرده‌ها را به مجازات محارب و مفسد فی‌الارض از دادگاه خواستارم.



خط و نشان آقای قاضی به تروریست‌ها

## دادگاه از حق قانونی خود برای استرداد متهمان استفاده می‌کند

دادگاه با حوصله کامل جلسات خود را تشکیل خواهد داد و چنانچه متهمین دفاعی دارند می‌توانند از طریق وکلای خود و یا با حضور در دادگاه مطرح کنند.

حسب لایحه‌ای که شاکي به دادگاه ارائه کرده هر روز بیش از دو ساعت برنامه در رابطه با این دادگاه توسط متهم ردیف اول و کارشناسان آن تولید و اظهارات مختلفی بیان می‌شود؛ پس خود متهمان نیز به این موضوع واقف هستند که این دادگاه صالح به رسیدگی است.

قاضی دادگاه منافقین خاطرنشان کرد: تولید و پخش برنامه‌های مرتبط با دادگاه و اظهار نظر و موضع‌گیری در مورد این دادگاه توسط متهم ردیف اول گواه صلاحیت این دادگاه در رسیدگی به این پرونده است، هرچند تشخیص صلاحیت دادگاه بر عهده رئیس و مستشاران دادگاه است. حسب اظهارات یکی از وکلای متهمان که وکیل متهم ردیف اول تا بیستم بوده در پیام رسمی رسانه متعلق به متهم ردیف اول رسماً اعلام شده که این وکیل را پذیرفتند و وکالت او را قبول دارند. متهمان می‌توانند در دادگاه حضور پیدا کرده و از خود دفاع کنند و دادگاه نیز هر زمان که تشخیص دهد می‌تواند از حق قانونی خود برای استرداد متهمان استفاده کند.

رسیدگی قرار گرفته و قوه قضاییه و جمهوری اسلامی ایران در کمال اقتدار و رعایت قانون این دادگاه را برگزار کردند. جدای از آنکه در رسانه‌های وابسته به متهم ردیف اول درباره تک جلسات دادگاه از جلسه تنفس پانزدهم به بعد، نسبت به اظهارات این دادگاه موضع‌گیری، اظهارنظر و تشکیل میزگرد شده حکایت از اطلاع کامل به ویژه متهم اول، دوم، سوم و برخی متهمین دیگر از اظهارات و اتهامات مطروحه در این دادگاه دارد.

قاضی دهقانی یادآور شد: به استناد دلایلی که در دادگاه در حال رسیدگی است این دادگاه نظر به طول مدت جنایت که بیش از ۴۰ سال بوده و تعداد شکات، شهدای مطروحه که بیش از ۱۷ هزار نفر هستند و با توجه به نوع اقدامات مورد رسیدگی و قریب به ۲۰۰ نفر شهودی که در مراحل دادرسی برای حضور در دادگاه اعلام آمادگی کردند و ۱۰۴ متهم خطاب به متهمین اعلام می‌کنم استماع اظهارات ۲۰۰ شاهد و تعداد قابل توجه شکات و مدت طرح این اتهامات تقریباً در داخل و خارج از کشور بی‌سابقه بوده است.

وی خطاب به مریم و مسعود رجوی گفت: بسیاری از شاهدان پرونده از اعضای سازمان شما بودند و در کمال آزادی و در مقابل اصحاب رسانه اظهارات خود را مطرح می‌کنند. این

قاضی دادگاه محاکمه سرکردگان فرقه رجوی گفت: دادگاه هر زمان که تشخیص دهد می‌تواند از حق قانونی خود برای استرداد متهمان استفاده کند.

به گزارش فراق، حجت الاسلام دهقانی در بیست و ششمین جلسه دادگاه خطاب به متهم ردیف اول یعنی شخصیت حقوقی سازمان مجاهدین و ۱۰۴ نفر متهم دیگر این پرونده، گفت: معاهدات بین‌المللی مبارزه با تروریسم این اجازه را به کشورهایی که اقدامات تروریستی در آن کشورها واقع شده، داده است که دادگاه‌های داخلی آن‌ها صلاحیت رسیدگی به این اتهامات و جنایت‌ها را داشته باشند. این دادگاه علنی با حضور اصحاب رسانه و خبرگزاری‌ها در حال برگزاری است و مشخص شد که سازمان و برخی از متهمین به طور کامل از جریان برگزاری دادگاه مطلع بوده در قبال آن اظهارنظر می‌کنند.

وی افزود: مجدداً به مسعود رجوی و متهمین دیگر در جلسه اول دادرسی و بیست و ششمین تنفس دادگاه اعلام می‌کنم، امروز در حال رسیدگی به اتهام شکنجه نوجوان ۱۷ ساله هستیم. وکلای شما در دادگاه حاضرند. شما نسبت به وکلای خود موضع‌گیری و اظهار نظر داشتید. امروز این پرونده برابر قوانین داخلی و بین‌المللی در دادگاه صالح مورد

رابطه فشارهای سیاسی جدید روی فرقه رجوی با صدور کیفرخواست علیه آن‌ها در ایران

## هدف فرقه رجوی از جایگزینی عنوان «شورای ملی مقاومت» به جای «مجاهدین خلق» چیست؟

کامران شیرازی



فشار برخی کشورهای اروپایی بر فرقه رجوی، بیش از آنکه از شناخت دقیق ماهیت تروریستی این گروه ناشی شده باشد، تابعی از رفتارهای منافقانه و سیاست‌های دوگانه آن‌هاست.

این کشورها، که در بسیاری از موارد از گروه‌های تروریستی دیگر، مانند جریان‌های تکفیری در سوریه، حمایت علنی کرده‌اند، در برخورد با فرقه رجوی نیز رویکردی مشابه دارند. برخی از این فشارها، صرفاً پاسخی به افکار عمومی داخلی یا واکنشی به تحرکات فعال دیپلماتیک و امنیتی جمهوری اسلامی است، وگرنه این کشورها همچنان در بسیاری از سطوح، از فرقه رجوی و سایر گروه‌های تروریستی مخالف جمهوری اسلامی حمایت می‌کنند.

سازمان مجاهدین خلق (فرقه رجوی) در طول تاریخ فعالیت خود، با تغییرات مداوم در ایدئولوژی، ساختار و نام، تلاش کرده است که چهره واقعی خود را پنهان کرده و به زیست انگلی خود ادامه دهد. جایگزینی شورای ملی مقاومت به‌جای سازمان مجاهدین خلق یکی از این تغییرات است که اهدافی چون گمراه‌سازی افکار عمومی، جلب حمایت‌های بین‌المللی و پوشاندن ماهیت تروریستی این فرقه را دنبال می‌کند. این اقدام، شباهت بسیاری به ری برندنینگ گروه‌های تروریستی دیگر مانند «تحریر الشام» به رهبری ابومحمد الجولانی دارد؛ فردی که با تغییر ظاهر، پوشیدن کت و شلوار و حمایت رسانه‌های غربی، تلاش کرد تا تصویر اعتدالی و دموکراتیک از خود ارائه دهد و ماهیت جنایتکارانه گروهش را از یادها ببرد. این اقدامات آشکارا با هدف فریب افکار عمومی و تطهیر چهره واقعی گروه‌های تروریستی انجام می‌شود. فرقه رجوی نیز از زمان تأسیس تاکنون چندین بار ظاهر و رویکرد خود را تغییر داده‌اند.

این تغییرات از جنبش‌های ملی‌گرا و همکاری با نهضت آزادی آغاز شد تا به استفاده ابزاری از مفاهیم دینی مانند توحید، عدالت، ظلم‌ستیزی و حتی استفاده مکرر از عبارات

خارج از کشور داشته باشد. در نظام حقوقی ایران، ماده ۱۴۲ قانون مجازات اسلامی امکان انحلال، توقیف اموال و ممنوعیت فعالیت اشخاص حقوقی دخیل در جرایم سازمان‌یافته را فراهم می‌کند. همچنین ماده ۴۹ قانون آیین دادرسی مدنی، امکان طرح دعاوی جبران خسارت قربانیان جنایات سازمان را در محاکم داخلی و بین‌المللی ایجاد کرده است. در سطح بین‌المللی نیز ماده ۱۰ کنوانسیون سازمان ملل علیه جرایم فراملی سازمان‌یافته (۲۰۰۰) و کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم (۱۹۹۹) به صراحت مسئولیت اشخاص حقوقی در جرایم سازمان‌یافته را تصریح کرده‌اند. این اصول حقوقی، امکان مسدودسازی منابع مالی، محدودسازی فعالیت‌ها و پیگیری قضایی گروه‌های تروریستی را فراهم می‌کنند. از سوی دیگر، باید توجه داشت که فشار برخی کشورهای اروپایی بر فرقه رجوی، بیش از آنکه از شناخت دقیق ماهیت تروریستی این گروه ناشی شده باشد، تابعی از رفتارهای منافقانه و سیاست‌های دوگانه آن‌هاست. این کشورها، که در بسیاری از موارد از گروه‌های تروریستی دیگر، مانند جریان‌های تکفیری در سوریه، حمایت علنی کرده‌اند، در برخورد با فرقه رجوی نیز رویکردی مشابه دارند. برخی از این فشارها، صرفاً پاسخی به افکار عمومی داخلی یا واکنشی به تحرکات فعال دیپلماتیک و امنیتی

نهج البلاغه رسیدند. سپس با رونق نسبی افکار چپ‌گرا، با حذف آیات قرآن از نماد سازمان در بیانیه مشهور اعلام مواضع مارکسیسم تغییر ایدئولوژی دادند. بعد از همراهی عمومی مردم با نهضت اسلامی و رهبری امام خمینی (ره)، دوباره به شعارهای مذهبی برای همراهی ظاهری با انقلاب اسلامی بازگشتند. پس از پیروزی انقلاب، و بعد از ناکام ماندن در سهم خواهی قدرت، با سرعت به مخالفت با امام و انقلاب پرداختند و در نهایت با همکاری با صدام حسین در دوران دفاع مقدس، خیانت خود به ملت ایران را اثبات کردند. در سال‌های اخیر نیز با معرفی مریم رجوی به‌عنوان رهبر سازمان به‌جای مسعود رجوی و تشکیل شورای ملی مقاومت نیز قصد ارائه یک ژست حامی زن و دموکراتیک از خود دارند که با هدف بازسازی وجهه بین‌المللی سازمان صورت گرفته است. آنچه مشخص است تغییر ظاهر و تکنیک برای بقا، یکی از راهبردهای اساسی این فرقه بوده و جایگزینی شورای ملی مقاومت نیز نمونه دیگری از این رویکرد است. یکی از دلایل کلیدی این جایگزینی، پیامدهای حقوقی و سیاسی ناشی از صدور کیفرخواست علیه شخصیت حقوقی سازمان مجاهدین خلق است. این اقدام از سوی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای بر فعالیت‌های این فرقه در داخل و

نمی‌تواند موجب سلب مسئولیت کیفری و مدنی آن‌ها شود. در حقوق تطبیقی، قوانین ضد تروریسم بریتانیا مانند (Terrorism Act 2000) اجازه می‌دهند گروه‌های تروریستی با تغییر نام یا ساختار همچنان تحت پیگرد قرار گیرند. در فرانسه نیز قانون مقابله با جرایم سازمان‌یافته قانون Perben II صراحتاً تأکید دارد که تغییرات ساختاری یا ظاهری یک گروه، مسئولیت آن را از بین نمی‌برد و محاکمه آن باید ادامه یابد. این اصول در پرونده‌هایی همچون تعقیب اعضای القاعده در اروپا یا تلاش برای انحلال گروه‌های تروریستی شبه‌نظامی در ایرلند شمالی نیز مشهود است. بنابراین، شورای ملی مقاومت به دلیل ارتباط مستقیم با سازمان مجاهدین خلق، نمی‌تواند از مسئولیت جنایات این گروه مبرا باشد.

در نتیجه، اقدامات فرقه رجوی برای جایگزینی شورای ملی مقاومت با سازمان مجاهدین خلق، تلاشی آشکار برای گمراه‌سازی افکار عمومی، پنهان کردن ماهیت تروریستی و جلب حمایت‌های بین‌المللی است. با این حال، مبانی حقوقی داخلی و بین‌المللی نشان می‌دهند که این تغییرات ظاهری، مسئولیت کیفری و مدنی فرقه رجوی و نهادهای وابسته به آن‌ها را کاهش نمی‌دهد و حتی می‌تواند به افزایش فشارهای حقوقی و سیاسی علیه آن‌ها منجر شود.

ملی مقاومت، که به‌عنوان نهادی مستقل و دموکراتیک معرفی می‌شود، در واقع تحت کنترل کامل سازمان مجاهدین خلق بوده و هیچ تمایزی عملیاتی میان این دو وجود ندارد. در این زمینه نیز نمی‌توان تأثیر اقدامات جمهوری اسلامی ایران را نادیده گرفت. دستگاه دیپلماسی و امنیتی جمهوری اسلامی، به‌ویژه در دوران دولت شهید رئیسی، با اقدامات هماهنگ و فعالانه خود، فشارهای جدی بر حامیان این گروهک وارد کرده است که این موضوع در تغییرات اخیر فرقه رجوی بی‌تأثیر نبوده است.

در زمینه پیامدهای حقوقی این تغییر نام، باید تأکید کرد که بر اساس قوانین داخلی ایران و حقوق بین‌الملل، تغییر نام یا ساختار یک نهاد نمی‌تواند مسئولیت کیفری و مدنی آن را از بین ببرد. ماده ۱۴۲ قانون مجازات اسلامی ایران تصریح می‌کند که مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی بر اساس اقدامات اعضای آن‌ها تعیین می‌شود و با تغییر نام یا جایگاه، از بین نمی‌رود. در حقوق بین‌الملل نیز اصل «مسئولیت مستمر» بر این نکته تأکید دارد که تغییر نام یا ساختار یک نهاد، مانعی برای اجرای عدالت نیست. دادگاه‌های بین‌المللی نیز در پرونده‌هایی مانند «محاکمه رهبران صرب در دادگاه لاهه» و تعقیب گروه‌های تروریستی در خاورمیانه، تأکید کرده‌اند که تغییرات ظاهری سازمان‌ها

جمهوری اسلامی است، وگرنه این کشورها همچنان در بسیاری از سطوح، از فرقه رجوی و سایر گروه‌های تروریستی مخالف جمهوری اسلامی حمایت می‌کنند.

به طور مثال نقش سوئد در همراهی با فرقه رجوی پیرامون دادگاه حمید نوری، نقش بلژیک در همراهی با دادگاه و اتهام جعلی اسدالله اسدی دیپلمات کشورمان، میزبانی آلبانی از شاخه تروریسم روانی و خیابانی فرقه رجوی، میزبانی فرانسه از سازمان سیاسی فرقه رجوی، میزبانی دولت آلمان از شاخه اطلاعاتی و جاسوسی فرقه رجوی یا حمایت رسمی پارلمان‌ترهای آمریکایی و مقامات اسبق دولت آمریکا از فرقه رجوی که حتی موجب واکنش افکار عمومی آن کشورها به این اقدامات حمایتی شده است. یکی دیگر از دلایل تغییر نام فرقه رجوی، از دست رفتن اعتبار قبلی آن‌ها در داخل و خارج از کشور است. عملکردهای تروریستی، همکاری با صدام حسین و نقض گسترده حقوق بشر، اعتبار نام سازمان مجاهدین خلق را به‌شدت خدشه‌دار کرده است. نتیجتاً این سازمان بر آن شده است تا با هدف فرار از کیفر جنایات خود و نیز فریب افکار عمومی ایران و جهان، مشابه اقدامات الجولانی، تلاش کند با تغییر ساختار و ظاهر، ماهیت واقعی خود را پنهان کرده و تصویری مثبت و دموکراتیک از خود ارائه دهد. شورای





## آثار اوهام «اشرف»

مرتضی حیدرزاده

هم می‌خندیدیم. بعدها، پس از تخلیه اشرف، شنیدم که ارتش عراق وارد آنجا شده و شروع به ساخت و ساز کرده و اتفاقاً مکان قبرستان را نیز با لودر و بولدوزر صاف و تبدیل به پارک کرده است! اگر بخواهم صادقانه بگویم، از اینکه آن همه انسان به خاطر کسی که خود را حفظ کرد تا دیگران بهای بقای او را بپردازند، افسوس خورده و ناراحت می‌شوم. بسیاری از آن‌ها را می‌شناختم و می‌دانستم که مرگشان نتیجه خودسری‌ها و ندانم‌کاری‌های رجوی بود. وگرنه چرا باید آنان در زمانی که هیچ جنگی وجود نداشت، کشته می‌شدند؟ آن‌ها مُردند تا رجوی بیشتر عمر کند. آن‌ها قربانی شدند تا رجوی شاید روزی به حاکمیت برسد و حکومت خیالی خود را برپا نماید. رویاهای واهی‌ای که حتی نزدیک‌ترین افراد به رجوی نیز به آن تفکرات هیچ اعتقادی نداشتند. حتی فرزندش که چند سالی را در قرارگاه اشرف و بعد در لیبرتی گذرانده بود، متوجه شده بود که پدرش فردی متوهم، متقلب و دروغگو است که به خاطر افکارش، باید دیگران خون بدهند و کشته شوند. لذا تا دیر نشده، جان خود را برداشت و رفت. اکنون نیز حتماً نقشه‌هایی برای اشرف ۳ در آلبانی در سر دارد.

قرارگاه اشرف قرار داشت و محل دفن کسانی بود که در آنجا فوت شده بودند) بهره‌برداری خواهیم کرد. برای ما که در آنجا حضور داشتیم، این جملات بیشتر شبیه فانتزی و خیال بود و به‌خوبی می‌فهمیدیم که این نوع حرف‌ها مانند قرص مسکنی است که می‌خواهد درد شدیدی را تسکین دهد، در حالی که درد بسیار فراتر از قدرت آن مسکن بود. به عبارتی دیگر، کار از قرص گذشته و نیاز به تزریق مرفین بود!

البته نمی‌دانم، شاید مثل سایر توهمات که رجوی مدام در ذهنش می‌پروراند، این مورد نیز بخشی از توهمات او بود. ولی به هر حال این حرف‌ها را می‌زد و تلاش می‌کرد دیگران را نیز مانند خودش آرام کند. او می‌دانست که هیچ آینده‌ای برای اشرف، آن‌گونه که او در نظر داشت، امکان تحقق ندارد. آینده‌ای که او برای اشرف ترسیم کرده بود، پیشاپیش مشخص بود که چه خواهد بود، اما این حرف‌ها صرفاً شعار بود و همه می‌دانستند که رجوی زیاد از این وعده‌های پوچ می‌دهد. گویی که در دنیای خیالی او، نقطه پایانی وجود نداشت. از این رو بود که ما وقتی در جمع‌های خودمانی و دوستانه قرار می‌گرفتیم، به یکدیگر می‌گفتیم: «هم روحیه اش بالاست و هم روش زیاده» و با

پس از سقوط دیکتاتور عراق، تقریباً تمامی ساکنان اشرف دچار استرس، فروپاشی ذهنی و روحی شده بودند. در آن شرایط بحرانی و نبود خبری از سران سازمان، تلاش بر این بود که با وعده‌های غیرقابل تحقق، ساکنان را دلداری داده و آرام کنند.

مسعود رجوی در نشست‌هایی که به‌صورت نوشتاری یا صوتی برگزار می‌شد، سعی می‌کرد قرارگاه مخوف اشرف را یک معبد ابدی جلوه دهد و وانمود کند که اشرف تا ابد متعلق به ساکنانش و مردم ایران است.

این وعده‌ها بیشتر پس از ترک اشرف مطرح می‌شد، در حالی که پیش از آن، رجوی مدام تأکید می‌کرد که امکان تخلیه اشرف وجود ندارد و با شعار «چواشرف نباشد، تن من مباد» وفاداری خود را به این مکان نشان می‌داد. اما گویا خود او و مریم رجوی زودتر از همه، اشرف را تخلیه کرده و فرار را بر قرار ترجیح داده بودند. شاید آن‌ها می‌دانستند که دیگر آینده‌ای برای اشرف متصور نیست. به هر حال، رجوی مدعی بود که پس از سرنگونی حکومت ایران، در اشرف به خاطر سال‌ها ماندگاری و ایستادگی، یک موزه خواهیم ساخت و از مکان‌های دیگر آن، به‌ویژه از «مزار شهدا» (منظورش قبرستانی بود که در ضلع شمالی



پرونده جنایت رجوی علیه کودکان اعضای خود باز است

## هراس باند رجوی از تشکیل پرونده حقوقی در اروپا

علی زمانی - تیرانا

بسیاری از این اقدامات به صورت سیستماتیک و در طول سالها انجام شده و آشکارا نقض قوانین کشورهای محل سکونت این کودکان بوده است. کودکسربازان سابق سازمان رجوی و کودکانی که از خانوادههایشان جدا شدهاند، این موارد را شخصاً تجربه کرده یا شاهد آن بودهاند. آنها در خاطرات خود، در مصاحبه با رسانه‌های کشورهای آزاد، یا در فیلم‌های مستند، از این تجربه‌های دردناک سخن گفته‌اند.

افرادی که از سازمان رجوی در این اقدامات حمایت کردند و مانع از کشف حقیقت شدند، یا با ایجاد موانع، آزادی بیان این کودکان سابق را محدود کرده‌اند، اگرچه ممکن است از نظر حقوقی مسئول شناخته نشوند، اما از نظر اخلاقی شریک جنایت رجوی محسوب می‌شوند. فرقه رجوی، برای جلوگیری از تبدیل شدن موضوع کودکسربازان سابق و کودکان جدا شده از خانوادههایشان به یک پرونده حقوقی و کیفری در کشورهای اروپایی، دستگاه تبلیغاتی خود را به کار گرفته است تا با ایجاد سر و صدا و اتهام‌زنی، مانع از عمومی شدن این موضوع در افکار عمومی کشورهای اروپایی شود. به همین دلیل، این سازمان تلاش کرده است تا از نمایش فیلم مستند «کودکان کمپ اشرف» ساخته‌ی کشور سوئد یا مصاحبه‌های رسانه‌ها با این کودکان سابق جلوگیری کند.

رجوی از این هراس دارد که با آگاهی مردم در کشورهای آزاد اروپا و آمریکای شمالی، سیاستمدارانی که از این سازمان حمایت می‌کنند، حمایت خود را قطع کنند و زمینه‌های پیگرد حقوقی رجوی و دیگر افرادی که در سه دهه‌ی گذشته در اقدامات غیرقانونی مرتبط با کودکان در این سازمان فعال بوده‌اند، فراهم شود. در ترس از چنین احتمالی، سازمان رجوی از یک سو با ایجاد سر و صدا و جنجال‌آفرینی سعی در منحرف کردن افکار عمومی دارد و از سوی دیگر، با اتهام‌زنی و ترور شخصیت، شاهدانی را که می‌توانند در این مورد سخن بگویند یا در دادگاه حاضر شوند، می‌ترساند.



جدا کردن خواهران و برادران از یکدیگر و سپردن آنها به افراد ناشناس در کشورهای دیگر، قطع ارتباط طولانی‌مدت کودکان با والدینشان، نگهداری غیرقانونی برخی از کودکان در خانه‌ها یا خوابگاه‌های دسته‌جمعی در برخی کشورهای اروپایی و محروم کردن آنها از حقوق قانونی‌شان، کلاهبرداری سیستماتیک با دریافت پول از ادارات دولتی کشورهای مختلف به نام کودکان و عدم هزینه‌کرد آنها برای اعمال خشونت جسمی و جنسی در خوابگاه‌های دسته‌جمعی توسط افرادی که از سوی سازمان رجوی برای نگهداری کودکان گمارده شده بودند، و همچنین خشونت‌های مشابه در خانه‌های هواداران سازمان، از جمله جنایاتی است که بر این کودکان تحمیل شد. برخی از این کودکان دچار ضربه‌های روحی شدید شده‌اند، دست به خودکشی زده‌اند یا هنوز از آسیب‌های روانی رنج می‌برند.

در سال‌های بعد، بخشی از این کودکان به‌طور غیرقانونی و بدون اطلاع پلیس یا ادارات دولتی، از کشورهای اروپایی به عراق منتقل شدند؛ با این وعده که والدین خود را ملاقات خواهند کرد. اما در عراق، برخی از آنها که کمتر از ۱۷ سال یا حتی جوان‌تر بودند، به‌زور به سربازی گرفته شدند. بعدها، تعدادی از این کودکسربازان در درگیری‌های کمپ اشرف و کمپ لیبرتی در عراق کشته شدند. درباره‌ی چگونگی مرگ یا خودکشی برخی از آنها نیز اطلاعاتی در دست نیست.

فرقه رجوی، برای جلوگیری از تبدیل شدن موضوع کودکسربازان سابق و کودکان جدا شده از خانوادههایشان به یک پرونده حقوقی و کیفری در کشورهای اروپایی، دستگاه تبلیغاتی خود را به کار گرفته است تا با ایجاد سر و صدا و اتهام‌زنی، مانع از عمومی شدن این موضوع در افکار عمومی کشورهای اروپایی شود.

به گزارش فراق، کودکانی که به دستور رجوی از پدر و مادرشان جدا و به کشورهای دیگر فرستاده شدند، بین ۷۰۰ تا ۹۰۰ نفر برآورد می‌شوند. فرزندان من نیز از قربانیان این جنایت رجوی هستند. ده‌ها نفر از آنان بعدها با فریبکاری از سوی سازمان رجوی به عراق بازگردانده شدند، لباس نظامی پوشانده شده و به خدمت رجوی درآمدند. از سرنوشت بسیاری از این کودکان اطلاعی در دست نیست و فرقه رجوی تاکنون گزارشی در مورد آنها منتشر نکرده است. اما مشخص است که تعدادی از آنها دست به خودکشی زدند، برخی در خانه‌های هواداران سازمان رجوی یا نزد افرادی که مسئول نگهداری آنها بودند، مورد خشونت جسمی و تجاوز قرار گرفته‌اند. همچنین بسیاری از این کودکان دچار آسیب‌های شدید روحی و روانی شده‌اند و هنوز هم از پیامدهای آن رنج می‌برند.

نابودی بنیان خانواده، جدا کردن کودکان از پدر و مادرشان (از نوزادان شیرخوار تا نوجوانان ۱۳-۱۴ ساله)، انتقال غیرقانونی آنها از عراق و ورود غیرقانونی‌شان به کشورهای مختلف که جان آنها را به خطر می‌انداخت، تلاش برای

## مروری بر نشست‌های ایدئولوژیک و شستشوی مغزی در فرقه رجوی فردی که ذهن خود را کامل بیرون بریزد جنگاورتر است!

افکار خصوصی خود را افشا می‌کردند. چنین فضایی موجب می‌شد که حرمت و اعتماد میان اعضا به‌طور کامل از بین برود و آن‌ها احساسات شخصی خود را در موقعیت‌هایی تحقیرآمیز و شکننده بیان کنند.

یکی از اهداف اصلی نشست‌های ایدئولوژیک، از جمله نشست غسل هفتگی، شستشوی مغزی اعضا و تسلط کامل بر رفتار و افکار آنان بود. این جلسات با ایجاد شرمندگی و ترس، اعضا را مجبور به اطاعت و پذیرش شرایط سخت می‌کرد. به‌علاوه، این روش‌ها به‌طور گسترده‌ای برای از بین بردن هر گونه احساس وابستگی به خانواده یا زندگی شخصی فردی در نظر گرفته شده بود. به‌عبارت دیگر، فرد به‌طور کامل به‌عنوان یک عضو از تشکیلات در نظر گرفته می‌شد و هر نوع هویت فردی از او سلب می‌شد. نشست غسل هفتگی و سایر نشست‌های مشابه در سازمان مجاهدین، نمونه‌ای از تکنیک‌های شستشوی مغزی است که هدف آن‌ها حفظ کنترل شدید بر افکار، احساسات و تمایلات اعضا بود. این روش‌ها، اعضا را از دنیای بیرون و هویت شخصی‌شان جدا کرده و آن‌ها را به ابزاری برای پیشبرد اهداف سازمان تبدیل می‌کرد. در نهایت، این جلسات نه‌تنها موجب از بین رفتن حرمت فردی اعضا می‌شد، بلکه اعتماد و ارتباطات انسانی را در میان اعضای سازمان نابود می‌کرد.

در فرقه رجوی، از شیوه‌های مختلفی برای کنترل و مدیریت ذهن اعضا استفاده می‌شود.

به گزارش فراق، ابراهیم مرادی، عضو نجات یافته از فرقه رجوی در تیرانا در یادداشتی نوشت: یکی از روش‌های متداول، برگزاری جلساتی است که به‌طور مستقیم بر رفتار، افکار و احساسات اعضا تأثیر می‌گذارد. نشست غسل هفتگی یکی از مهم‌ترین این جلسات بود که با هدف کنترل ذهن اعضا و جلوگیری از خروج آن‌ها از مناسبات تشکیلاتی برگزار می‌شد.

در نشست غسل هفتگی، اعضای سازمان مجاهدین موظف هستند تا تمامی افکار و تمایلات جنسی خود را که در ارتباط با جنس مخالف بوجود می‌آوردند، جلوی جمع بخوانند. هدف از این نشست‌ها، از بین بردن هر گونه تمایل فردی به زندگی شخصی و همچنین تحمیل یک زندگی بدون هیچ‌گونه هویتی غیر از تشکیلات، بود. مسعود رجوی رهبر سازمان مجاهدین در این جلسات می‌گفت: اگر فردی بتواند ذهن خود را به‌طور کامل بیرون بریزد، جنگاورتر است و برای مبارزه بهتر آماده خواهد بود.

این روش به‌گونه‌ای طراحی شده بود که نه‌تنها افراد را از تمایلات طبیعی انسانی خود دور کند، بلکه آن‌ها را در موقعیتی بسیار شرم‌آور قرار دهد. اعضا باید در حضور جمع و در مقابل افرادی با سنین مختلف، حتی اعضای مسن‌تر و جوان‌تر، احساسات و

### قاضی دادگاه خطاب به متهمان دادگاه ترور چه پاسخی داد؟ دادگاه ایران مطابق معاهدات بین‌المللی برگزار می‌شود

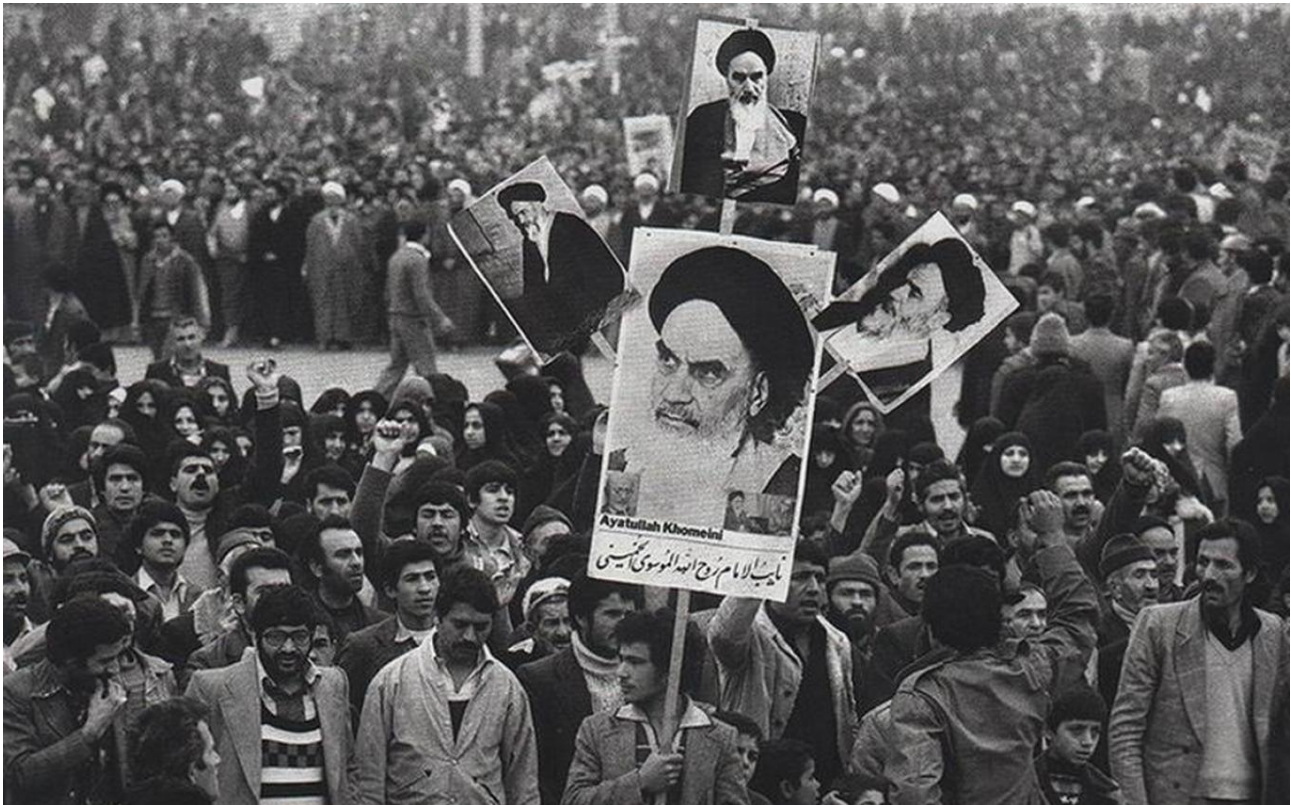
قاضی دادگاه خطاب به متهم ردیف اول یعنی شخصیت حقوقی سازمان تروریستی مجاهدین گفت: معاهدات بین‌المللی مبارزه با تروریسم این اجازه را به کشورهایی که اقدامات تروریستی در آن کشورها واقع شده، داده است که دادگاه‌های داخلی آن‌ها صلاحیت رسیدگی به این اتهامات و جنایت‌ها را داشته باشند.

به گزارش فراق، حجت‌الاسلام امیررضا دهقانی روز سه‌شنبه ۱۸ دی‌ماه در بیست و ششمین جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات ۱۰۴ نفر از سران سازمان مجاهدین خلق و همچنین ماهیت این سازمان به عنوان یک شخصیت حقوقی، در شعبه یازدهم دادگاه کیفری یک استان در پاسخ به این سؤال وکیل شکات که اعلام کرد گروهک منافقین در پیامی از دادگاه خواسته است تا رسیدگی به این پرونده در دادگاه‌های بین‌المللی انجام شود، اظهار داشت: معاهدات بین‌المللی مبارزه با تروریسم این اجازه را به کشورهایی که اقدامات تروریستی در آن کشورها واقع شده، داده است که دادگاه‌های داخلی آن‌ها صلاحیت رسیدگی به این اتهامات و جنایت‌ها را داشته باشند.

وی بیان کرد: این دادگاه به صورت علنی با حضور اصحاب رسانه و خبرنگاری‌ها در حال برگزاری است و مشخص شد که سازمان و برخی از متهمین به‌طور کامل از جریان برگزاری دادگاه مطلع بوده در قبال آن اظهارنظر می‌کنند. حجت‌الاسلام امیررضا دهقانی گفت: جدای از آنکه در رسانه‌های وابسته به متهم ردیف اول درباره تک تک جلسات دادگاه از جلسه تنفس پانزدهم به بعد، نسبت به اظهارات این دادگاه موضع‌گیری، اظهارنظر و تشکیل میزگرد شده حکایت از اطلاع کامل به ویژه متهم اول، دوم، سوم و برخی متهمین دیگر از اظهارات و اتهامات مطروحه در این دادگاه دارد. سازمان تروریستی مجاهدین خلق به شدت از آثار بین‌المللی دادگاه تهران وحشت دارد و در جدیدترین واکنش برای خاموش کرده همه‌ها مطرح کرده تا اتهامات سازمان نفاق در یک دادگاه بین‌المللی مورد رسیدگی قرار گیرد.



## تأثیر داشتن مجاهدین در پیروزی انقلاب اسلامی دور از واقعیات تاریخی است



تعیین کننده‌ای قائل باشد هرگز حاضر به تقسیم سهم خود با دیگرانی که قبولشان ندارد نمی‌شود. از جمله جریان‌هایی که ادعا می‌شود در پیروزی انقلاب اسلامی نقش مهمی ایفا کرده بود جریان مارکسیستی از جمله «مجاهدین خلق»، «چریک‌های فدایی خلق» و «حزب توده» می‌باشد، مهم‌ترین تشکل این جریان حزب توده به شمار می‌رفت که پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ عملاً مضمحل شده رهبران سیاسی آن از کشور خارج گردیده بودند و در کشورهای اروپای شرقی زندگی می‌کردند. بنابراین، حزب توده عملاً در صحنه سیاست ایران پس از سال ۱۳۳۲ تا آستانه پیروزی انقلاب اسلامی حضور نداشت و در صورت حضور نیز به دلیل دارا بودن ایدئولوژی مارکسیستی و تنفر عمومی جامعه ایرانی از این ایدئولوژی و همچنین اشتها حزب یاد شده به

آزادی (جریان راست‌گرا و لیبرالیستی) نیز در مبارزه با رژیم ستمشاهی نقش داشتند، اما نتوانستند توده مردم را با خود همراه سازند و مردم در میان این جریان‌ها، به رهبری امام خمینی (ره) و روحانیت اعتماد کردند. چنان چه ذکر شد هر چند گروه‌های متعددی در مبارزات علیه رژیم ستمشاهی نقش داشتند ولی نقش هیچکدام این احزاب و گروه‌های چپ و راست در آن حد نبود که بتوانند به صورت مستقل مردم را به خیابان‌ها کشانند و دست به کاری در حد عظمت پیروزی انقلاب اسلامی بزنند و از این روی بود که در سال ۱۳۵۷ و با اوج‌گیری انقلاب همه این احزاب و گروه‌ها از جبهه ملی گرفته تا حزب توده مجبور به پذیرش رهبری مطلق و قاطع امام خمینی (ره) شدند و طبیعی است که اگر گروه و حزبی برای خود نقش حساس و

هر چند گروه‌های متعددی در مبارزات علیه رژیم ستمشاهی نقش داشتند ولی نقش هیچکدام این احزاب و گروه‌های چپ و راست در آن حد نبود که بتوانند به صورت مستقل مردم را به خیابان‌ها کشانند و دست به کاری در حد عظمت پیروزی انقلاب اسلامی بزنند. به گزارش فریق، می‌توان گفت در میان جریان‌ها و گروه‌های فعال در جریان مبارزات، با توجه به جایگاه دین در فرهنگ مردم ایران، جریان‌های اسلامی همچون (حزب مؤتلفه، جمعیت فداییان اسلام، جامعه مدرسین حوزه علمیه) نقش پررنگ‌تری داشتند و با اقبال مردم مواجه شدند هر چند جریان‌های چپ و راست با رویکرد التقاطی و استفاده از آموزه‌های دینی و تلفیق آن با تفکرات غربی همچون جبهه ملی، حزب توده، سازمان مجاهدین خلق (جریان چپ‌گرا و مارکسیستی) و نهضت





سیاسی در پیروزی انقلاب اسلامی به منابع زیر مراجعه شود:

- مظفری، آیت، جریان شناسی ایران معاصر، قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۵

- دارابی، علی، جریان شناسی سیاسی در ایران، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸

- احزاب و تشکیلات سیاسی در ایران، مهدی عزیزان، قم: زمزم هدایت

- نواب صفوی، سید مجتبی: فداییان اسلام، تاریخ، عملکرد، اندیشه، به کوشش سیدهدادی خسروشاهی، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۵

- جوادزاده، علی‌رضا؛ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم از آغاز تاکنون فعالیت‌ها از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵

- احمدی حاجیکلاهی، حمید، جریان شناسی چپ در ایران، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷

علوی، سید محمدصادق، بررسی مشی چریکی در ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۷۹.

سازمان مجاهدین خلق: پیدایش تا فرجام، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ص ۲۹۶.

برای مطالعه بیشتر رک سیدمصطفی تقوی، واکاوی نقش گروه‌ها و احزاب در انقلاب اسلامی ایران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی

ترتیب، جریان چپ، اگرچه به سرنگونی حکومت پهلوی باور داشت و مقید به قانون اساسی مشروطیت نبود، اما در حوادث انقلاب هم تأثیرگذار نبود. تشکل دیگری که به عنوان یکی از فعالان عرصه سیاست مقطع مورد بحث در خور توجه است، سازمان مجاهدین خلق و یا همان منافقین است. این تشکل که از آغاز تأسیس در سال ۱۳۴۴ مشی مسلحانه را در مبارزه با رژیم برگزید، از جمله تشکل‌هایی بود که به سرنگونی حکومت پهلوی می‌اندیشید و مقید به قانون اساسی مشروطیت نبود. سازمان مجاهدین خلق به دلیل صبغه اسلامی بنیان‌گذاران آن در ابتدا از سوی برخی از علما و طبقات جامعه مورد حمایت قرار گرفت ولی پس از تحولات ایدئولوژیک و تغییراتی که در کادر سازمان به وجود آمد نه تنها حمایت علما و جامعه را از دست داد بلکه گرفتار آشفته‌گی سازمانی و تصفیه‌های خونین درون‌گروهی و دریافت ضربه‌های پی در پی از سوی ساواک شد و عملاً در سال‌های ۵۴ و ۱۳۵۵ چنان به بن‌بست رسید که «تئوری رکود» را تدوین و تبیین می‌کرد. ساواک بیشتر از هر کس دیگری از این انحطاط سازمان آگاهی داشت و در مقطع تاریخی مورد بحث، دیگر از ناحیه این سازمان، خطری احساس نمی‌کرد.

در نتیجه روشن است که این گروه‌ها و احزاب نقش تأثیرگذاری که بتوان از آن با نام سهم یاد کرد در پیروزی انقلاب اسلامی نداشتند و چنین ادعاهایی دور از واقعیات تاریخی است.

برای آشنایی بیشتر با نقش گروه‌های

وابستگی مزدورانه به همسایه شمالی (شوروی)، امکان هیچ‌گونه تأثیرگذاری در جهت‌گیری جامعه ایران، به ویژه در مقطع تاریخی مورد بحث را نداشت. اصولاً جریان مارکسیستی در تاریخ معاصر ایران آثار ویرانگر فراوانی داشته و وجود آنها نه تنها عامل شتابزای مبارزه نبود بلکه به عنوان دستاویزی از سوی حکومت پهلوی برای بد نام کردن و سرکوب مبارزان اصیل و راستین مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت.

تشکل‌های دیگری نیز در جریان مارکسیستی فعالیت می‌کردند که از نظر کمی و کیفی حائز اهمیت نبوده و به دلیل عدم تأثیرگذاری در روند تحولات جامعه از ذکر و شرح مواضع آنها خودداری می‌کنیم. تنها اشاره مختصری به سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران مفید به نظر می‌رسد. سازمان مذکور که در سال ۱۳۵۰ رسماً تأسیس شد و مشی مسلحانه را برای مبارزه با حکومت در پیش گرفت، به دلیل ماهیت ایدئولوژیک، نداشتن پیوند و پایگاه در میان توده‌های مردم و محدود بودن تعدد نفرتشان، امکان مبارزه مؤثر با حکومت را پیدا نکردند.

در سال ۱۳۵۵ حدود ۶۵ نفر از اعضای آنکه ۹۰ درصد آن تشکل را شامل می‌شد، به وسیله پلیس از بین رفتند و سازمان یاد شده عملاً متلاشی شد، به گونه‌ای که آن سال را سال مرگ سازمان می‌دانند. در پی این واقعه، بقایای اعضای غیرمؤثر سازمان از مبارزه مسلحانه دست کشیده به مبارزه سیاسی روی آوردند و برخی از آنان نیز به خارج از کشور رفتند. بدین



## مروری بر پیام اخیر سفیر ایران در سازمان ملل ایران با دروغ پردازی‌ها وارونه به جامعه جهانی معرفی می‌شود

نامه اخیر امیرسعید ابروآنی، سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل، به شورای امنیت، تأکید مهمی بر رنج‌های تاریخی مردم ایران در مواجهه با تروریسم و اقدامات خشونت‌آمیز داشت.

به گزارش فراق، در این یادداشت به تحلیل ابعاد مهم این نامه و پیام‌های نهفته در آن پرداختیم:

ایروآنی در این نامه با اشاره به شهادت ۲۳ هزار و ۳۲۳ ایرانی توسط تروریسم، سعی کرد تا ابعاد انسانی و عاطفی این موضوع را به تصویر بکشد. یکی از محورهای اصلی نامه، تأکید بر تعهد ایران به مبارزه با تروریسم و ترویج صلح و ثبات در منطقه بود. این بخش از نامه، حسن نیت و جدی بودن ایران در اقدامات خود در زمینه امنیت ملی و مبارزه با تهدیدات خارجی را به خوبی نشان داد.

ایروآنی در بخشی دیگر به درستی به انتقاد از جامعه جهانی و استانداردهای دوگانه در برخورد با تروریسم پرداخت. احساس نارضایتی ایران از نحوه برخورد سایر کشورها با مسائل تروریسم و نادیده گرفتن رنج‌های مردم ایران موضوعی است که دل هر ایرانی را آزرده می‌کند.

این نامه به نوعی پیام به جامعه جهانی بود تا بدانند ایران به عنوان یک کشور قربانی تروریسم، با دروغ پردازی‌های دشمنان این مرز و بوم به صورت وارونه به جامعه جهانی نشان داده می‌شود.

متن کامل نامه امیر سعید ابروآنی سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان ملل به شرح زیر است:

«پیرو دستور دولت متبوعم، افتخار دارم که به‌پیوست دایره‌المعارفی شامل ۲۳ هزار و ۳۲۳ قربانی ایرانی تروریسم را به حضورتان تقدیم کنم. این مجموعه جامع نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران نه تنها پیشگام در مبارزه با تروریسم است، بلکه به عنوان یکی از اصلی‌ترین قربانیان تروریسم پس از انقلاب ۱۳۵۷ هجری‌های سنگینی پرداخته است. از همان آغاز انقلاب، جمهوری اسلامی

ایران شاهد اقدامات بی‌امان ترور، خرابکاری و تجاوز بوده است که توسط گروه‌های تروریستی و با حمایت بازیگران خارجی طراحی و اجرا شده‌اند. حدود ۲۳ هزار ایرانی بی‌گناه، از جمله زنان و کودکان، در نتیجه این اقدامات شنیع که به طور بی‌رویه غیرنظامیان را هدف قرار داده و قوانین بین‌المللی از جمله قوانین و هنجارهای حقوق بشری را به طور فاحش نقض کرده‌اند، جان خود را از دست داده‌اند.

در طی چهار دهه گذشته، جمهوری اسلامی ایران با حملات تروریستی بی‌سابقه‌ای روبرو بوده است که شامل موارد زیر است:

- ظهور گروه‌های تروریستی خارجی محور در شهرهای مرزی ایران.
- ترورهای سیستماتیک دانشمندان هسته‌ای توسط عوامل رژیم اسرائیل.
- ترور مقامات عالی‌رتبه و شهروندان عادی توسط سازمان مجاهدین خلق (منافقین).
- نفوذ گروه‌های تکفیری فرامنطقه‌ای مانند داعش (داعش خراسان) به حوزه امنیتی ایران.
- ترور مشاوران نظامی ایران که نقش حیاتی در مبارزه با تروریسم بین‌المللی در غرب آسیا ایفا کرده‌اند.

• شهادت بیش از ۴ هزار نفر از مأموران نیروی انتظامی در مقابله با مواد مخدر، که فداکاری‌های ایران به عنوان کشوری پیشرو در مبارزه با این معضل جهانی را نشان می‌دهد. این حملات نشان‌دهنده استراتژی عمدی برای استفاده ابزاری از تروریسم جهت دستیابی به اهداف سیاسی است. بیش از ۳۰ گروه تروریستی، از جمله القاعده، داعش خراسان،

سازمان مجاهدین خلق، کومله، پژاک، جیش العدل و جندالله، در این جنایات وحشیانه دست داشته‌اند و اغلب از حمایت‌های مالی، لجستیکی و سیاسی بازیگران خارجی برخوردار بوده‌اند. یکی از نمونه‌های فاحش این کمپین، ترور سیستماتیک مقامات دولتی، دانشمندان و شهروندان عادی است که با حمایت ضمنی بازیگران خارجی انجام شده است. این اقدامات مستمر تجاوز و تروریسم، جنایاتی علیه مردم ایران و نقض آشکار اصول منشور ملل متحد، به ویژه اصول حفاظت از حاکمیت دولتی و حمایت از غیرنظامیان است.

با توجه به موارد فوق، جمهوری اسلامی ایران به شدیدترین وجه ممکن تروریسم را در تمام اشکال و مظاهر آن محکوم می‌کند و آن را یکی از جدی‌ترین تهدیدها علیه صلح و امنیت بین‌المللی می‌داند.

ایران در تعهد خود تحت قوانین بین‌المللی برای مبارزه با تروریسم و ترویج صلح و ثبات منطقه‌ای استوار باقی می‌ماند. با این حال، جامعه بین‌المللی باید رنج عمیق مردم ایران را در دهه‌ها خصومت و تروریسم به رسمیت بشناسد.

ضروری است که بدون سایه استانداردهای دوگانه یا اتهامات بی‌اساس، صدای قربانیان شنیده شده و مورد احترام قرار گیرد. موجب امتنان خواهد بود چنانچه این نامه به عنوان سند شورای امنیت و مجمع عمومی ذیل دستور کار ۱۱۰ با عنوان «اقدامات برای حذف تروریسم بین‌المللی» ثبت و توزیع گردد.»

یک نجات یافته از فرقه رجوی به اعضای مفر «شرف»

## حرکت کنید به سوی نجات

سعید محمدپور

هزینه‌های هنگفت جلسات برگزار می‌کند و برای چند نفر صحبت از دمرکاسی و آزادی می‌کند، در حالی که خود او از این اصول برای اعضای خود دریغ می‌کند و هر گونه تفکر آزاد را ممنوع کرده است.

دوستان قدیمی، این تناقضات در ذهن شما وجود دارد و شما به خوبی از آن‌ها آگاهید، اما فضای سرکوبگر تشکیلات مانع از ابراز این افکار می‌شود. هیچ زمانی برای تصمیم‌گیری دیر نیست. شما هر یک از شما مختارید که زندگی خود را انتخاب کنید و به مسیر خود بروید. هیچ‌کس نمی‌تواند به شما دیکته کند که با چشم و گوش بسته راهی را انتخاب کنید که نمی‌دانید به کجا می‌انجامد.

حرکت کنید و به تناقضات درونی خود پاسخ دهید. اگر واقعاً در بیش از چهار دهه، رجوی و سازمانش توانسته‌اند کوچک‌ترین علاقه‌مندی در مردم ایران نسبت به خود ایجاد کنند، پس چرا نتوانسته‌اند حکومت ایران را ساقط کنند؟ این خواب‌های پنبه‌دانه‌ای که مسعود و مریم رجوی در سر دارند، دیگر در هیچ کجای جهان خریدار ندارد.

از اعضای فرقه رجوی، باید پرسیم که شما در کدام دوره از تاریخ زندگی می‌کنید؟ آیا واقعاً فکر می‌کنید که تفکرات منسوخ شما برای نسل جوان امروز اهمیت دارد؟ آیا فکر می‌کنید مردم ایران هنوز همان مردم دهه ۶۰ هستند؟ آیا باور دارید که دیدگاه‌های شما در میان اقشار مختلف جامعه ایران جایی دارد؟

اگر پاسخ شما به این سوالات مثبت است، پس چرا بیش از چهار دهه است که هیچ دستاوردی نداشته‌اید؟ چرا مردم ایران از شما حمایت نمی‌کنند؟

واقعیت این است که شما در دنیای خودتان محبوس شده‌اید و تفکرات شما متعلق به ابتدای دهه شصت است. تحولات عظیمی در ایران پس از آن زمان رخ داده که نشان‌دهنده دگرگونی‌های عمیق در جامعه است.

اگر پاسخ شما منفی است، پس چرا وقت خود را بیهوده هدر می‌دهید؟ آیا واقعاً خودتان را در این تناقض نمی‌بینید که جز سال‌ها در تشکیلاتی گرفتار شده‌اید که جز مرگ و نیستی برای اعضایش دستاوردی ندارد؟ فقط هر از گاهی مریم رجوی با

حجت‌الاسلام والمسلمین علی صداقت

پاسخ می‌دهد

تاکتیک سازمان برای ایجاد نفرت

بین هواداران خود چه بود؟



با اسکن این کد در گوشی ویدیوی مربوطه را ببینید

کارشناس حوزه نفاق گفت: یکی از مهمترین تاکتیک‌های سازمان مجاهدین برای ایجاد نفرت در هواداران سمپادهای خودشان علیه نظام جمهوری اسلامی، مظلوم‌نمایی بود، این‌ها با نشان دادن شکنجه شدن در زندان‌ها ولو با خودسوزی و خودزنی سعی در این اقدام داشتند.

حجت‌الاسلام والمسلمین علی صداقت در بیست و پنجمین جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات ۱۰۴ نفر از سران سازمان مجاهدین خلق و همچنین ماهیت این سازمان به عنوان یک شخصیت حقوقی اظهار داشت: در سال ۱۳۵۹ این مطلب نوشته شده است، این بسیار جالب است تا بفهمیم که این‌ها با مکرو حیله سعی در ایجاد نفرت در بین هواداران خودشان داشتند. من این جمله را می‌خوانم تا مقایسه کنید در طول تاریخ کجا سابقه داشته است؟ افراد قابل اعتماد سازمان که دوره‌های آموزشی را گذرانده باشند، به چند دسته تقسیم می‌شوند تا وظایف گوناگون سازمان را انجام دهند. یکی از این دسته‌ها در این شرایط وظیفه حمله به مراکز و تالیسات مربوط به سازمان را برعهده دارد. بدین ترتیب که این افراد به دستور خود سازمان به یکی از مراکز خود حمله می‌کنند و با استفاده از شعارهای حزب الهی توده‌های صادق را دعوت به مبارزه با خود و مراکز سازمان می‌کند و پس از آنکه توده‌های ساده، اما صادق در محل حاضر می‌شوند افراد وابسته به هسته‌های مهاجم محل را ترک می‌کنند تا خود مردم درگیر با افراد مستقر در مرکز شوند از سوی دیگر پاسداران و اعضای کمیته در محل حاضر می‌شوند تا افراد درگیر را از هم جدا سازند.

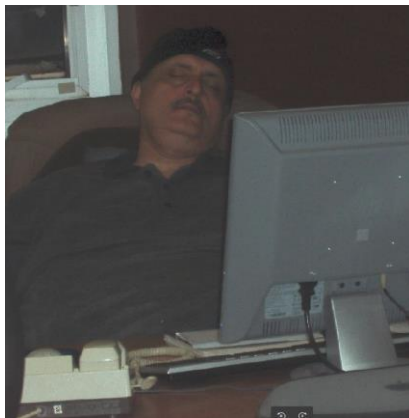


## کار اجباری و محرومیت از خواب در سیاهچاله «اشرف ۳»

اعضای سازمان مجاهدین خلق اغلب ۱۶ تا ۱۷ ساعت در روز کار می‌کنند و چند ساعت محدود خواب شبانه، بعلاوه یک ساعت چرت بعد از ظهر بیشتر ندارند.

به گزارش فراق، کتاب «نتی برای مرگ» نوشته جمعی از مسئولین سابق فرقه رجوی درباره روش‌های جذب و فریب توسط این فرقه در سال ۱۳۹۱ است که به انتخاب فراق، بخش‌هایی از آن برای مخاطبان منتشر می‌شود.

در این کتاب درباره کار اجباری و محرومیت از خواب برای اعضای فرقه رجوی آمده است: فرقه‌ها اغلب ساعات کار طولانی و کمبود خواب را به عنوان روشی برای خسته کردن اعضا و جلوگیری از اینکه آنان به چیزی به غیر از گروه فکر کنند تحمیل می‌نمایند. اعضای سازمان مجاهدین خلق اغلب ۱۶ تا ۱۷ ساعت در روز کار می‌کنند و چند ساعت محدود خواب شبانه، بعلاوه یک ساعت چرت بعد از ظهر بیشتر ندارند.



جهت حفظ این وضعیت، رهبری سازمان مجاهدین خلق پروژه‌های ساختمانی و زیباسازی و تا قبل از عملیات آزادی عراق تمرینات مستمر نظامی جهت تولید کار را اجباری ساخته بود. نتایج این کار در اردوگاه اشرف بارز است ساخت و ساز در وسط بیابان، اردوگاه دارای خیابان‌های پوشیده از درخت و دارای تعدادی پارک فواره سالنهای اجتماعات و بناهای یادبود، بسیاری برای تجلیل از کشته‌های سازمان می‌باشد.



آورده است.

در این زمینه، سرکردگان فرقه نجس رجوی باید دهان گشاد خود را ببندند و الفاظ آزادی و حق را بیش از این آلوده نکنند. سازمان مجاهدین عامل مرگ هزاران تن از مردم است و دهها نفر را تنها به جرم خواهان جدایی بودن، به قتل رسانده است. خانواده‌های بی‌شماری را از هم پاشیده و زنان زیادی را به قتل رسانده و بی‌شمارانه دم از حقوق بشر می‌زند.

آن‌که نزدیک به سه هزار تن را در قلعه‌ای زندانی کرده، هفتصد و پنجاه زن را گروگان گرفته و پوشش اجباری نظامی را بر آن‌ها واجب کرده، شخص رجوی است که حرمسرا دار و زنباره است. بیان کلمات مقدس آزادی و اختیار بزرگتر از دهان کثیف این یابوسرا است. در همین چند سال گذشته، حدود هفتصد تن از اعضای تشکیلات مخوف و دیکتاتور رجوی گریخته و چند صد تن دیگر جان باخته‌اند. افرادی که اگر در زندگی معمولی بودند، سرنوشتی بهتر داشته و می‌توانستند در کنار خانواده‌های خود باشند. اما رجوی شیطان‌صفت با فریب دادن آن‌ها با کلماتی رنگین چون مبارزه برای آزادی و فداکاری، زندگی آن‌ها را گرفت و همه را فدای طمع قدرت خود نمود. وقاحت و بی‌شرمی رجوی و سرکردگان آن بی‌حد و مرز است. آن‌ها به جای انتشار پیام به مردم ایران به دلیل جاسوسی، خیانت و همراهی با اجانب، باید مجازات برسند. خام‌خیالانه فکر می‌کنند با سوءاستفاده از کلمات می‌توانند مفاهیم را دگرگون کرده و ماهیت خود را پنهان کنند. تبهکاری و کارنامه گروه تروریستی رجوی بر کسی پوشیده نیست.

رجوی شیطان‌صفت با فریب دادن اعضای فرقه خود با کلماتی رنگین چون مبارزه برای آزادی و فداکاری، زندگی آن‌ها را گرفت و همه را فدای طمع قدرت خود نمود.

به گزارش فراق، در رسانه‌های فرقه رجوی، مفاهیم دادخواهی‌های جادشندگان به طور وقیحانه به سرعت رفته و با بی‌شرمی تحریف می‌شوند. سال‌هاست که جادشندگان فرقه رجوی در افشاگری‌های خود می‌نویسند که آزادی‌های بنیادین و رعایت حقوق بشر حق هر انسانی است که در قلعه‌های مخوف رجوی از آن‌ها سلب شده است؛ به حدی که ارتباط آن‌ها را با دنیا و مجامع بین‌المللی قطع می‌کند. افرادی که نمی‌توانند از گروه استعفا داده و خارج شوند، اغلب یا خودکشی می‌کنند یا فرار می‌کنند.

حال سرکردگان فرقه با تحریف واقعیت، در مطلبی با تیتیر «آزادی‌های بنیادین حق مسلم هر ایرانی است» به فرافکنی، جوسازی و لاپوشانی وضعیت تشکیلات جهنمی خود پرداخته و خود را مدافع آزادی‌های بنیادین و حقوق زنان معرفی کرده‌اند. آن‌ها دوباره رجوی را از گور درآورده و در پیامی منتسب به او نوشتند: «آزادی‌های بنیادین حق مسلم خلق ماست و در مورد فیلترینگ و حجاب اجباری مردم ایران صدقه نمی‌خواهند» سازمانی که اکنون از حقوق بشر سخن می‌گوید، جزو نقض‌کننده‌ترین و بی‌قانون‌ترین گروه‌هاست. گروهی که خود ناقض حقوق اعضایش است، نمی‌تواند مدعی حقوق بشر باشد و باید پاسخگوی جنایاتش در نقض حقوق بشر و بلاهایی باشد که بر سر اعضایش



## ضرورت به‌روزرسانی تألیف‌ها در حوزه فرقه رجوی

### زندان‌های متعدد فرقه تروریستی رجوی

یکی از موضوع‌هایی که تیراییان در جلسه بیست‌وهشتم دادگاه رسیدگی به جنایت‌های منافقین، به آن پرداخت، تعداد زندان‌های فرقه تروریستی رجوی بود.

وی گفت: منافقین حدوداً ۱۰ زندان دارد و این یکی از شگفتانه‌هایی است که منافقین در هر دهه رقم زدند.

به گفته وی، روند ایجاد این زندان‌ها از سال ۱۳۶۴ در منطقه‌ای میان کردستان ایران و عراق آغاز شد. این پژوهشگر تاریخی در توضیح دلیل آغاز این روند، اظهار کرد: گروهک

منافقین در اوایل سال ۱۳۶۴ در پی ازدواج بی‌شرمانه مریم رجوی با مسعود رجوی و طلاق او از مهدی ابریشم‌چی با اعتراض‌های جدی مواجه شد؛ اعتراض‌هایی که بازداشت شمار قابل توجهی از اعضای منافقین را در پی داشت.

وی با بیان اینکه HDK مخوف‌ترین زندان در پادگاه اشرف بوده است، گفت: زندان‌های ۳۷ و الدبس هم از دیگر زندان‌ها بودند؛ در این زندان‌ها، توهین، کتک، شکنجه و سلول انفرادی روندی معمول بود. به گفته تیراییان، مقام‌های منافقین در توجیه تاسیس و راه‌اندازی زندان‌های متعدد به اقدام استالین اشاره می‌کردند و می‌گفتند که او حدود ۱۳ هزار نفر را به سیبری فرستاد.

با مقدمه‌ای ۱۴۰ صفحه‌ای نکته‌های مهمی را در خود جای داده است.

وی پیشتر در گفت‌وگو با میزان، گفت که خوابگردها به معنای افرادی است که در خواب به‌صورت ناخواسته برمی‌خیزند و راه می‌روند و کارهایی انجام می‌دهند که واقعا انگار در این عوالم نیستند؛ من اسم خوابگردها را از کتابی با همین نام از آرتور کوستلر اقتباس کردم؛ البته اسم این رمان بسیار شناخته‌شده خوابگردان است؛ دلیل من از انتخاب اسم خوابگردها برای کتابی که درباره منافقین است، در واقع استفاده از یک اسم رمز است؛ با وجود این، زیرعنوان کتاب مشخص می‌کند که مطالب کتاب درباره ارتباط سران منافقین با ساواک و نهادهای امنیتی رژیم بعث عراق است.

تیراییان در این کتاب، فعالیت فرقه تروریستی رجوی را در مقطع زمانی سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۱ یعنی از نخستین روزهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تا زمان سقوط صدام در عراق بررسی کرده است.

وی در حاشیه برگزاری جلسه بیست‌وهشتم دادگاه در گفت‌وگو با میزان از به‌روزرسانی کتاب خوابگردها خبر داد و گفت که به دلیل دستیابی به اسناد جدید این کتاب در آینده نزدیک در ۲ جلد منتشر خواهد شد. این پژوهشگر تاریخ، اظهار کرد: شمار این اسناد بالغ بر سه هزار صفحه است.

مرور و بازخوانی جنایت‌های فرقه تروریستی رجوی به‌ویژه شکنجه‌های سازمان‌یافته در جلسه‌های دادگاه رسیدگی به جنایت‌های این فرقه، پرسش‌ها درباره جنایت‌های افشا نشده مجاهدین ضدخلق را بیش از پیش به ذهن می‌آورد.

به گزارش فراق، جلسه بیست‌وهشتم دادگاه رسیدگی به جنایت‌های فرقه رجوی سه‌شنبه ۱۶ بهمن‌ماه با اظهارات مختصر قاضی دهقانی آغاز شد و حجت‌الاسلام‌المسلمین مسعود مداح، وکیل شاکیان به دستور قاضی در جایگاه قرار گرفت.

صفاءالدین تیراییان، مورخ و پژوهشگر تاریخی در جایگاه به درخواست وکیل شاکیان قرار گرفت.

صحبت‌های این پژوهشگر تاریخ اطلاعات مهمی درباره بدترین جنایت‌های تروریستی در جهان از جمله نسل‌کشی سربرنیستا و استانداردها دوگانه غربی‌ها در برخورد با این جنایت‌ها ارائه کرد.

تیراییان توضیح مفصلي درباره ارتباط فرقه تروریستی رجوی با نهادهای امنیتی و استخبارات عراق ارائه کرد.

از آنجا که کانون و هسته بحثی که تیراییان در دادگاه ارائه می‌کرد، ارائه خدمات جنایی به عراق توسط فرقه تروریستی رجوی بود، بحث به موضوع انتفاضه شعبانیه کشیده شد.

این پژوهشگر تاریخ در ضرورت به‌روزرسانی تألیف‌های موجود درباره جنایت‌های منافقین، گفت: در اسنادی که به دست آورده‌ام، مشخص شده تعدادی از اعضای گروهک که تاکنون تصور می‌کردیم، زنده هستند، مرده‌اند.

تیراییان در جمع‌بندی خود از فرقه تروریستی رجوی، گفت: خیلی وقت است که سازمانی وجود ندارد و به یک فرقه تبدیل شده است، زیرا هم مخفی‌کاری می‌کند، هم دست به خشونت می‌زند و هم اقدام‌های مسلحانه انجام می‌دهد؛ این موارد از ویژگی‌های یک تشکیلات سازمانی نیست و به شکل‌های فرقه‌ای برمی‌گردد.

خوابگردها، اثر تیراییان کتابی درباره فرقه تروریستی رجوی در سه بخش است؛ این کتاب



مسعود خدابنده، سر تیم سابق حفاظت مسعود رجوی

## دفتر مجاهدین در باکو نزدیک سفارت رژیم اسرائیل است



مسعود خدابنده، سر تیم سابق حفاظت مسعود رجوی ساکن انگلستان در گفت‌وگویی به بررسی آخرین وضعیت مجاهدین خلق و به ویژه روابط آن‌ها با کشور آذربایجان پرداخت. به گزارش فراق، مسعود خدابنده، در مصاحبه با مجری برنامه کلیدواژه، به بررسی وضعیت سازمان مجاهدین خلق و روابط پیچیده‌ای که این سازمان با کشورهای مختلف از جمله آذربایجان، رژیم صهیونیستی و ترکیه دارد، پرداخت. وی در این گفت‌وگو به موضوعاتی همچون انقلاب ایدئولوژیک درون سازمان مجاهدین، نقش این سازمان در عملیات‌های تروریستی و روابط آن با تروریست‌های جهانی اشاره کرد.

**انقلاب ایدئولوژیک و طلاق اجباری در**

**سازمان مجاهدین**

خدابنده در ابتدای سخنان خود با اشاره طنزآمیز به پیام اخیر فهیمه اروانی که به زبان ترکی خطاب به مردم منطقه آذربایجان ایران منتشر شد، اظهار داشت: فهیمه اروانی در آلمان زندگی می‌کرد و دارای خانواده بود. پس از انقلاب ایدئولوژیک، اعضای سازمان مجبور به طلاق از همسران خود شدند و به دنبال آن فهیمه اروانی نیز نامه‌ای به مسعود رجوی نوشت و اعلام کرد که شوهرش دیگر همسر او نیست و مسعود رجوی مسئول اوست. خدابنده افزود که این فرد پس از انتقال به عراق، در جلسات انقلاب ایدئولوژیک مجبور به اعلام این موضع شد و سپس به مریم رجوی وصل شد. بعد از این جریان، اروانی دنبال مریم رجوی افتاد که خانم امر کنید تا کاری انجام بدهم.

**روابط مجاهدین با آذربایجان و اسرائیل**

خدابنده در ادامه به روابط فرقه رجوی با آذربایجان و رژیم صهیونیستی اشاره کرد و گفت که این سازمان از دیرباز در باکو دفتر داشته و هنوز هم فعالیت می‌کند. وی افزود که دفتر مجاهدین در باکو فاصله زیادی با دفتر اسرائیل ندارد و اسرائیل از طریق این دفتر،

خدابنده در بخش دیگری از صحبت‌های خود به برخی عملیات‌های تروریستی در ایران اشاره کرد و گفت که این عملیات‌ها ممکن است توسط مجاهدین خلق یا گروه‌های دیگری مانند داعش انجام شده باشد. وی افزود که مجاهدین خلق به دلیل بی‌استراتژی بودن، همواره در موقعیت‌های دشوار قرار می‌گیرند و نمی‌توانند به راحتی از عهده چنین عملیات‌هایی برآیند. خدابنده همچنین به تغییر استراتژی آمریکا در قبال ایران اشاره کرد و گفت که ممکن است این تغییر استراتژی، نقش مجاهدین را در عملیات‌های تروریستی افزایش داده باشد. خدابنده در پایان گفت که هنوز نمی‌توان با قطعیت گفت که مجاهدین خلق در عملیات‌های اخیر نقش داشته‌اند، اما این احتمال وجود دارد که این سازمان به عنوان بخشی از یک بازی پیچیده، در این عملیات‌ها دخیل باشد. وی تأکید کرد که تحقیقات بیشتری در این زمینه لازم است تا بتوان به نتیجه‌گیری دقیق‌تری دست یافت.

اقدام به شوند و استفاده از ایرانی‌هایی که به زبان ترکی مسلط هستند، می‌کند. خدابنده همچنین به وابستگی جمهوری آذربایجان به شرکت‌های نفتی غربی مانند بریتیش پترولیوم اشاره کرد و گفت که این کشور به دلیل وابستگی‌های اقتصادی، نمی‌تواند به راحتی با ایران درگیر شود.

**تهدیدات منطقه‌ای و نقش مجاهدین**

خدابنده به مانور اخیر ایران در نزدیکی مرزهای آذربایجان اشاره کرد و گفت که این اقدام به عنوان یک رفتار ایدئایی انجام شده است. وی افزود که آذربایجان به دلیل روابط پیچیده با ترکیه و ایران، در موقعیت دشواری قرار دارد و نمی‌تواند به راحتی از کنار مسائل عبور کند. خدابنده همچنین به نقش فرقه رجوی در این میان اشاره کرد و گفت که این سازمان به عنوان یک کارت در دست قدرت‌های خارجی، همواره تلاش می‌کند تا در داخل ایران ناآرامی ایجاد کند.

**عملیات‌های تروریستی و نقش مجاهدین**

## رجوی در نشست‌های «طعمه» روان افراد را شکنجه می‌کرد

آرش رضایی

سازمان شود.

ایجاد ترس و وحشت:

با برگزاری این نشست‌ها، رهبر عقیدتی مجاهدین خلق می‌خواست به سایر اعضا نشان دهد که عاقبت انتقاد یا اعتراض، تحقیر و سرکوب است.

حفظ کنترل تشکیلاتی:

با سرکوب هرگونه انتقاد و اعتراض، رهبری گروه می‌توانست کنترل کامل بر اعضا را حفظ کند و از هرگونه ریزش نیرو جلوگیری نماید.

تأثیرات روانی نشست‌های طعمه بر اعضا نشست‌های طعمه تأثیرات روانی عمیقی بر اعضای سازمان داشت. بسیاری از افرادی که در این جلسات مورد تحقیر و سرکوب قرار می‌گرفتند، دچار مشکلات روانی شدیدی می‌شدند. برخی از این تأثیرات عبارتند از:

تخریب شخصیت:

فرد مورد نظر در حضور جمع تحقیر می‌شد و شخصیت‌اش به‌طور کامل تخریب می‌شد. این موضوع باعث می‌شد که فرد اعتماد به نفس خود را از دست بدهد و به‌طور کامل تسلیم رهبری سازمان شود.

ایجاد ترس و اضطراب:

فشارهای روانی در این جلسات به‌حدی بود که بسیاری از اعضا دچار ترس و اضطراب شدید می‌شدند. این ترس باعث می‌شد که آنها از بیان هرگونه انتقاد یا اعتراض خودداری کنند. شکستن روحیه:

بسیاری از افرادی که در این جلسات مورد سرکوب قرار می‌گرفتند، روحیه‌شان به‌طور کامل شکسته می‌شد. این موضوع باعث می‌شد که آنها دیگر توانایی مقاومت در برابر رهبری سازمان را نداشته باشند.

ایجاد احساس گناه:

در بسیاری از موارد، فرد مورد نظر مجبور به اعتراف به اشتباهات فرضی خود می‌شد. این موضوع باعث می‌شد که فرد احساس گناه کند و به‌طور کامل تسلیم رهبری سازمان شود.

نمونه‌هایی از نشست‌های طعمه

در طول سال‌های فعالیت سازمان مجاهدین خلق، نشست‌های متعددی از جمله نشست طعمه برگزار شد که در آنها بسیاری از اعضا



مختلف سازمان، به‌ویژه در قرارگاه باقرزاده در عراق، برگزار می‌شد. این جلسات با حضور مسعود رجوی یا دیگر مسئولان ارشد سازمان مانند مهوش سپهری (نسرین)، مهدی ابریشمچی و زهرا مریخی اداره می‌شد. در این نشست‌ها، فرد مورد نظر به‌عنوان «خائن» یا «طعمه» معرفی می‌شد و در حضور جمع مورد بازخواست و تحقیر قرار می‌گرفت. فشارهای روانی در این جلسات به‌حدی بود که فرد مورد نظر مجبور به اعتراف به اشتباهات فرضی خود می‌شد و در نهایت، شخصیت و روحیه‌اش به‌طور کامل تخریب می‌شد.

اهداف نشست‌های طعمه

سرکوب انتقادات و اعتراضات:

یکی از اصلی‌ترین اهداف نشست‌های طعمه، سرکوب هرگونه انتقاد یا اعتراض در درون تشکیلات بود. با ایجاد فضایی از ترس و وحشت، اعضا از بیان هرگونه ناراضی یا انتقاد خودداری می‌کردند.

شست‌وشوی مغزی:

این نشست‌ها به‌عنوان ابزاری برای شست‌وشوی مغزی اعضا نیز استفاده می‌شد. فرد مورد نظر تحت فشارهای روانی شدید قرار می‌گرفت تا به اشتباهات فرضی خود اعتراف کند و در نهایت، به‌طور کامل تسلیم رهبری

مسعود رجوی، از روش‌های مختلفی برای کنترل اعضا و سرکوب هرگونه انتقاد یا اعتراض درون فرقه خود استفاده می‌کرد. یکی از این روش‌ها، برگزاری نشست‌هایی به نام «نشست‌های طعمه» در قرارگاه باقرزاده بود که به‌عنوان ابزاری برای تحقیر، سرکوب و شست‌وشوی مغزی اعضا به‌کار گرفته می‌شد.

این نشست‌ها که توسط خود او طراحی و اجرا می‌شد، تأثیرات روانی مخرب و عمیقی بر اعضا داشت.

مفهوم نشست‌های طعمه

نشست‌های طعمه، جلساتی بودند که در آنها اعضای سازمان که به هر دلیلی مورد سوءظن رهبری قرار می‌گرفتند، در حضور جمعی از اعضا مورد بازخواست، تحقیر و فشار روانی شدید قرار می‌گرفتند. هدف اصلی این نشست‌ها، ایجاد ترس و وحشت در میان اعضا و جلوگیری از هرگونه انتقاد یا اعتراض بود. این جلسات معمولاً در حضور تعداد زیادی از اعضا برگزار می‌شد و فرد مورد نظر به‌عنوان «طعمه» در وسط جمع قرار می‌گرفت و تحت فشارهای روانی و گاه فیزیکی قرار می‌گرفت.

نحوه برگزاری نشست‌های طعمه نشست‌های طعمه معمولاً در قرارگاه‌های

مورد تحقیر و سرکوب قرار گرفتند. برخی از این نمونه‌ها عبارتند از:

محاکمه جواد فیروزمند:

جواد فیروزمند یکی از اعضای سازمان بود که در نشست‌های طعمه مورد تحقیر و سرکوب قرار گرفت. او در این جلسات به‌عنوان «خائن» معرفی شد و تحت فشارهای روانی شدید قرار گرفت. با این حال، فیروزمند در نهایت موفق به جدایی از سازمان شد. محاکمه فتح اله فتاحی:

فتح اله فتاحی یکی دیگر از اعضای سازمان بود که در نشست‌های طعمه مورد سرکوب قرار گرفت. او در این جلسات تحت فشارهای روانی و فیزیکی شدید قرار گرفت و مجبور به اعتراف به اشتباهات فرضی خود شد. محاکمه نصراله مجیدی:

نصراله مجیدی یکی از اعضای قدیمی سازمان بود که در نشست‌های طعمه مورد تحقیر و سرکوب قرار گرفت. او در این جلسات به‌عنوان «ترسو» معرفی شد و تحت فشارهای روانی شدید قرار گرفت. مجیدی در نهایت به زندان ابوغریب فرستاده شد و تعادل روانی‌اش به‌طور کامل از بین رفت.

جزئیات بیشتر در مورد نحوه برگزاری نشست‌ها

انتخاب طعمه:

افرادی که به عنوان «طعمه» در این نشست‌ها انتخاب می‌شدند، معمولاً کسانی بودند که به دلایل مختلف مورد سوءظن رهبری سازمان قرار می‌گرفتند. این دلایل می‌توانست شامل انتقاد از رهبر عقیدتی، ابراز تردید در مورد ایدئولوژی سازمان، یا حتی

تمایل به جدایی از مجاهدین خلق باشد. فضای جلسه:

نشست‌های طعمه معمولاً در سالن‌های بزرگ و با حضور تعداد زیادی از اعضا برگزار می‌شد. فضای جلسه به گونه‌ای طراحی می‌شد که فرد مورد نظر احساس انزوا و آسیب‌پذیری کند. جلسه معمولاً با سخنرانی یکی از رهبران ارشد سازمان، مانند مسعود رجوی، آغاز می‌شد. در این سخنرانی، فرد مورد نظر به عنوان «خائن» یا «عصر نامطلوب» معرفی می‌شد و اتهامات وارده به او تشریح می‌شد.

پس از سخنرانی، سایر اعضا نیز به نوبت شروع به انتقاد و تحقیر فرد مورد نظر می‌کردند. این فشار روانی به حدی شدید بود که فرد مجبور به اعتراف به اشتباهات فرضی خود می‌شد.

در پایان جلسه، فرد مورد نظر معمولاً مجبور به اعتراف به «گناهان» خود و ابراز پشیمانی و توبه می‌شد. این اعترافات و توبه‌ها به عنوان سندی برای اثبات وفاداری اعضا به رهبری سازمان و ایدئولوژی آن استفاده می‌شد. تأثیرات روانی بلندمدت

نشست‌های طعمه نه تنها تأثیرات روانی فوری و شدیدی بر فرد مورد نظر داشتند، بلکه می‌توانستند منجر به مشکلات روانی بلندمدت نیز شوند. برخی از این مشکلات عبارتند از:

تجربیات خشونت روانی و تحقیر در نشست‌های طعمه می‌تواند منجر به PTSD در فرد شود. علائم این اختلال شامل کابوس‌های شبانه، یادآوری‌های ناخواسته از حادثه، و احساس بی‌حسی و انزوا است. افسردگی و اضطراب:

فشار روانی مداوم و احساس گناه و شرمندگی ناشی از نشست‌های طعمه می‌تواند منجر به افسردگی و اضطراب مزمن شود. از دست دادن اعتماد به نفس:

تحقیر و سرکوب در حضور جمع می‌تواند منجر به از دست دادن اعتماد به نفس و احساس بی‌ارزشی در فرد شود. مشکلات در روابط بین فردی:

تجربیات منفی در نشست‌های طعمه می‌تواند باعث ایجاد مشکلات در روابط بین فردی و بی‌اعتمادی به دیگران شود.

بنا به شهادت تعداد بیشماری از کادرهای تشکیلاتی جدا شده از مجاهدین خلق نشست‌های طعمه تنها یکی از روش‌های سرکوب و کنترل روانی بود که در تشکیلات استفاده می‌شد. رهبران این گروه از روش‌های دیگری مانند شست‌وشوی مغزی، سانسور اطلاعات، و ایجاد فضای ترس و وحشت نیز برای حفظ کنترل بر اعضا استفاده می‌کرد.

پرواضح است که نشست‌های طعمه در تشکیلات رجوی، به‌عنوان ابزاری برای سرکوب، تحقیر و شست‌وشوی مغزی اعضا استفاده می‌شد. این جلسات تأثیرات روانی عمیقی بر اعضای سازمان داشت و باعث می‌شد که آنها به‌طور کامل تسلیم رهبری تشکیلات شوند. با این حال، بسیاری از افرادی که در این جلسات مورد سرکوب قرار گرفتند، در نهایت موفق به جدایی از فرقه شدند و به زندگی عادی بازگشتند. نشست‌های طعمه، نمونه‌ای از روش‌های غیرانسانی و سرکوبگرانه‌ای است که رهبران مجاهدین خلق برای حفظ کنترل بر اعضا استفاده می‌کردند.





عیسی آزاده عضو جدانشده از فرقه رجوی مطرح کرد

## وحشت مریم رجوی از آثار دادگاه تهران

چه هشداری به اعضای فرقه داده شده است؟

خود باقی و حمایت کنند. به گفته‌ی آزاده، رجوی برای جلوگیری از افشای بیشتر جنایات و ماهیت واقعی این فرقه و از ترس اینکه اعضای این تشکیلات در اروپا، یا ایران و یا از کمپ فرقه در آلبانی برای شهادت به این دادگاه مراجعه نکنند، به همه اعضای هشدار داده است که اگر هر کدام از اعضا وارد دادگاه شوند، بلافاصله جمهوری اسلامی وی را اعدام خواهد کرد. این ادعا در حالیست که از ابتدای برگزاری دادگاه تاکنون اعضای جدانشده بسیاری به‌عنوان شاهد در صحن دادگاه حاضر شده و مشاهدات خود از جنایات و خیانت و اقدامات این فرقه را بیان کرده‌اند و طبق اعلام قاضی پرونده کسانی که در این دادگاه شهادت داده‌اند از تمهیدات قانونی برخوردارند لذا این افراد می‌توانند بدون دغدغه برای بیان اظهارات خود و کشف حقیقت دادگاه را یاری کنند. رجوی برای جلوگیری از افشای بیشتر جنایات و ماهیت واقعی این فرقه و از ترس اینکه اعضای این تشکیلات در اروپا، یا ایران و یا از کمپ فرقه در آلبانی برای شهادت به این دادگاه مراجعه نکنند، به همه اعضا هشدار داده است.

عیسی آزاده عضو جدانشده فرقه رجوی گفت: مریم رجوی در جلساتی که فرقه رجوی از زمان برگزاری دادگاه تاکنون داشته، می‌خواهد که تمهیداتی برای خدشه‌دار کردن و ضربه به دادگاه بیاندیشند. به گزارش فراق، عیسی آزاده در بیست و هفتمین جلسه دادگاه محاکمه نفاق در ایران که به‌صورت آنلاین از طریق اسکایپ حاضر شده بود، خبر از وحشت سران فرقه رجوی از برگزاری جلسات دادگاه مذکور داده و گفته است در جلساتی که این گروهک از زمان برگزاری دادگاه تاکنون داشته‌اند، یکی از نگرانی‌ها و موضوعات اصلی که مورد بررسی قرار می‌گیرد همین مسئله دادگاه می‌باشد و مریم رجوی در جلسات می‌خواهد که تمهیداتی برای خدشه‌دار کردن و ضربه به دادگاه بیاندیشند. این عضو جدانشده گفته است که اخیراً رجوی در پیامی که به اعضای فرقه داده اعلام کرده است که این دادگاه برای شخص من (رجوی) یا ۱۰۴ نفر نیست، این دادگاه همه اعضای تشکیلات را هدف گرفته است و بر همه واجب است که آخرین نفس بر تمامی اصول تشکیلاتی

## حضور اعضای نجات یافته در مراسم کلیسای تیرانا

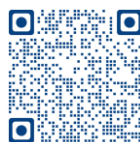
اعضای نجات یافته از فرقه رجوی در آلبانی با حضور در کلیسای تیرانا در مراسم دعا و نیایش این کلیسا شرکت کردند. به گزارش فراق، اعضای جدانشده از فرقه رجوی روز یکشنبه ۲۸ بهمن ماه ضمن حضور در مراسم مذهبی کلیسای Jezu Krishtit با مسئولان این کلیسا در مورد دغدغه‌هایشان صحبت کردند.



مسئولان کلیسا نیز ضمن شنیدن سخنان اعضای نجات یافته از فرقه رجوی این دیدار را فرصتی برای گسترش ارتباطات انسانی، فرهنگی و ابراز همبستگی میان اعضای انجمن نجات آلبانی و جامعه مذهبی آلبانی دانستند.

حمید آتابایی

عضو نجات یافته از فرقه رجوی در آلبانی



به خاطر مادرم  
از رجوی  
انتقام خواهم گرفت

حمید آتابایی، عضو نجات یافته از فرقه رجوی در آلبانی گفت: رجوی عاطفه و محبت را در ما، از بین برد و من به خاطر مادرم، که او را نتوانستم ببینم از رجوی انتقام خواهم گرفت. به گزارش فراق، علی فیضی، فعال رسانه‌ای در رسانه شخصی خود به نام «دایوودراما» گفت وگویی جالب در دو بخش با حمید آتابایی، ساکن تیرانا انجام داد. آتابایی در بخش اول این گفت‌وگو از سال‌ها زندگی سخت و طاقت فرسا در کمپ فرقه رجوی و تصمیم برای خروج و انتقام روایت کرد. وی همچنین در این گفت‌وگو از روش‌های جذب توسط فرقه رجوی، اینکه کانون‌های شورشی چیست و مردم باید نسبت به چه مسائلی حساس باشند سخن گفت.



ارسلان صادقی اردبیلی |

# از این عشق

## وحشت دارند

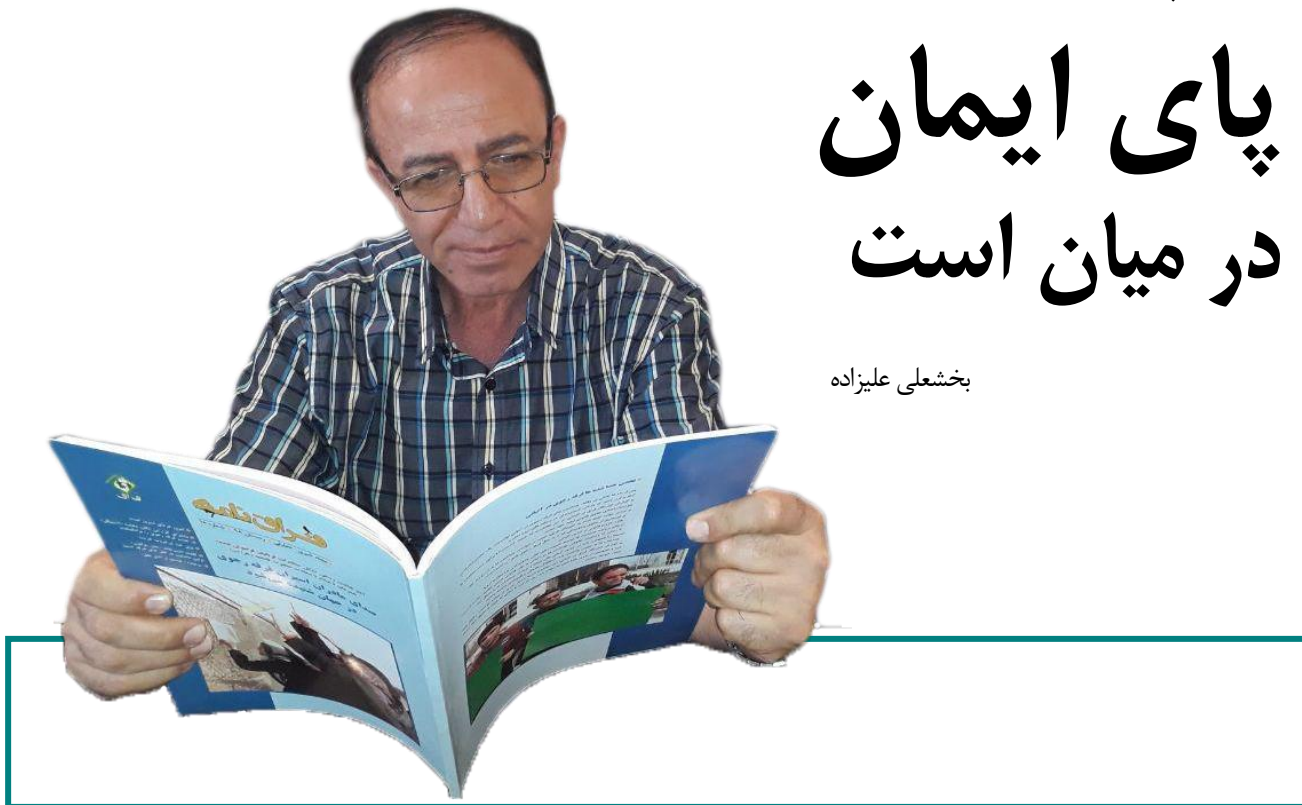
را سرکوب کرد. این احساس، حتی در تاریک‌ترین مکان‌ها نیز می‌تواند نور امید را به ارمغان آورد. امروز صدای رسای مادران چشم انتظار فراخوانی برای بشریت است تا به کمک این مادران بیابند و فرزندان آن‌ها را از چنگال‌های شیطانی به نام رجوی آزاد کنند.

بگویند بازهم پویا هستند. آن‌ها، درد و رنج چشم‌انتظاری را هر روز به تصویر می‌کشند تا عزیزانشان را از خواب غفلت بیدار کنند. اما در مقابل، فرقه رجوی از این عشق وحشت دارد. رجوی‌ها خوب می‌دانند که صدای مادر، قدرتی غیرقابل انکار دارد و می‌تواند اسیران مغزشویی شده را تحت تأثیر قرار دهد. این قدرت عشق و محبت است که می‌تواند به سادگی بنیادهای دروغین فرقه رجوی را به چالش بکشد. سران فرقه منحوس رجوی باید بدانند عشق و محبت مادری، نیرویی است که نمی‌توان آن

عشق مادری در دنیای پیچیده و تاریک فرقه ضدخانواده رجوی، به عنوان یکی از بنیادی‌ترین احساسات انسانی، به طور شگفت‌انگیزی سرکوب می‌شود. بارها در اظهارات اعضای جدانشده از این فرقه، ما شاهد این واقعیت تلخ بودیم که بردن نام مادر در این شکنجه‌گاه ممنوع بوده و حتی یادآوری خاطره مادر به ابزاری برای کنترل و سرکوب افراد تبدیل شده است. مادران رنج کشیده اسیران فرقه رجوی، سال‌های طولانی تلاش کردند تا فرزندان‌شان را از چنگال‌های خون‌آشام رجوی نجات دهند. آن‌ها با وجود تمامی فشارها و محدودیت‌ها، هرگز از عشق به فرزند دست نکشیده و هر روز با امید و آرزو، در انتظار دیدار دل‌بندانشان هستند. مادران هنوز هم فریاد عشق سر می‌دهند تا

# اینجا پای ایمان در میان است

بخشعلی علیزاده



انجمن نجات هست و شاید هم مستقل، اما هر دو به شدت علیه سازمان فعال هستند و به ما گفته شده که روزی چند نوبت آن‌ها را رصد کرده و گزارش تهیه کنیم. از آن صحبت به بعد، متوجه اهمیت این دو سایت شدم. در همین حد که عرض کردم، در همان چند جلسهای که کلی با منتی که روی ما گذاشتند، متوجه این دو سایتی شدم که سازمان تقریباً به صورت تمام وقت روی آن‌ها انرژی می‌گذاشت تا مطالب منتشر شده در آن‌ها را رصد کرده و برای آن‌ها پاسخی بدهد که مطالبشان را زیر سؤال ببرد یا اثبات کند که مطالب این سایت‌ها (نجات و فراق) خالی از واقعیت هستند. اغلب نمی‌توانستند در رد مطالب آن سایت‌ها اقدام مؤثری انجام دهند، زیرا مطالب این سایت عمدتاً توسط کسانی نوشته می‌شد که سابقه حضور چندین ساله در سازمان را داشتند و تمامی حرف‌ها و موضوعاتی که به آن می‌پرداختند را به صورت دقیق و با استدلال مطرح کرده و به اطلاع خوانندگان خود می‌رساندند.

داده می‌شدند، البته به شرطی که یک نفر بالای سرشان باشد تا احياناً کار خطایی صورت نگیرد. منظور از خطا، ارتباطی با خانواده بود! این‌ها را عرض کردم تا به اصل مطلب برسیم. در همان چند باری که شاید بیشتر از ده بار نشد (زیرا بعداً از تشکیلات جدا شدم و رفتم دنبال زندگی خودم)، متوجه شدم که اصلی‌ترین کار نفراتی که به صورت ثابت در این اتاق‌ها صبح تا شب کار می‌کنند، رصد دو سایت مشخص بود: یکی سایت انجمن نجات و دیگری سایت فراق! سپس به سراغ سایت‌های دیگر می‌رفتند. در یکی از جلساتی که رفته بودم، از یکی از کسانی که تقریباً دوست بودیم، سؤال کردم که کارتان اینجا چیست. او گفت که به سایت‌هایی که علیه سازمان مطلب می‌زنند مراجعه کرده و رصد می‌کنیم و از مطالبی که آن‌ها منتشر کرده‌اند، گزارش تهیه کرده و به بالا ارائه می‌دهیم. اصلی‌ترین سایت‌هایی که علیه سازمان فعالیت می‌کنند، سایت‌های «انجمن نجات» و «فراق» هستند که سایت فراق هم ظاهراً از زیرمجموعه‌های

زمانی که در سازمان مجاهدین بودم، گاهی به اتاق به اصطلاح «اینترنت» می‌رفتم که فعالیت‌های سایبری داشت. البته درست‌تر این است که بگویم اجازه محدود می‌دادند تا بروم کار کنم، زیرا کار در این اتاق‌ها مخصوص افراد خاصی بود که به آن‌ها اعتماد و اطمینان زیادی می‌شد. به همین دلیل، من جزو کسانی نبودم که اعتماد چندانی به من بشود. دلیل اینکه من و امثال من را به صورت محدود به اتاق اینترنت می‌بردند، اعتراضاتی بود که خودمان می‌کردیم، چرا که چرا فلانی و فلانی می‌توانند به اتاق اینترنت بروند و در آنجا صبح تا شب کار کنند، اما ما حتی یک دقیقه هم اجازه نداریم به آنجا برویم! حتی نگاه کردن به داخل این اتاق‌ها ممنوع بود! به همین خاطر، تشکیلات تصمیم گرفته بود به این اعتراضات که کم‌کم داشت زیاد می‌شد، کنترل داشته باشد و یا از حجم آن بکاهد. افرادی که کارشان چیز دیگری بود و ربطی به اینترنت نداشت، هفته‌ای دو یا چهار ساعت و در دو تایم جداگانه به اتاق اینترنت راه

از زمانی که من از نزدیک با برخی گردانندگان این سایت آشنا شدم، تصمیم گرفتم تا جایی که امکان دارد به آنها کمک کنم. هرچند آنها هیچ نیازی به کمک امثال من نداشتند، اما خودم احساس نیاز کردم که باید کمکشان کنم، زیرا هدفشان مبارزه با تروریسم و فرقه‌گرایی رجوی است که اهداف مشترک ما بود.

یقین دارم که کماکان در تشکیلات رجوی، این سایت و سایت انجمن نجات به صورت شبانه‌روزی و در چندین نوبت رصد می‌شوند، زیرا برای رجوی اهمیت جدی دارند و دقیق‌تر بگوییم، برایشان اهمیت فوق‌العاده‌ای دارند، زیرا این دو سایت منعکس‌کننده درد و رنجی هستند که خانواده‌های اعضای فرقه رجوی با آن دست به گریبانند و این کم چیزی نیست. در عصر ارتباطات و مبارزه با تروریسم، فعالیت این سایت‌ها مکمل یکدیگر بوده و تبدیل به عاملی شده‌اند که تشکیلات رجوی به شدت از آنها هراس دارد و زیر نظر جدی دارد.

ساختمان چندین طبقه و با کلی امکانات رفاهی و منحصر به فرد است، زیرا در تبلیغات سازمان همیشه مطرح می‌شد که دشمنان مجاهدین با بالاترین و بهترین امکانات علیه سازمان فعالیت می‌کنند. اما آنچه که از نزدیک مشاهده کردم واقعاً حیرت‌زده‌ام کرد؛ امکاناتی بسیار محدود که هنوز هم که هنوز است وقتی به آن فکر می‌کنم، باز غافلگیر می‌شوم.

اما سوال اینجاست که چه عاملی باعث شده است که سازمان مجاهدین با آن عرض و طولش، حریفی به این قدرتمندی در مقابل خود داشته باشد؟ به نظر من، فقط و فقط یک عامل باعث شده است و آن عزم خلل‌ناپذیری بود که گردانندگان این سایت علیه مبارزه با تروریسم و فرقه‌گرایی رجوی داشتند.

آنها به کارشان ایمان داشتند و نقاط ضعف دشمنشان را شناسایی کرده و اغلب با مطالبی که منتشر می‌کردند به قلب هدف می‌زدند، زیرا واکنش‌هایی که رجوی از خود نشان می‌داد، مبین این بود که به خال خورده است.

من بعد از جدا شدن از سازمان، توسط کسانی که زودتر از من از تشکیلات جدا شده بودند، متوجه شدم که این دو سایت هنوز به فعالیت خود ادامه می‌دهند. لذا بعد از فراهم کردن تلفن و کامپیوتر، به سراغ این دو سایت رفتم و مطالبشان را دنبال می‌کردم. در آینده‌ای نه چندان دور، خوشبختانه موفق شدم با برخی گردانندگان سایت فراق از نزدیک ملاقات کرده و افتخار آشنایی با آنها را داشته باشم. تلاش‌های واقعاً شبانه‌روزی و بی‌وقفه گردانندگان سایت فراق برایم خیلی جالب بود.

شاید برایتان باور نکردنی باشد، اما یک روز تصمیم گرفتم به شهری که آن سایت در آنجا مستقر است سفر کنم و از سعادت و خوش‌شانسی بنده، موفق شدم با برخی گردانندگان این سایت دیدار کرده و حتی مصاحبه داشته باشم. می‌دانید چه چیز برایم خیلی جالب و قابل توجه بود؟ اینکه من قبل از دیدارم فکر می‌کردم محل این سایت یک

کسین خانواده‌های اسیران فرقه رجوی



به کانون محبت خانواده‌های چشم انتظار پیوندید

**#من منتظرت هستم**

به کانون محبت خانواده‌های چشم انتظار پیوندید

**روش برخورد رجوی با هر کسی که توجه‌ها را از او دور می‌کرد**

استفاده از واژه «فرقه رجوی» برای سازمان تروریستی مجاهدین خلق بی‌دلیل نیست و حتماً حکمت خاصی در پس آن وجود دارد.



روشن‌سازی چربی‌گیری در شکنجه‌گاه‌های رجوی + فیلم...

روش برخورد رجوی با هر کسی که توجه‌ها را از او دور می‌کرد...

متمم ردیف ۵۵ دادگاه نفاق به درک واصل شد

پیشنهاد سردبیر

راه‌اندازی بخش ترکی در سیمای فرقه رجوی پس از ۴۰ سال / پخش اولین پیام توسط زنی که با رجوی لخت شد



طرح فرقه رجوی در قبال محدودیت‌های اعمال شده توسط کانادا / مسئله‌دار شدن اعضا و انجمن‌های هواداری / تبلیغ سران در شبکه‌های اجتماعی ممنوع شد



چرا مجاهدین خلق از اشاره به دوران نوجوانی رجوی خودداری می‌کنند؟ / با یک حلوا مغزی او را به ته دکان می‌برند + فیلم







## تصویری که با تماشای آن تمام وجودم به درد می آید

محمدرضا صدیق - تیرانا

محمدرضا صدیق، عضو جدانشده از فرقه رجوی در تیرانا با انتشار این تصویر نوشت: تصویری که مشاهده می‌کنید یکی از سنگرهای لیبرتی در عراق است که ما به مدت چهار سال در این کمپ سکونت داشتیم.

سازمان جنایتکار مجاهدین وقتی قرار شد اشرف را ترک کنیم به ما قول امنیت بیشتر در لیبرتی را داد و می‌گفت لیبرتی کنار فرودگاه بغداد هست و امنیت آن ۱۰۰ است. حتی خود مسعود رجوی کثافت چند بار نشست گذاشت و گفت امنیت لیبرتی از اشرف خیلی بیشتر است و یک سری از سران فرقه که اسمشان مسئول بود پای حرف مسعود رجوی مهر می‌کردند که بله خیلی امنیت داریم و دیگر هیچکس آسیب نمی‌بیند.

من خودم که مغزشویی شده بودم باور کردم که خوب درست می‌گویند لاقول می‌رویم اونجا و دیگر از چوب و چماق خبری نیست. البته این را بگویم که منظور از چوب و چماق

همان دسیسه‌هایی بود که خود تشکیلات رجوی برای زد و خورد با عراقی‌ها فراهم می‌کرد. سالی که ما از اشرف به لیبرتی رفتیم تمام دیوارها و سنگرها دور تا دور بنگال‌ها کشیده شده بود اما به محض ورود ما سازمان اعلام کرد که اینجا زندان است و این همه دیوار به درد ما نمی‌خورد. نگو این کثافت‌ها یک نقشه شوم‌تر در سر داشتند یعنی تشکیلات رجوی به همین دلیل به تمام جوامع بین‌المللی سازمان‌ها اعلام کرد که عراق در لیبرتی زندانسازی کرده است و دولت عراق هم مجبور شد و آمد و همه دیوارهای دور بنگال‌ها را برداشت.

بعد از مدتی یک موشک از سمت فرودگاه از بالا سر لیبرتی رد شد و آن طرف به زمین خورد دوباره سازمان شروع کرد که ای وای ای هوار که باید دیوارها برگردد، اینجا امنیت ندارد در یک ذهن آگاه و خردمند این رفتار سازمان خیلی مشکوک می‌زد چرا که مگر تو سازمان سیاسی نظامی نیستی مگر یک دشمن نداری

پس چرا به دروغ می‌گویی اینجا زندانسازی شده در حالی که نیت تو فقط به کشتن دادن نفرات است. سازمان فقط در تبلیغات خودش داد و فغان می‌کرد که الا بالله باید دیوارها برگردد.

منظور من از این چند کلام این است که این سازمان سراپا دروغ است کما اینکه ما بعدها فهمیدیم که اصلاً تمام نیاتش شوم است و صرفاً برای از بین بردن ماها این کار را کرده چون در فاصله یک سال چند بار مورد حمله موشک قرار گرفتیم و خیلی آسیب‌ها دیدیم که مختصات ما را خود سازمان به طرف حسابان می‌داد. تصویر که یک سنگر هست آنجا خانه و کاشانه ما بود یعنی در یک سنگر یک و نیم در یک و نیم ۶ نفر استراحت می‌کردند و همچنین محل غذاخوری بود من خودم بعد از سال‌ها وقتی به این عکس‌ها نگاه می‌کنم تمام وجودم به درد می‌آید و با خودم می‌گفتم این ... که مدعی آزادی بود چرا می‌خواست ما را آنجا به کشتن بدهد.

## ۷۰ درصد از جمعیت فرقه رجوی با فریب جذب شدند



تمامی افراد جذب شده از سال ۱۹۸۶ به صورت غیر قانونی به عراق برده شدند و سپس از آنان خواسته شده است تا مدارک هویتی خود را جهت حفظ و نگهداری تسلیم نمایند که در عمل آنان را در مقرهای سازمان به دام می انداختند این یافته ها مشخص می سازند که عضوگیری در سازمان مجاهدین خلق از سال ۱۹۸۶ واقعاً داوطلبانه نبوده است و این افراد تحت اجبار در اردوگاه های سازمان در عراق نگاه داشته شده اند.

در ماه ژوئن سال ۲۰۰۴، JIATF برآورد کرد که از جمعیت اردوگاه اشرف تنها ۵ درصد قبل از انقلاب و ۲۵ درصد در زمان انقلاب به سازمان پیوسته اند. یک بخش عمده حدود هزار و ۵۰۰ تا هزار و ۸۰۰ نفر زندانیان جنگی بوده و ۴۵ درصد بعد از رفتن سازمان به عراق در سال ۱۹۸۸ به اردوگاه اشرف برده شده اند.

بنابراین، محتمل است که ۷۰ درصد از جمعیت سازمان مجاهدین خلق با فریب جذب شده و برخلاف میلشان در اردوگاه اشرف نگاه داشته می شوند.

در ایران زندگی می کردند سازمان مجاهدین خلق خانواده های اعضا را به صورت غیر قانونی جهت دیدار با بستگان خود در اردوگاههای سازمان در عراق از کشور خارج کرده و سپس مانع بازگشت مجدد آنان می شد. سایرین قربانی فریب قاچاق انسان شدند. سازمان مجاهدین خلق با ترتیباتی، ایرانیانی که با پرداخت پول به قاچاقچی از ایران خارج شده بودند را به سمت اردوگاه های سازمان در عراق منحرف می کرد و اجازه نمی داد به مقصد مورد نظر خود بروند.

سازمان مجاهدین خلق، ایرانیان خارج از کشور برای مثال پناهندگان اقتصادی، افرادی که به دنبال کمکهای خیریه ای بودند و خانواده های اعضا در خارج را نیز هدف قرار داده بود. بسیاری نه برای یافتن فرصت برای مبارزه با جمهوری اسلامی بلکه برای یافتن شغل همراه با حقوق، گرفتن ترجمه و کمک در روند درخواست های پناهندگی، دیدار آزاد با خانواده، یافتن فرصت های درمانی و حتی ازدواج، فریبکارانه به داخل عراق کشانده شدند.

بسیاری از اسیران فرقه رجوی برای یافتن شغل همراه با حقوق، گرفتن ترجمه و کمک در روند درخواست های پناهندگی، یافتن فرصت های درمانی و حتی ازدواج، فریبکارانه به داخل عراق کشانده شدند.

به گزارش فراق، در بخشی از کتاب «تی برای مرگ» نوشته جمعی از مسئولین سابق فرقه رجوی درباره روش های جذب و فریب توسط این فرقه آمده است: در سال ۱۹۸۷، تقریباً هفت هزار عضو سازمان مجاهدین خلق در عراق بودند که شامل حدود ۸۰ درصد کل اعضای در تبعید می شدند. برای اضافه کردن بر این تعداد، رهبری سازمان مجاهدین خلق روشهای فریبکارانه متعددی را جهت جذب قشرهای مختلف ایرانیان به کار گرفت. با کمک دولت صدام به زندانیان جنگی ایرانی از جنگ ایران و عراق اعلام شد تا بین ماندن در اردوگاه های اسرا در عراق یا رفتن به اردوگاه های سازمان مجاهدین خلق که آنان در آنجا امکان بازگشت به ایران را خواهند داشت یکی را انتخاب نمایند. جهت جذب کسانی که

## نگاه فرقه ضدخانواده رجوی به مقام زن

# زن، محرومیت، بردگی

مرضیه رئیس‌الساداتی



شخصی زندگی را نمی‌دهد. زنانی که نمی‌توانند حتی یک گیره سر برای خود بخرند، لباس مورد علاقه یا رنگ جورابشان را انتخاب کنند.

سال‌هاست به آنها آموزش جنگ و ترور می‌دهند و می‌گویند تنها حقی که دارند، جنگیدن و ریختن خونشان در راه رهبر است. او هرگز نمی‌گوید زنان فرقه اجازه ترک فرقه را ندارند و خروج مساوی با مرگ است. اجازه ندارند بچه‌هایشان را نگهداری کنند یا حتی فرزندی به دنیا بیاورند.

اجازه ابراز علاقه و داشتن عشقی در زندگی ندارند و با اجبار از بستگان و همسر و فرزندان جدا هستند. آنها فقط خشم و خشونت را در دل زنان و دختران می‌کارند و از یک زندگی معمول که حق طبیعی هر انسانی است، محرومشان می‌کنند.

این فرهنگ فرقه است و رجوی صدها زن و دختر را قربانی امیال و هوس‌هایش برای رسیدن به قدرت کرد و عاقبت تاوان عملکردش را دید که مجبور شد بیش از دو دهه به سوراخی بخزد تا از صحنه روزگار به‌طور کل محو شود.

می‌کند و دنیایی ارزشمند به وجود می‌آورد. روز مادر و بزرگداشت تولد حضرت فاطمه (س) در فرهنگ فرقه رجوی جایی ندارد. بالعکس، آنها ۸ مارس را به عنوان روز زن به رسمیت می‌شناسند. در آن روز هم به جای تکریم و دلجویی و کلامی مهربان با زنان، مریم قجر زنان خارجی را به دور خود جمع می‌کند و مشتی اراجیف تحویل آنها می‌دهد.

او هر ساله در ۸ مارس با برپایی جلسه‌ای با تعداد زیادی از زنان خارجی، ضمن نمایش و تعریف از خود، مدلی عجیب و غریب از حقوق زنان بیان می‌کند. مریم رجوی در حالی که خود را مدافع و استیفاگر حقوق زنان می‌خواند، صدها زن را درون کمپ‌ها و خانه‌های تیمی محبوس نموده و تمام اعمال و افکار آنان را کنترل می‌کند. او هرگز نمی‌گوید در فرقه چه خبر است و بر سر زنان چه می‌آید.

او با مخفی کردن وضعیت تکان‌دهنده زنان فرقه از مجامع حقوق بشری، به تحریف حقایق می‌پردازد. مریم قجر نمی‌گوید چگونه حدود هزار زن را مجبور به ترک دیار و خانواده کرده و به آنها اجازه یک مسافرت یا خرید لوازم

مریم رجوی در حالی خود را مدافع و استیفاگر حقوق زنان می‌خواند که صدها زن را درون کمپ‌ها و خانه‌های تیمی محبوس نموده و تمام اعمال و افکار آنان را کنترل می‌کند.

وقتی به ایران بازگشتم، از برگزاری روز زن و احترام به مقام مادر شوق‌زده شدم. در ایام منتهی به این روز خاص، شور و شوق زیبایی در خانواده‌ها دیده می‌شود. در کوچه و خیابان، اغلب مردان و زنانی را مشاهده می‌کردم که با شاخه گلی در دست و جعبه‌ای شیرینی یا کادویی پیچیده، با شور و شور در حال عبور بودند.

مشاهده شور و حال این روزها آدمی را به وجد می‌آورد و احساس خوشی و سرزندگی را در دل ایرانیان پایدار می‌کند. به نظر می‌رسید مهم نیست هدیه‌ای گران‌قیمت باشد؛ یک شاخه گل همراه با تبسمی از سر مهر، برای قدرشناسی هم کافی است. همین ارتباط دلبستگی و دیدارها امید و مهربانی را تحکیم



## قوانین مخوف قلعه «اشرف»

«پرویز درخشان» از اعضای سابق مجاهدین، در کتاب «سرگذشت من با مجاهدین خلق» به قوانین عجیب قرارگاه اشرف اشاره می‌کند که همه اعضا باید نسبت به رعایت آن‌ها متعهد می‌شدند. او در این باره می‌نویسد: فرمانده قسمت پذیرش یک خانم بود به نام «خواهر فرشته». مدت کوتاهی پس از اقامت به ملاقات او رفتیم و حدود یک ساعت با او جلسه داشتیم و شرایط پادگان اشرف را برای ما بازگو کرد. این شرایط عبارت بودند از:

- ۱- تشکیلات مجاهدین خلق بایستی مثل گارد آهنین باشد و مناسبات توسط رهبری پی ریزی و همه اعضا بایستی گوش به فرمان مطلق باشند.
- ۲- هیچ یک از مجاهدین خلق حق داشتن ملک و اموال شخصی را ندارند و حتی ارث نیز به آنها تعلق نمی‌گیرد و همه اموال آنها متعلق به سازمان است.
- ۳- هر مجاهد باید امضای خون و نفس بدهد یعنی تمام جان و حتی فکر او متعلق به رهبری است و او از خود هیچ چیز ندارد.
- ۴- غذا و پوشاک در مناسبات مجاهدین خلق مجانی است؛ لذا در سازمان حقوق و پول نداریم.
- ۵- قرآن خواندن در مناسبات ممنوع است و کسی حق تفسیر آن را ندارد و این حق فقط مختص رهبری است.
- ۶- رادیو، تلویزیون، تلفن و اینترنت ممنوع است.
- ۷- هر کس قصد جدایی داشته باشد، می‌بایست به مدت دو سال به زندان سازمان برود تا اطلاعاتش بسوزد، سپس مدت هشت سال نیز به جرم ورود غیرقانونی به عراق به زندان ابوغریب می‌رود و بعد از ده سال دولت عراق وی را با ایران مبادله می‌کند.
- ۸- هیچ کس تا آخر عمرش حق ازدواج و تشکیل خانواده را ندارد.



## طرح رجوی‌ها در قبال محدودیت‌های اعمال شده توسط کانادا چیست؟

- اعضا و انجمن‌های هواداری مسئله‌دار شدند
- تبلیغ سران در شبکه‌های اجتماعی ممنوع شد

مرتضی سیمیری



حمایت تمام و کمال قرار گرفته‌اند که تکثیر مجاهدین در آن کشور چیزی جز رشد تروریسم و ترویج قاچاق و پولشویی برای اروپایی‌ها نخواهد داشت. برخی شواهد نشان می‌دهد که تروریست‌ها برای جلوگیری از تصاعدی شدن محدودیت‌ها در تلاش هستند پرونده خود را به مسائل حقوق بشری گره بزنند. استفاده از این خط تکراری با گرفتن گزارش‌هایی از داخل کشور و ارسال آن برای محافل غربی با هدف فشار به ایران از اوایل دهه ۸۰ شروع شده است.

در آن زمان شیرین عبادی در پوشش شبکه حقوق بشری‌ها گزارش‌هایی را تهیه می‌کرد که توسط رابط فرقه در پاریس به دست گزارشگر ویژه حقوق بشر می‌رسید و تبدیل به تحریم‌هایی علیه مردم ایران می‌شد. پس از خروج عبادی از کشور نرگس محمدی مأموریت یافت این دست گزارشات دروغین را که اغلب درباره زندان‌ها بود، به دست فرقه برساند.

طراحی این صحنه آن‌قدر ماهرانه صورت گرفته است که حتی دو کتاب درباره شکنجه در زندان نگارش شده و نرگس محمدی یک مقاله ۲۵ صفحه‌ای نیز درباره‌اش نوشته است. این صحنه‌سازی با انتشار چند ویدئو از برگزاری یک جشن تولد در بند نسوان زندان اوین برای مریم اکبری‌منفرد عامل فرقه رجوی به هم ریخته است.

رجوی باعث مسئله‌دار شدن بخش قابل توجهی از اعضا، انجمن‌های هواداری و حتی مسئولان دفاتر نیز شده است و بسیاری از وابستگان به سازمان منافقین، محدودیت‌های اعمال شده را فرصتی برای بیان جدایی می‌دانند. این وضعیت فشار زیادی را به فرقه رجوی تحمیل خواهد کرد، زیرا شقه‌سازی‌های زنجیره‌ای باعث فرسودگی بیشتر این سازمان تروریستی خواهد شد.

آخرین پیام زهرا مریخی، مسئول اول تشکیلات تروریستی فرقه نیز بیانگر این استهلاک و سردرگمی شدید درونی است. یکی از عناصر بریده در شرح وضعیت حاکم بر فرقه نوشته است که بسیاری از اعضای سازمان از شرایط موجود پس از اعمال محدودیت‌ها استفاده و جدایی خود را علنی خواهند کرد. محدود شدن فرقه در کانادا، می‌تواند تبدیل به فرمتی اجرایی در سایر کشورها نیز گردد، از جمله کشور فرانسه که پایگاه اصلی تروریست‌ها نیز بوده است. در حال حاضر قرارگاه اور یا همان پایگاه تروریستی صبا از سوی دولت فرانسه مورد محافظت قرار گرفته و درون و بیرون آن با آزادی عمل‌های فرابروتکلی برای فرقه همراه است.

این مقر تروریستی در حومه پاریس و در جوار کلیسای ونکوگ قرار دارد و در سطح یک سفارتخانه مورد محافظت قرار می‌گیرد. رجوی‌ها در حالی از سوی دولت فرانسه مورد

طرح فرقه رجوی در قبال محدودیت‌های اعمال شده توسط کانادا، عادی سازی، پنهان کاری و شبکه‌سازی لایه‌های زیرین است تا ضربات وارده فشار کمتری به تشکیلات ترور وارد کند.

دولت کانادا در اقدامی قابل توجه فعالیت فرقه تروریستی رجوی را دچار محدودیت‌های سخت کرد تا جایی که از این پس هرگونه برگزاری تجمع با تصاویر سران این تشکیلات تروریستی ممنوع است و اعضای این فرقه حق تبلیغ سران فرقه در شبکه‌های اجتماعی را نخواهند داشت.

برخی گمانه‌زنی‌ها حکایت از آن دارد که دولت کانادا به دلیل فعالیت‌های غیر قانونی، چون پولشویی، توزیع قاچاق و تأسیس دفاتر مالی غیرقانونی این فرقه را دچار محدودیت کرده است. نکته جالب توجه مدل برخورد فرقه رجوی با محدودیت‌های اخیر است که شکل پیچیده‌ای داشته است.

در ویدئو کال‌های صورت گرفته از پاریس به تورنتو روی این موضوع تأکید شده است که تا اطلاع ثانوی باید دستور پلیس اجرایی شده تا پلیس نسبت به مسئله آن‌ها دچار حساسیت نشود. در واقع طرح منافقین در وضعیت کنونی عادی سازی، پنهان کاری و شبکه‌سازی لایه‌های زیرین است تا ضربات وارده فشار کمتری به تشکیلات ترور وارد کند.

البته پذیرش این محدودیت‌ها از سوی فرقه

# سازمان در بدترین وضعیت خود در آلبانی قرار گرفته است

رضا اسلامی - نجات یافته از فرقه رجوی در آلبانی



افرادی که در درون این تشکیلات هستند، متوجه شده‌اند که شرایط کاملاً عوض شده و دوران حيله‌گری و دروغ به پایان رسیده و شرایط جدیدی در آلبانی به وجود آمده است. موضوعات زیادی تغییر کرده، به‌ویژه بعد از اینکه به پلیس آلبانی اجازه ندادند که وارد کمپ مانز شود. در این موضوع باید بگوییم که این یک سرفصل بود و افراد باید از این فرصت استفاده کنند و به دنیای آزاد بیایند و خود را از زندان تشکیلات رجوی رها کنند. انجمن نجات آلبانی از کسانی که از این سازمان بیرون می‌آیند، استقبال می‌کند و درب این انجمن به روی آن‌ها باز است.

است؛ مانند «مجاهد بی‌نام و نشان» و غیره. اما آیا می‌توان هویت انسان‌ها را از آن‌ها سلب کرد؟ آیا می‌توان تا ابد انسان‌ها را بدون هویت نگه داشت؟ قطعاً خیر. ولی رجوی در کمال ناباوری، در قرن بیست و یکم این کار را انجام داده است. اما اینجا نه عراق است، نه دادگاه سالن میله‌ای و نه شکنجه‌گاه‌های قلعه سوخته و قلعه صد و نه زندان دو ساله‌ها و نه زندان تقاطع خیابان ۴۰۰ در اشرف.

اینجا دیگر نه صدام حسین است و نه می‌توان با جنایت و حذف فیزیکی نفرت، صدای اعتراض و ناراضی را خاموش کرد. اینجا دنیای آزاد و قانون حاکم است. حالا دیگر

بسیاری از اعضای سازمان مجاهدین به دلیل زندگی تکراری و شرایط بسیار بد در کمپ و فشارهای روحی ناشی از نشست‌های مکرر، با گزینه‌های مختلفی مواجه هستند؛ از احتمال ریزش دسته‌جمعی گرفته تا فرار و اعتراض جمعی. این سازمان در بدترین وضعیت خود در آلبانی قرار گرفته و اوضاع به جایی رسیده است که در تمام دوران حیات این سازمان، همواره اوضاع به همین منوال بوده و در بر همین پاشنه چرخیده است. هنگامی که رجوی در بن‌بست سیاسی و استراتژیک قرار می‌گرفت، یک خیمه‌شب‌بازی تحت عنوان مؤسسان و ثبت‌نام مجدد راه می‌انداخت که ماحصل آن گرفتن تعهدنامه، آن هم بعد از نشست‌های طولانی و زنجیره‌ای بود تا شاید فرجی حاصل شود.

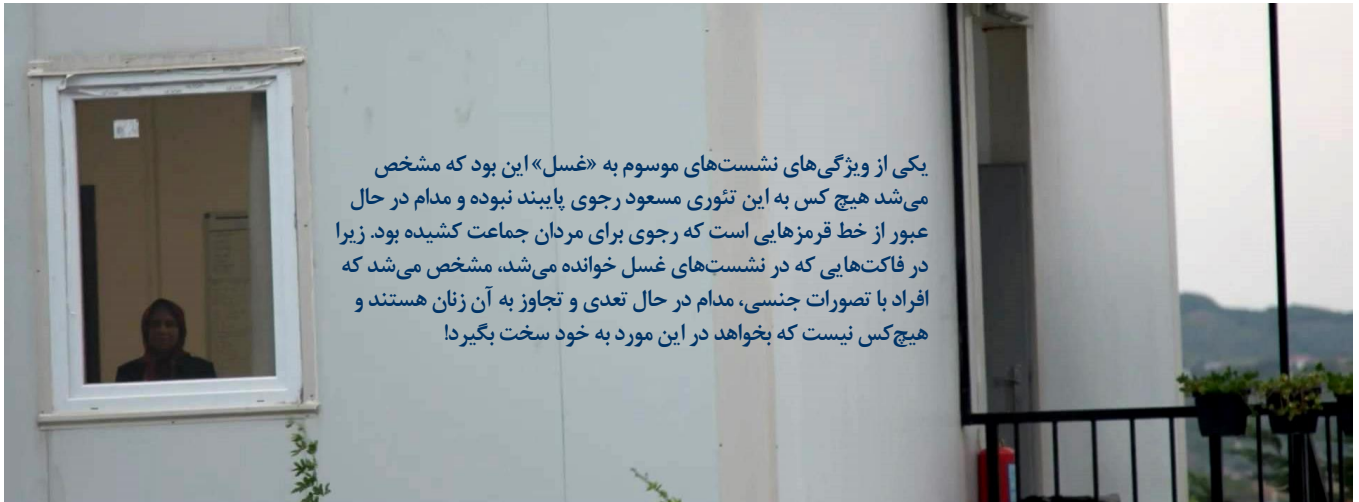
اما این بار، دقیقاً به خاطر کارت هویت است. رجوی مطلقاً نمی‌خواهد افراد اسپرش هویت پیدا کنند و همواره حیاتش را در بی‌هویتی اعضا می‌بیند که البته آن را تئوریزه هم کرده

انجمن نجات آلبانی از کسانی که از این سازمان بیرون می‌آیند، استقبال می‌کند و درب

این انجمن به روی آن‌ها باز است

## کلیدواژه‌های دردناک به نام پدر و مادر ایدئولوژیک

سعید محمدپور



یکی از ویژگی‌های نشست‌های موسوم به «غسل» این بود که مشخص می‌شد هیچ کس به این تئوری مسعود رجوی پایبند نبوده و مدام در حال عبور از خط قرمزهایی است که رجوی برای مردان جماعت کشیده بود. زیرا در فاکت‌هایی که در نشست‌های غسل خوانده می‌شد، مشخص می‌شد که افراد با تصورات جنسی، مدام در حال تعدی و تجاوز به آن زنان هستند و هیچ کس نیست که بخواهد در این مورد به خود سخت بگیرد!

تا اینکه واقعاً کسی به آن‌ها پایبند باشد. چند بار خودم در حمام‌های اشرف تصاویر مریم رجوی را دیده بودم که افراد با خود به حمام آورده بودند و برای ارضای خود از آن‌ها استفاده می‌کردند. دیگر حساب بقیه مشخص بود. البته این‌ها مختص فقط مردان نبود و تا جایی که می‌دانستم، زنان نیز نسبت به مردان موجود در تشکیلات نگاه‌های جنسی داشتند.

البته به جز مسعود رجوی و مریم رجوی، هیچ کس را در تشکیلات مقصر نمی‌دانم. بلاخره افراد چه مرد و چه زن باید به مسائل درونی خودشان پاسخ می‌دادند و در این میان، مسبب و مقصر اصلی مسعود رجوی بود که با قوانین مسخره و مشمززکننده‌اش تلاش می‌کرد مانند کلیسا رفتار کند و افراد را وادار به اعترافات جنسی و یا گناهان جنسی خود کند. ازدواج را ممنوع کرده و اجازه نمی‌داد که کسی اصلاً به فکر ازدواج بیفتد، چه برسد به اینکه اقدام عملی نماید.

ولی خدا را شکر که بسیاری از کسانی که از مناسبات جهنمی رجوی خارج شدند، سر و سامان پیدا کردند و توانستند ازدواج کرده و به طلسم ظالمانه رجوی غلبه کنند و آن را باطل کنند. متأسفانه، این مسائلی که فوقاً عرض کردم هنوز هم در تشکیلات رجوی جاری و ساری است و زن و مرد درگیر این موضوعات هستند و داستانی است بی‌پایان.

آیا کار به اینجا ختم می‌شد؟ خیر! مردان باید سایر زنان موجود در تشکیلات را نیز مانند خواهران خود می‌دیدند و هر فرد باید به خود می‌گفت که این زنان «خواهران ایدئولوژیک» من هستند و ارزش آن‌ها برای من بسیار بالاتر از خواهران تنی من در خانواده‌ام است. بنابراین، باید نسبت به آن‌ها غیرتی می‌شد و هر زمان که لازم بود، از آن‌ها تا پای جان و آخرین قطره خونم دفاع کند و اجازه ندهد کسی به آن‌ها چپ نگاه کند. به این ترتیب، فرد موظف می‌شد که نه تنها خود به آن‌ها (یعنی زنان موجود در تشکیلات) نگاه نامحرمانه نداشته باشد، بلکه نباید اجازه می‌داد کسی دیگر نیز به آن‌ها تعدی کند.

ولی واقعیت چیز دیگری بود. اکنون توضیح می‌دهم که چرا! یکی از ویژگی‌های نشست‌های موسوم به «غسل» این بود که مشخص می‌شد هیچ کس به این تئوری مسعود رجوی پایبند نبوده و مدام در حال عبور از خط قرمزهایی است که رجوی برای مردان جماعت کشیده بود. زیرا در فاکت‌هایی که در نشست‌های غسل خوانده می‌شد، مشخص می‌شد که افراد با تصورات جنسی، مدام در حال تعدی و تجاوز به آن زنان هستند و هیچ کس نیست که بخواهد در این مورد به خود سخت بگیرد!

لذا مشاهده می‌کنید که این واژه‌ها بیشتر نمایشی بوده و بیشتر خوراک تشکیلاتی داشت

در سازمان مجاهدین خلق، به دستور مستقیم مسعود رجوی، همواره تلاش شده است که افراد با یکسری واژه‌ها زندگی کنند و در هنگام بروز مشکلات، به آن واژه‌ها پناه ببرند و از آن‌ها برای بهبود وضعیت فردی خود استفاده کنند.

به گزارش فراق، یکی از این واژه‌ها که بسیار کاربرد داشته و دارد، واژه «پدر و مادر ایدئولوژیک» است که به‌واسطه تلاش‌های مسعود رجوی در میان افراد جا افتاده و پیر و جوان نمی‌شناسد!

این واژه بیشتر در نشست‌های به اصطلاح ایدئولوژیک استفاده می‌شد، به‌ویژه زمانی که کسی به یاد خانواده و پدر و مادرش می‌افتاد. به افراد یاد داده بودند که در چنین مواقعی به خود القا کنند که به جای پدر و مادر واقعی‌شان، دو نفر وجود دارند که جای آن‌ها را پر می‌کنند؛ یعنی مسعود رجوی نقش پدر و مریم رجوی نقش مادر را بازی می‌کند. کار به اینجا ختم نمی‌شد؛ زیرا در ادامه القائات رجوی، فرد باید به خود می‌قبولاند که ارزش معنوی این دو بسیار بیشتر از پدر و مادر واقعی‌شان است و حق ندارد آن‌ها (پدر و مادر واقعی‌اش) را با مسعود و مریم مقایسه کند، زیرا این کار گناه محسوب می‌شد و مقامات رهبری سازمان را با پدر و مادری که از دیدگاه رجوی ارزش چندانی ندارند، مقایسه کرد.

## کابوس رجوی

نادر محمدی - کردستان



خالی از سکنه عراق شود، اما سرانجام همان کابوس ترس از خانواده، طومار جنایت‌ها و خیانت‌های او را در هم شکست. حضور خانواده‌های نیروهای گرفتار در چنگال وی در پشت حصارهای پادگان اشرف و ایستادگی آنان در گرما و سرمای آن بیابان، پایه‌های لرزان و ازهم‌گسیخته فرقه را آن‌چنان سخت و محکم به هم کوبید که در عرض تنها چند ماه، هزاران نیروی فرقه از سازمان جدا شدند، پادگان به کلی تخلیه شد و رئیس‌جمهور خودخوانده تا به امروز بدون تصویر، جرات هیچ‌گونه عرض اندامی ندارد. این تنها گوشه‌ای از سرگذشت سازمانی است که رهبرش مست‌قدرت و خیانت به مردم کشورش بود.

رجوی، مست‌قدرت، با وقاحت و فضاحت تمام به دامان صدام، دیکتاتور وقت عراق، خزید و به خیال خود برای زهرچشم گرفتن از مردم ایران، علیه آنان قیام مسلحانه کرد. او که در این قیام‌ها به روشنی دیده بود چگونه مهر و عطوفت خانوادگی، نیروهای جنگی را از خشونت بیشتر در جنگ بازمی‌دارد، دستور طلاق اجباری در میان نیروهای فرقه را صادر کرد و حس نفرت به کیان خانواده را در دل آنان کاشت؛ جنایتی که تا به امروز نظیر آن در پلیدترین فرقه‌های جنایتکار یافت نشده است. اگرچه رجوی برای چند سال توانست با این توطئه، رئیس‌جمهور خودخوانده بیابان‌های

اگرچه رجوی برای چند سال توانست با توطئه، رئیس‌جمهور خودخوانده بیابان‌های خالی از سکنه عراق شود، اما سرانجام کابوس ترس از خانواده، طومار جنایت‌ها و خیانت‌های او را در هم شکست.

به گزارش فراق، از همان روزهای نخست انقلاب اسلامی ایران، فرقه مجاهدین، یا به واقع مزاحمین خلق، جنگ و عصیان را علیه مردم، انقلاب و آرمان‌ها در پیش گرفت. مسعود رجوی، سرکرده فرقه، از ابتدا با وجود تمام دیوانگی‌هایش، یک نکته را به‌خوبی درک کرده بود؛ اینکه بنیان خانواده می‌تواند هم کابوس و هم نوید روزهای سیاه باشد.



دلیل قطع ارتباط صلیب سرخ با مقرهای «اشرف» توسط رجوی

## وقتی پای خانواده به میان آمد

حسین عیوضی آذر

شاید در این رابطه زیاد نشنیده باشید که چرا رجوی به یکباره تمام ارتباطاتش را با «سازمان جهانی صلیب سرخ» قطع کرد و دیگر به آنان اجازه ورود به قرارگاه اشرف را نداد. در این مختصر، به شما خوانندگان عزیز توضیح می‌دهم که چرا رجوی به‌طور ناگهانی و سریع تمام ارتباطاتش را با این ارگان بین‌المللی قطع کرد.

ارتباطات سازمان مجاهدین خلق با صلیب سرخ جهانی به زمان جنگ ایران و عراق برمی‌گردد. از هنگامی که سازمان تمام پایگاه‌هایش را از نقاط مرزی، که عمدتاً در کردستان مستقر بودند، به یک نقطه منتقل کرد و شکل متمرکزی به خود گرفت. منطقه تمرکز نیروها بعدها به نام قرارگاه اشرف شناخته شد. به عبارت دیگر، وقتی می‌گوییم شکل متمرکز، یعنی همه سیستم‌های نظامی این تشکل در یک جا مستقر شدند و شامل تمامی نیروها، اعم از رزمی و لجستیکی، و همچنین زندانیانی که در درگیری‌های مرزی توسط شبه‌نظامیان رجوی دستگیر شده بودند، نیز به این مکان منتقل و نگهداری می‌شدند. این زندانیان در واقع اسرای جنگی محسوب می‌شدند و باید یک ارگان جهانی به وضعیت آنان توجه و رسیدگی می‌کرد. رجوی به‌خاطر این که بعدها برایش مشکل پیش نیاید و در خصوص زندانیانی که در درگیری‌های مرزی به اسارت گرفته بود، مورد بازخواست جهانی قرار نگیرد، مجبور بود به یک نهادی وابسته شود تا اثبات کند در خصوص زندانیان جنگی رابطه انسانی برقرار کرده و به چارچوب‌های بین‌المللی پایبند است. لذا از صلیب سرخ جهانی خواسته بود که با زندانیان ملاقات کرده و آمار آنها را داشته باشد.

رجوی تصمیم گرفت تا با این نهاد بین‌المللی همکاری کند و از مسائل بعدی اسرا خود را خلاص کند؛ وگرنه رجوی کسی نبود که بخواهد به‌خاطر مسائل انسان‌دوستانه کاری برای کسی انجام دهد. با ورود صلیب سرخ به ماجرای اسیرانی که در دست سازمان مجاهدین بودند، حداقل این بود که خانواده‌هایی که فرزندان‌شان در جنگ مفقود می‌شدند، می‌توانستند با صلیب سرخ جهانی و یا هلال احمر تماس گرفته و از

آنان بخواهند که برای پیدا کردن فرزندان‌شان کمک و راهنمایی کنند.

وقتی صلیب سرخ وارد قرارگاه اشرف می‌شد، در نقطه‌ای که از قبل مشخص کرده بودند مستقر شده و با افرادی که اصطلاحاً اسیر جنگی نامیده می‌شدند، ملاقات می‌کرد. این ملاقات‌ها عمدتاً به‌صورت خصوصی بود و نباید کسی از طرف سازمان در این ملاقات‌ها حضور پیدا می‌کرد. افرادی که از طرف صلیب سرخ در این ملاقات‌ها شرکت می‌کردند، اغلب به زبان فارسی آشنایی داشتند و می‌توانستند در حد نیازشان با طرف مقابل فارسی صحبت کنند. خودشان مدعی بودند که سال‌ها در ایران فعالیت داشته و در آن زمان که در ایران بودند، کلاس زبان فارسی را گذرانده‌اند، مثلاً تا پنجم ابتدایی خودمان. فارسی صحبت کردنشان بسیار جالب و خالی از لطف نبود.

رجوی تلاش می‌کرد زیاد به آنان رو ندهد، زیرا آنان همیشه درخواست‌هایی داشتند که پذیرفتن آن برایش پرهزینه بود. رجوی به کادرهای سازمان که طرف حساب صلیب سرخ بودند، گفته بود که مراقب باشند تا احیاناً به واسطه این کار فرمالیستی که انجام می‌دهند، ضربه نخورند. یعنی در ملاقات‌ها کسی علیه سازمان حرفی نزند و بدنامی برای رجوی به بار نیورد! این فعالیت‌های صلیب سرخ جهانی بعد از آتش‌بس بین ایران و عراق ادامه داشت و در مقاطع مختلفی، آنان وارد قرارگاه اشرف شده و درخواست ملاقات با افراد می‌کردند. به هنگام ملاقات که به‌صورت کاملاً خصوصی برگزار می‌شد، ابتدا احراز هویت انجام می‌گرفت. سپس تأکید می‌شد که این ملاقات کاملاً خصوصی بوده و هیچ صحبتی از این اتاق به بیرون درز نخواهد کرد. این مکالمه اولیه به‌خاطر این بود که فرد احساس امنیت کند و اگر نگرانی در خصوص جان خود دارد، آن را مطرح نماید تا صلیب سرخ با مقامات سازمان مجاهدین طی دیدار، نگرانی‌های خود را از بابت افراد ابراز کند.

اما یک نکته بسیار مهم که در تمام دیدارها بین صلیب سرخ و افراد مصاحبه‌شونده وجود داشت، این بود که مصاحبه‌شوندگان درخواست

تماس با خانواده‌هایشان را داشتند، زیرا می‌گفتند که در سازمان این امکان فراهم نیست و اجازه نمی‌دهند که برای تماس به بیرون از قرارگاه بروند! این وضعیت دقیقاً مشابه سایر اسرایی بود که در کمپ‌های عراق وجود داشتند یا بالعکس در ایران.

اسرای ایرانی واقع در کمپ‌های ارتش عراق می‌توانستند با خانواده‌هایشان حداقل هر چند ماه یک بار نامه‌نگاری کرده و برای خانواده‌هایشان نامه ارسال کنند. بالعکس، خانواده‌ها نیز می‌توانستند پاسخ نامه را نوشته و برای عزیزانشان ارسال نمایند. اما رجوی، به‌رغم این حاتم‌بخشی که در ابتدای کار عرض کردم، یعنی دعوت از صلیب سرخ برای دیدار با زندانیان جنگی که در عملیات‌های تروریستی‌اش دستگیر کرده بود، نمی‌خواست اجازه دهد کسی با خانواده‌اش کوچک‌ترین تماسی داشته باشد.

می‌خواهم عرض کنم که خصومت رجوی با خانواده، یک تاریخچه چند دهه‌ای دارد و هیچ ربطی به شرایط بعد از صدام حسین نداشته و ندارد. از این رو، مسئولان صلیب سرخ مدام در انتهای دیدارهایشان با مسئولان فرقه رجوی، خواسته‌های مصاحبه‌شوندگان را به آنان منعکس می‌کردند. رجوی کم‌کم احساس کرد که عجب اشتباهی کرده است و اوضاع بر ضد خودش تبدیل شده است. لذا به‌تدریج به فکر افتاد که به بهانه‌های مختلف، پای صلیب سرخ را از قرارگاه اشرف قطع کند.

اما بشنوید که به چه بهانه سخیفی کلاً ارتباطات خود را به یکباره با صلیب سرخ جهانی قطع نمودند. مسعود رجوی یک بار در نشست جمعی مطرح کرد که گویا متوجه شده‌اند بر اساس اطلاعات دقیقی که به‌دست آورده‌اند، دولت ایران کمک مالی زیادی به صلیب سرخ جهانی کرده است و در عوض از صلیب سرخ خواسته که چون امکان تردد به قرارگاه اشرف را دارد، از قرارگاه فیلم، عکس و سایر اطلاعات مهم را جمع‌آوری کرده و در اختیار حکومت ایران قرار دهد! از همین رو، رجوی دستور داد که کلاً ارتباطات با صلیب سرخ قطع شود و دیگر اجازه ورود به آنان به قرارگاه اشرف داده نشود.

## سست شدن پایه‌های تشکیلات رجوی با یاد خانواده



سران فرقه طبق دستوراتی که برای آنان صادر می‌شود، باید مدام روی این محور متمرکز باشند که کسی نباید به عنصری به نام خانواده فکر کند، زیرا فرد از درون تهی شده و دیگر نمی‌تواند به رهبری فرقه ایمان بیاورد.

به گزارش فراق، هیچ روز عاطفی در فرقه رجوی وجود ندارد، علت آن نیز مشخص است؛ نباید هیچ روزی به جز روز مریم رجوی یا مسعود رجوی وجود داشته باشد، زیرا به رسمیت شناختن چنین روزهایی به معنای این است که دیگر فرقه نیستند و طرز تفکراتشان تغییر کرده است.

در مناسبات فرقه‌ای رجوی تنها دو مناسبت وجود دارد که به دو نفر اختصاص داده شده است: یکی روز مریم که مصادف است با ۳۰ مهر (سالگرد انتخاب مریم عضدانلو به رئیس‌جمهوری مادام‌العمر) و دیگری ۳۰ دی، روز آزادی مسعود رجوی از زندان در زمان انقلاب مردم در سال ۱۳۵۷.

به جز این دو مناسبت، تلاش شده است که اعضای سازمان را از هر گونه مناسبت دیگری، همچون روز پدر و مادر، دور نگاهدارند، زیرا پرداختن به این موضوعات به معنای به رسمیت شناختن خانواده است که اساساً با سیاست‌های مسعود رجوی مغایرت جدی دارد. به جز این موارد، هیچ کس حق ندارد به چیز دیگری فکر کند، زیرا این امر باعث سست شدن پایه‌های تشکیلات می‌شود.

تشکیلاتی که در طی سال‌های گذشته تمام هم و غمش این بوده که جایگاه خانواده را تا توانسته کم‌رنگ و در نهایت بی‌رنگ نماید.

این طرز تفکر با تمام قدرت در تشکیلات مخوف رجوی ادامه داشته و دارد و اجازه نداده‌اند که کوچک‌ترین تخطی در این خصوص ایجاد گردد. سران فرقه طبق دستوراتی که برای آنان صادر می‌شود، باید مدام روی این محور متمرکز باشند که کسی نباید به عنصری به نام خانواده فکر کند، زیرا فرد از درون تهی شده و دیگر نمی‌تواند به رهبری فرقه ایمان بیاورد.

از این رو، در دستور کارشان همواره پاکسازی ذهن افراد از خانواده قرار داشته و

«قسط و عدل». مدام باید این نوع موضوعات برجسته گردد تا افراد در سازمان نقش رهبری را بیشتر و بهتر درک و فهم نمایند. باید هر فرد به زبان بیاورد که علی زمانه همانا مسعود رجوی است و تا به این نقطه نرسد، یعنی فرد در انتخابش هنوز ثابت قدم نیست و ممکن است در آینده به رهبری خیانت نماید.

بنابراین، همان‌طور که خیلی خلاصه عرض کردم، در چنین مناسبت‌هایی که ما شیعیان داریم، یعنی روز پدر و روز مادر، در تشکیلات رجوی مطلقاً وجود ندارد و اساساً اجازه بر زبان راندنش هم جرم است و باید فرد خاطی مجازات گردد.

حالا شما فکر کنید با این طرز تفکر، جایگاه پدر و یا مادر در ذهن افراد چگونه و چطور خواهد بود؟ جواب این است که هیچ!

تئوری که در سازمان وجود دارد، که البته ساخته و پرداخته مسعود رجوی است، این است که «پدر و مادر وظیفه‌شان به دنیا آوردن و بزرگ کردن فرزند با هزار بدبختی بوده که سرانجام او را باید به مسعود رجوی تحویل دهند و پی کارشان بروند!» جالب است که بدانید اگر کسی در تشکیلات رجوی بمیرد یا کشته شود، باید پدر و مادر فرد فوت شده به مسعود رجوی تسلیت بگویند.

مثلاً در جریان خودسوزی‌هایی که در اروپا به خاطر دستگیری مریم رجوی به وجود آمد، پدر و مادر یکی از کشته‌شدگان از کانادا رفتند فرانسه تا به مریم رجوی تسلیت بگویند!

برای این پاکسازی شیوه‌های مختلفی به کار گرفته می‌شود، از جمله خالی کردن ذهن افراد در نشست‌هایی با نام «نشست عملیات جاری». در این نشست‌ها، افراد باید ذهن خود را از هر چیزی که با اهداف رجوی تعارض داشته باشد، بیان کرده و خودشان را به خاطر این طرز تفکرات تنبیه کنند و تعهد بدهند که دیگر اجازه ندهند که از این گونه طرز فکرها به ذهنشان خطور کند و اگر باز خطور کرد، آن را در جمع بیان کرده و خود را به شدت شماتت و سرزنش نمایند!

البته این‌گونه نیست که مثلاً در روز میلاد امام علی علیه السلام کاری نکنند. میلاد امام علی (ع) به شکل نمایشی برگزار می‌شود، مثلاً با دادن شام و یا ناهار ویژه و یا پخش موزیک‌های شاد و حتی پخش سخنرانی‌هایی که مسعود رجوی در خصوص امام علی داشته است، ولی هیچ اسمی از پدر و روز مرد و امثالهم به میان نمی‌آید. حالا شاید برای خواننده این سوال پیش بیاید که چگونه میلاد امام علی جشن گرفته می‌شود، ولی هیچ اشاره‌ای به روز پدر یا روز مرد نمی‌شود؟

باید عرض کنم که گرامی‌داشت میلاد امام علی به خاطر برجسته کردن نقش مسعود رجوی است و به جز آن، هیچ منطق دیگری برای آن وجود ندارد. باید در این روز نقش مسعود رجوی برجسته گردد و کارهای حضرت علی در روزگار خودش را به کارهای مسعود رجوی در این زمانه شباهت داد، مثلاً مانند

## رسانه آلبانیایی: حضور فرقه رجوی در آلبانی مانند دینامیت است



یک پایگاه خبری آلبانیایی با انتقاد از حضور فرقه تروریستی رجوی در این کشور، وجود آن‌ها را به مثابه یک دینامیت در آلبانی دانست. به گزارش فراق، سایت خبری فیلا لیر، در گزارشی انتقادی از سیاست‌های ادی رامه، نخست‌وزیر آلبانی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، اعلام کرد که وجود فرقه رجوی در این کشور مانند یک دینامیت است.

در این گزارش آمده است که آمیخته شدن جمعیت آلبانیایی‌ها با گروه‌های قومی مهاجم، یک دینامیت اجتماعی است که ممکن است روزی مردم، تاوان سختی برایش بپردازند. گزارش فیلا لیر این‌گونه آورده است: بعد از اینکه مجاهدین خلق (فرقه رجوی) را آوردند، برای آن‌ها یک دولت کوچک در مانز ایجاد کردند؛ این گروه توسط گروهی از دانشجویان تندرو تاسیس شد، اما ما چه نیازی به این‌ها داریم؟ آمریکایی‌ها آنان را جلوی در خانه ما رها کردند.

این پایگاه خبری در ادامه و با انتقاد از سیاست آمریکا و همچنین رامه در انتقال گروه‌های قومی به آلبانی نوشت: آمریکایی‌ها بعد از آنکه افغانستان را تحویل طالبان دادند، هزار پناهجوی افغان را وارد آلبانی کردند؛ رامه برای آنکه خود را به‌عنوان یک رئیس بزرگ به نخست‌وزیر ایتالیا نشان دهد به او قول داده که اردوگاهی را در آلبانی برای مهاجران و پناهجویان آفریقایی (که در ایتالیا حضور دارند) افتتاح خواهد کرد؛ آفرین به این رئیس مدرن! مقرر فرقه رجوی در آلبانی که با نام اشرف 3 شناخته می‌شود، از مارس ۲۰۱۳ (اسفند ۱۳۹۱) در پی سرنگونی صدام متعاقب حمله آمریکا به عراق، شاهد روند ورود اعضای این فرقه به آن آغاز شد؛ روندی که تا سپتامبر ۲۰۱۶ (شهریور ۱۳۹۵) با تعهد دولت آلبانی برای استقرار آن‌ها با آنچه اهداف بشردوستانه و نه سیاسی، ادامه داشت.

این اردوگاه در منطقه‌ای میان تیرانا، پایتخت آلبانی و شهر ساحلی دورس این کشور قرار دارد که با چراغ سبز ادی رامه، نخست‌وزیر آلبانی در سال‌های اخیر فرصت گسترش و توسعه یافته است.

در عین حال، گزارش‌ها و اسنادی وجود

دارند که نشان می‌دهند سرکردگان فرقه رجوی با پرداخت پول به شخصیت‌های سیاسی آلبانی و دیگر کشورها از آن‌ها می‌خواهند در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی از کارنامه جنایت‌کارانه این فرقه که دستش به خون دست‌کم ۱۷ هزار شهروند ایرانی آلوده است، دفاع کنند؛ از سوی دیگر نگاهی به گزارش رسانه‌های غربی و نهادهای حقوق بشری بین‌المللی نشان‌دهنده عمق آگاهی کشورهای غربی مدعی حقوق بشر از جنایت‌های فرقه با وجود اتخاذ استانداردهای دوگانه است.

اندیشکده آمریکایی رند پیشتر در گزارش تحقیقی خود درباره فرقه رجوی ضمن اشاره به قرار داشتن استراتژی‌های عضوگیری فریب‌کارانه این فرقه، اعلام کرد که بررسی‌های رند نشان می‌دهد که بهترین اقدام در این زمینه بازگرداندن اعضای این سازمان به ایران است.

گزارش اندیشکده ملی تحقیقات دفاعی رند برای وزارت دفاع آمریکا نیز تأکید دارد که رویه آمریکا در اعطای امتیاز به این فرقه و اعضای آن نادرست بوده است؛ در عین حال، تحقیقات ۲۰۱۱ وزارت خارجه آمریکا، نشان داد که آمریکایی‌ها به این نتیجه رسیدند که ایرانی‌ها از فرقه رجوی به دلیل همکاری با صدام در جنگ هشت ساله علیه ایران متنفر هستند.

مجله اشپیگل آلمان در گزارش خود درباره فرقه رجوی در توصیف وضعیت این فرقه در اردوگاه مانزا آلبانی، ضمن توصیف زندگی آن‌ها در کپسول زمان می‌گوید که اعضای این سازمان در تمرین‌های هفتگی خود «بریدن گلو با چاقو»، «شکستن دست» و «درآوردن چشم» را آموزش می‌بینند.

رئیس سازمان اطلاعات آلبانی در سال‌های

ذاتاً یک فرقه تروریستی مسلح است.

## تاوان رد کردن مرز سرخ در شکنجه‌گاه رجوی



علی محمد رحیمی  
نجات یافته از فرقه رجوی در آلبانی

بگویند که نمی‌آید. در اینجا چهره واقعی آن‌ها نمایان می‌شد که همه محدودیت‌ها از طرف سرکردگان است و هیچ راهی برای فرد باقی نمی‌گذاشتند، زیرا همه چیز با تهدید همراه بود. حتی افرادی که در نشست بودند، گاهی به زد و خورد کشیده می‌شدند و صدای توهین در آنجا با فاصله زیاد شنیده می‌شد. این راهبندها تنها برای سرپوش گذاشتن بر مشکلات واقعی‌شان بود تا زندگی و خانواده فراموش شود و افراد را با یکدیگر درگیر کنند. کسی نمی‌توانست از خانواده‌اش اطلاعی داشته باشد یا از خانواده‌اش برای دوستانش تعریف کند. این دکان جامعه بی‌طبقه توحیدی، برای فریب، نیرنگ و دروغ بود که خانواده تاوان آن را با رنج بسیار می‌پرداخت.

فیزیکی با من پرداخت. من گفتم: «مگر به شما نگفتم که حالم خوب نیست؟» او نیز شروع به توهین کرد. به او گفتم که از سر کار آمده‌ام و فرصت نکرده‌ام فاکت بنویسم. او بدتر شد و من از او خواستم که مرا به دکتر ببرد. او گفت که اکنون دکتر هم در نشست است. در نهایت به نشست رفتم و مسئول نشست گفت که نیامدن به نشست مرز سرخ است و تو این مرز را رد کرده‌ای و باید فاکت آن را در نشست بیاوری و بخوانی. یکی از همکارانم را که با او سر کار بودم، پرسیدم چرا به مسئول نشست نگفتی که حالم بد شده است و او پاسخ داد: «مگر کسی به حرف من گوش می‌کند؟» تمام این بگیر و ببندها برای ترساندن و تحقیر کردن بود و هیچ کس نمی‌توانست

این دکان جامعه بی‌طبقه توحیدی، برای فریب، نیرنگ و دروغ بود که خانواده تاوان آن را با رنج بسیار می‌پرداخت. یک روز کاری که حالم خوب نبود، از سر کار برگشتم تا مقداری استراحت کنم. در گرمای بسیار زیاد، دیگر برای خوردن ناهار نرفته بودم که یک نفر آمد و گفت که اکنون زمان نشست عملیات جاری است. من گفتم که حالم خوب نیست و گرما زده شده‌ام. او به اصرار ادامه داد و گفت که مسئول نشست منتظر است. نیم ساعت گذشته بود و زمان استراحت نبود که یک نفر دیگر آمد و با تهدید به برخورد

رونمایی از دایره المعارف شهدای ترور جمهوری اسلامی ایران

## آمار شهدای ترور به ۲۳۰۰۰ رسید



کتاب «دایره المعارف شهدای ترور جمهوری اسلامی ایران» با چنین نگاهی و با بهره‌گیری از منابع مختلف مکتوب و اسنادی و بر مبنای ماده‌ی نخست «قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم» مصوب مجلس شورای اسلامی نگاشته شده است و شهدای ترور کشور از تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ تا ۳۰ آبان ۱۴۰۳ را که توسط بیش از ۳۰ گروه تروریستی به شهادت رسیده‌اند، شامل می‌شود.

آمار شهدای ترور که با تأسف از تمام اقشار مختلف جامعه هستند عدد ۲۳۰۳۲ را نشان می‌دهد، در این کتاب افزون بر نام و نام خانوادگی و نام پدر شهید، اطلاعاتی مانند تاریخ تولد و شهادت، محل تولد و شهادت، دین و مذهب و نوع عملیات ترور هر شهید توسط گروهک‌های تروریستی نیز گنجانده و در انتهای کتاب هم ضامنی مانند جدول‌های آماری و نموداری از فراوانی شهدای ترور و اقدامات تروریستی در نقاط مختلف کشور درج شده است.

بسیاری از شهروندان ایرانی در نقاط مختلف کشور قربانی اینگونه حملات بوده‌اند. آنچه سالیان آغازین ترورها و حملات تروریستی را با سال‌های پس از آن متمایز می‌کند پیروزی کشورمان در مبارزه‌ی سخت و بی‌امان با تروریسم و اخراج گروهک‌های تروریستی و سرکردگان آن‌ها از ایران بوده است که متأسفانه تشکیلات این گروهک‌ها پس از متواری شدن از کشور با چراغ سبز کشورهای غربی در خاک آن‌ها مستقر شده‌اند و وجود ده‌ها سند و گزارش منتشرشده توسط نهادهای مختلف رسمی در این کشورها تأکیدی بر این نکته است که دولت‌های غربی از ماهیت خشن و تروریستی این گروهک‌های ضدایرانی مطلع هستند.

گردآوری اطلاعات شهدای مظلوم ترور، که سند گویای نقض حقوق بشر شهروندان ایران به‌شمار می‌رود، علاوه بر زنده‌نگه‌داشتن نام و یاد آن‌ها، گامی اولیه در راستای احقاق حقوق خانواده‌های قربانیان ترور می‌باشد.

دایره المعارف شهدای ترور جمهوری اسلامی ایران با حضور معاون وزیر امور خارجه، معاون هماهنگ کننده نیروی قدس سپاه پاسداران و رئیس بنیاد هابیلیان در مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه رونمایی شد.

به گزارش فراق، ۱۲ دی ماه در مراسمی از دایره المعارف شهدای ترور جمهوری اسلامی ایران با حضور کاظم غریب آبادی، معاون وزیر امور خارجه، سردار ایرج مسجدی، معاون هماهنگ کننده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و هاشمی نژاد، رئیس بنیاد هابیلیان در مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه رونمایی شد.

کشور ما ایران یکی از بزرگ‌ترین قربانیان تروریسم در منطقه و حتی جهان است و از نخستین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی و سال‌های پس از آن درگیر اقدامات خسونت‌آمیز گروهک‌های تروریستی بوده و

گزارش جامع فراق از تظاهرات نمایشی فرقه رجوی در پاریس

## مواد سُسی ترکیبی مریم قجر در قلب فرانسه لو رفت



تظاهرات ۲۰ بهمن ماه فرقه رجوی در پاریس، ترکیبی از افرادی با ملیت‌های افغانستانی، عرب، و اوکراینی بود.

به گزارش فراق، این افراد که اغلب آواره و فراری و بعضاً قاچاقچی هستند، در کشورهای اروپایی به دنبال پناهندگی می‌گردند. رویه‌ای مرسوم وجود دارد که افرادی که درخواست پناهندگی‌شان رد می‌شود، تلاش می‌کنند با ارائه مدارک و شواهدی - چه راست و چه دروغ - مبنی بر وجود خطر جانی یا سیاسی در کشور خود، مقامات سازمان مهاجرت را متقاعد به پذیرش پرونده خود کنند.

مزدوران رجوی نیز از این موضوع آگاهند و بسیاری از پناهندگان نگون‌بخت را در بدو ورود به کشورها، در همان مقابل کمپ‌ها شکار کرده و به عنوان سیاهی لشکر در برنامه‌های مختلف خود، از جمله تظاهرات، به کار می‌گیرند.

بر اساس اطلاعات به دست آمده، در تظاهرات اخیر، بیشتر شرکت‌کنندگان، پناهندگانی بودند که هنوز پرونده‌هایشان پذیرفته نشده و نیازمند پول، مسکن، و کمک‌های حقوقی و اداری هستند. این افراد - شامل ایرانیان، افغان‌ها، اوکراینی‌ها و عرب‌ها - از کشورهای مختلف، از استرالیا گرفته تا آمریکا، با وعده پرداخت هزینه سفر، ارائه مدارک جعلی و پول نقد، جذب شده‌اند. علاوه بر این، هواداران قدیمی، سرمایه‌گذاران و دکانداران پول‌ساز نیز با سرمایه فرقه در این تظاهرات شرکت داشتند.

حتی یورونیوز، با وجود تمام مخالفت‌هایش، گزارش داده است که صدها اوکراینی در این تظاهرات مجاهدین را همراهی می‌کردند و افرادی از اکثر کشورهای اروپایی برای شرکت در آن گرد هم آمده بودند.

گذشته از این روش‌نخما و مضحک فرقه، نکات جالب دیگری نیز به چشم می‌خورد. مریم قجر، که خود در پاریس اقامت دارد، در این تظاهرات شرکت نکرد. علت این غیبت مشخص نیست؛ شاید ترس یا تنبلی. اما به نظر می‌رسد که او از ظاهر نامناسب این روزهای

خود و چهره پیر و کریهش واهمه داشته و نمی‌خواسته کسی از نزدیک او را ببیند. شاید هم می‌ترسیده که با گوجه‌فرنگی و تخم‌مرغ گندیده از او استقبال کنند. همچنین، به دلیل عدم دسترسی به فیلم و عکس جدید از شوهر سابق گم و گور شده‌اش، مجبور شدند مجموعه‌ای از کلیپ‌ها و فیلم‌های قدیمی و یابوهای تکراری را برای فریب مخاطبان پخش کنند. به نظر می‌رسد تنها اینگرید بتانکور و ۳۲ نفر از همدستانش از این ماجرا سود بردند. اینگرید، این پیرزن حریص که از جمع‌آوری پول خسته نمی‌شود، در هر برنامه‌ای با اشتیاق شرکت کرده و جای دوست و دشمن را نشان می‌دهد. به علاوه، آن ۳۲ تن از مقامات سابق و اسبق نیز با دریافت مبالغی، نام خود را زیر هر بیانیه یا آگهی تلویزیونی قرار می‌دهند تا دلار

قراردادشان دو برابر شود. اما حرف این افراد چه بود؟ مشت‌یابوگویی، دروغ، چاپلوسی و التماس. یابو، یعنی تکرار لاف و گزاف سرنگونی. چهل و شش سال است که هر سال می‌گویند امسال سال آخر است! لیچار، یعنی فحاشی و بد و بیراه گفتن به زمین و زمان و سایر گروه‌های مخالف. و اما دروغ، طبق معمول با جمع‌آوری دو سه هزار عرب و افغان و اوکراینی مهاجر، باز هم مدعی اپوزیسیون، آن هم از نوع بزرگ و دموکراسی‌خواه، شدند. ولی نه رجوی جرأت می‌کند پس از دو دهه پنهان‌کاری ظاهر شود و نه قجر جرأت دارد حتی پایش را در خیابان‌های پاریس بگذارد. دروغ که حناق نمی‌آورد؛ هر چه بزرگتر، باورپذیرتر... می‌آورد. روی خود بیآورند که صدها تن از نیروهای

جذب شده در این سالها از دستشان فرار کرده‌اند. ده‌ها تن را کشته و سر به نیست کرده‌اند و بقیه هم در کمپ‌شان مانند زندانی‌ها روزگار می‌گذرانند. هنوز به قدرت نرسیده‌اند، عالم و آدم از دستشان شاک می‌هستند.

رجوی‌ها باز هم با اشک و التماس رو به دولت‌های غربی گفتند: «ترا به خدا ما را به رسمیت بشناسید و به قدرت برسانید.» این در حالی است که با وجود این همه توسل به ترامپ، از وقتی هم که او آمده، به رغم کری خواندن علیه ایران و شاخ و شانه کشیدن و تهدید و... اصلاً فرقه را به حساب نیآورده است.

امیدشان به ترامپ بود و این هم انگار اصلاً چنین فرقه‌ای وجود نداشته و ندارد و انگار در معادلات سیاسی صفر هم به حساب نمی‌آید. حالا هی به این‌ها می‌گویند پس مردم ایران مهم نیستند؟ همان‌ها که شما را نمی‌خواهند. همان‌ها که فرزندان‌شان را به خاک و خون کشیدید. ۱۷۰۰۰ تن از آن‌ها را به قتل رسانده و به کشتن دادید. ۴۶ سال فریب دادید. خسته نشدید از این همه التماس و دروغ و ریا؟ آخر اگر مردم خواهان شما بودند، همان جمعیت را در ایران جمع می‌کردید تا درخواست کنند برگردید، نه اینکه بگویند بروید گم شوید، خائنان به ملت و جاسوسان اجنبی...»

در این میان، یک بنده خدای بی‌خبر از احوال مجاهدین هم در یک مقاله سفارشی تنها توانست از نظم، جمع‌آوری و ارسال گله‌های بی‌خانمان و پناهنده از کشورهای مختلف به پاریس حیرت کرده و نظم را تنها نکته مثبت این تظاهرات بخواند. مشخص است ایشان نیز بی‌خبر از بسیاری از داستان‌های پشت پرده است. البته در این بخش بسیاری از خجالتش درآمد و در برخی از اظهار نظرهایی که خواندم، روشنگری‌های جالبی داشتند؛ از جمله نوشتند:

سازمان مجاهدین مایه ننگ است. تاریخ ایران هرگز این گناه را نخواهد بخشید و این قبیل افراد و محافل برای همیشه نمک به حرام‌های ملعون تاریخ ایران باقی خواهند ماند.

در این میان، برخی یادآوری کرده‌اند که اگر صحبت از سازماندهی باشد، سازمان‌های جاسوسی بهترین هستند. این سازمان اگر روزی به قدرت برسد، در همان ابتدای کار تمام مرزها را خواهد بست و همان قصابی را آغاز می‌کند که پیش‌تر در اشرف و عراق شاهدش بودیم. آنان با اعمالی وحشیانه به شدت بر مردم

فشار خواهند آورد؛ طوری که هر مرد و زنی را مجبور به گزارش جزئی‌ترین مسائل شخصی، حتی خصوصی‌ترین آن‌ها، خواهند کرد. اگر این صدامیان چیزی برای پنهان کردن نداشتند، تاکنون تمام مخالفان نظام را متحد کرده بودند و نیازی به چاپلوسی و التماس از سیاست‌بازان غربی نداشتند.

در نقد یکی از نویسندگان، به‌درستی گفته شد: «این مجاهدین از کوه آمده‌اند و تو هم که از پشت کوه آمده‌ای، این حرف‌های ساده‌لوحانه را اینجا نزن. این نوشته صرفاً برای توجیه فرزندان منفور صدام تهیه شده و وقت نویسنده برای چیزی بی‌ارزش هدر رفته است.»

آقای حسین‌نژاد، یکی از جدانشدگان از این فرقه، نیز در مقاله‌ای نوشته است که سازمان مجاهدین پول‌های هنگفت و میلیون‌ها دلار از کوبین‌های نفت صدام (که روزانه صد هزار بشکه بوده) را در مراکز تجاری متعدد در اروپا و آمریکا سرمایه‌گذاری کرده و همین سرمایه‌گذاری‌ها همچنان برای آنان سودآور است. این سازمان، مهاجران بی‌پناه و نیازمند - اعم از اوکراینی، افغانستانی، عرب، آفریقایی و تا چندی پیش سوری‌ها - را با پرداخت پول جذب کرده و از آن‌ها برای حضور در تجمعات و تظاهرات خود استفاده می‌کند.

مجاهدین گمان می‌کنند با این اقدامات می‌توانند مردم ایران، افکار عمومی خارج از کشور و حتی دولت‌ها را فریب دهند؛ اما همه این تلاش‌ها در نهایت به رسوایی منجر شده است. حتی به رسانه‌هایی که خبرهای آن‌ها را منتشر می‌کنند، پول می‌دهند و بازتاب این خبرها در واقع چیزی شبیه آگهی‌های تجاری است.

حسین‌نژاد که ۲۵ سال در بخش‌های سیاسی، تبلیغات، انتشارات، مطبوعات و رسانه‌های مجاهدین فعالیت کرده، به‌خوبی از رویه کاری این سازمان آگاه است و توضیح می‌دهد: «آن‌ها علاوه بر پرداخت پول به لایه‌ها و شخصیت‌ها، از طریق تلفن، اصرار و تقدیم هدایا افراد را تحت فشار می‌گذاشتند تا اخبارشان را منعکس کنند. البته بسیاری از رسانه‌ها این فشارها را نپذیرفتند، اما برخی که به پول نیاز داشتند، به این خواسته‌ها تن دادند.»

حقیقت این است که در تظاهرات مجاهدین، ۹۰ درصد از جمعیت شرکت‌کننده افرادی هستند که با وعده هزینه رفت و

برگشت، تور مسافرتی و تسهیلات دیگر به این رویدادها آورده می‌شوند. حتی بخشی از ایرانیان نیز به امید گرفتن پناهندگی یا استفاده از فرصت بازدید از شهرهای بزرگ اروپا به این اقدامات بی‌پرنسیب تن می‌دهند، بدون آن‌که از پیامدهای منفی آن اطلاعی داشته باشند.

مجاهدین با پرداخت پول، هر اقدامی را توجیه می‌کنند. با این حال، شواهد نشان می‌دهد که ایدئولوژی شکست‌خورده این سازمان و وابستگی‌های آنان به قدرت‌های خارجی، کمکی به آینده ایران نکرده و تنها به تعمیق بحران‌ها منجر شده است. کارنامه این سازمان لبریز از خشونت، خیانت به منافع ملی و همراهی با دشمنان تاریخی ایران است. نقشی که آن‌ها در دوران جنگ ایران و عراق ایفا کردند و همچنین مشارکتشان در پروژه‌های اطلاعاتی خارجی، گواه روشنی بر بی‌اعتباری این گروه در میان مردم ایران است.

مجاهدین با نقاب دموکراسی، بار دیگر برای فریب عده‌ای ساده‌لوح تلاش می‌کنند. اما حقیقت این است که این سازمان، ساختاری تروریستی و مافیایی دارد و برای هواداران معتقد خود صرفاً یک سکت یا فرقه است. نظم پادگانی آن‌ها نتیجه‌ای از تفکر فرقه‌ای و پیروی بی‌چون‌وچرای اعضا از رهبر ایدئولوژیک یا سیاسی است. افراد این فرقه، سرسپردگی مطلق را وظیفه خود می‌دانند و این اتوماسیون فکری باعث می‌شود این افراد علاوه بر آلوده و بی‌آبرو شدن، قربانی چرخ‌دنده‌های این سیستم فرقه‌ای شوند.

بسیاری از شرکت‌کنندگان در این تظاهرات، نه مجاهدین را می‌شناسند و نه علاقه‌ای به آن‌ها دارند. اغلب آن‌ها تنها به عشق دیدن پاریس و هتلی رایگان در تظاهرات ظاهر می‌شوند. نظم شبه‌داعشی این سازمان چه شانسی برای ایجاد محبوبیت کسب می‌کند؟ سازمان‌های فاشیستی در طول تاریخ، با ایجاد رابطه‌ای هرمی و انضباطی خشک، دموکراسی را فدای دیکتاتوری کرده‌اند و مجاهدین نیز از این قاعده مستثنی نیستند.

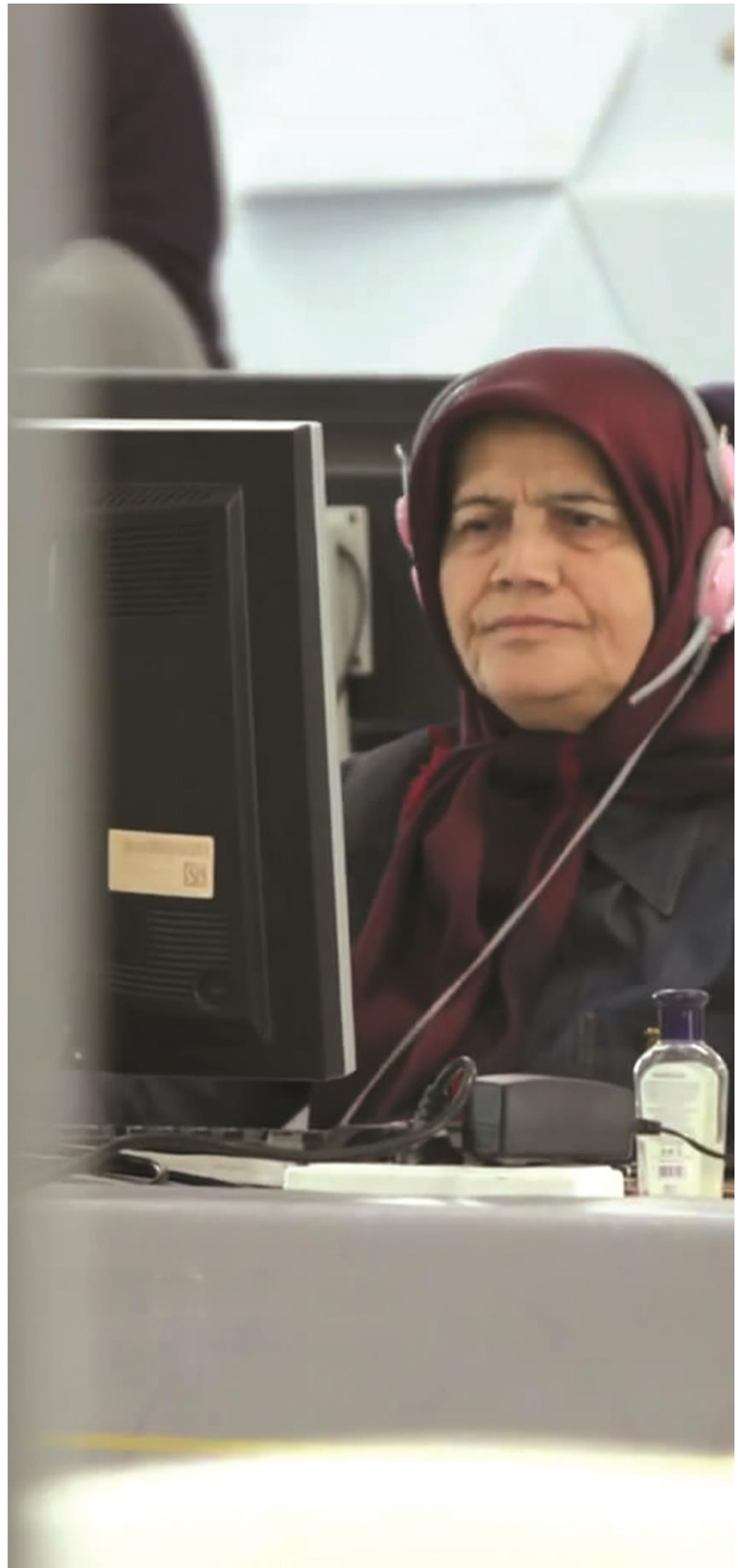
طبق آخرین نظرسنجی‌ها، حمایت‌کنندگان از این گروه حتی اندازه یک سالن ۱۰۰۰ نفری هم نیست.

در نهایت، باید به این گروه خیانت‌کار، منحرف و بی‌اعتبار گفت: این هم از نظرات مردم، این هم از حال و روز رسوای شما، و این هم از دغل‌کاری و التماس‌هایتان.

## سرپل های فرقه رجوی سراغ چه کسانی می روند

سرپل های فرقه رجوی در شبکه های مجازی به سراغ بررسی لایک و دیدگاه نویسان به ظاهر مخالف حکومت ایران می روند تا از این سرمنزل، اشخاص مستعد برای فریب را شناسایی و با پرداخت چندرغاز پول آنها را در گرفتن برگ A۴ معمولی با مضامین مورد پسند فرقه رجوی جهت بهره برداری در شبکه تلویزیونی خود ترغیب نمایند.

افرادی اغلب بی سواد یا با تحصیلات پایین در فتنه فریب فرقه مسعود رجوی گرفتار می شوند







## آیا عواطف در اعضای فرقه رجوی خاموش شده است؟

زینب حسن زاده

را در آنان ناپود کند. اما عاطفه، عشق و محبت چیزی نیست که بتوان آن را به طور کامل از درون انسان حذف کرد. ممکن است فرد برای مدتی دچار یأس و ناامیدی شود، اما اگر قلبی در درون انسان وجود داشته باشد، نمی‌توان احساسات را به طور کامل از بین برد. خبر خوب این است که احساسات و عواطف در درون اعضای گرفتار در اردوگاه اشرف ۳ زنده است، اگر چه ممکن است گرد و غبار گرفته باشند و به نظر غمگین و خزان زده بیایند. احساسات این افراد زنده است و فقط نیاز به تلنگری دارند تا دوباره فعال شوند و به ندای درونی خود پاسخ دهند. این روز چندان دور نیست.

باشد، سازمان از اطلاع‌رسانی در مورد اخبار مربوط به آن عضو خودداری می‌کند. این اقدام به این دلیل صورت می‌گیرد که سازمان از احتمال ترک تشکیلات توسط عضو پس از شنیدن خبر فوت بستگانش هراس دارد. بنابراین، دسترسی اعضا به اخبار بیرونی، به ویژه اخبار مربوط به خانواده‌ها، به شدت کنترل می‌شود. این محدودیت‌ها نشان می‌دهد که سانسور خبری یکی از ابزارهای اصلی کنترل در فرقه رجوی است. در نتیجه این سانسور، خانواده‌های اعضا تصور می‌کنند که فرزندانشان در فرقه رجوی بی‌احساس شده‌اند. درست است که رجوی همواره تلاش کرده و می‌کند تا احساسات اعضای فرقه را سرکوب کرده و عواطف انسانی

سانسور و اختناق از دیرباز بر تشکیلات سازمان مجاهدین خلق (فرقه رجوی) حاکم بوده است. یکی از بارزترین مصادیق این سانسور، پنهان کردن اخبار مربوط به خانواده‌های اعضای این سازمان است. در حالی که اخبار مطلوب فرقه به سرعت منتشر می‌شود، اخباری که به نفع تشکیلات نباشد یا موجب سستی اعضا شود، سانسور شده و از اطلاع‌رسانی درباره آن خودداری می‌شود. یکی از نمونه‌های این سانسور، نحوه برخورد سازمان با اخبار مربوط به فوت بستگان درجه یک اعضای گرفتار در اردوگاه اشرف ۳ است. زمانی که خانواده‌ای علیه مسعود رجوی و تشکیلاتش موضع قاطع و سازش‌ناپذیر داشته

عضو رهایی یافته از فرقه رجوی به اسیران «اشرف ۳»

## خودتان برای زندگیتان تصمیم بگیرید

هرچی که دوست داشتی بخوری و خبری از نشست‌های لایه‌ای، نشست عملیات جاری نشست غسل نیست و از فشارهای روحی که باید دنبال فاکت عملیات جاری و غسل باشی که شب انتقاد نشوی و مورد حسابرسی قرار نگیری، خبری نیست. پیامم برای دوستانم در داخل تشکیلات رجوی این است که بیایید خودتان را از قید و بندهای تشکیلات رجوی رها کنید و زندگی آزاد داشته باشید. خودتان برای خودتان تصمیم بگیرید.

جسمی بود شروع می‌شد و بعد از آن نشست عملیات جاری و غسل بود که تا ساعت ۱۱ شب طول می‌کشید. بعد از آن تا می‌رفتی آماده می‌شدی برای استراحت تا چشات گرم می‌شد که بخوابی یکی صدایت می‌کرد که باید بری نگرهبانی. دو ساعت نگرهبانی می‌دادی و بعد برمی‌گشتی برای استراحت. دوباره تا چشات گرم می‌شد که بخوابی ساعت ۵:۳۰ می‌شد بیدار باش بود و باز دوباره روز از نو و روزی از نو. ولی الان خوشبختانه در زندگی آزاد بعد از پایان کار راحت هر جا که دوست داشتی بروی،

موسی دامرودی، عضو رهایی یافته از فرقه رجوی در آلبانی نوشت: امروز بعد از یک کار طولانی آدم کافه نشستم تا قهوه ای بنوشم و خستگی کار از تنم خارج شود که یاد خاطره ای در داخل مناسبات افتادم که برایتان تعریف می‌کنم. در داخل مناسبات که بودم صبح ساعت ۵:۳۰ بیدار باش و ساعت ۷ شروع کار بود. بعد از یک کار طولانی و سنگین و طاقت فرسا هم به جای استراحت تازه کار فشرده دیگر به اسم نشست‌های لایه‌ای که خودش بدتر از شکنجه



احترام به پدر و مادر یکی از اصول بنیادی در آموزه‌های دینی ماست

## بال فروتنی فرود آر برای هر دو

احترام به پدر و مادر یکی از اصول بنیادی در آموزه‌های دینی و اخلاقی ماست که در قرآن کریم نیز به وضوح بیان شده است. به گزارش فراق، در آیه ۲۳ سوره اسراء، خداوند به ما دستور می‌دهد: «اگر یکی از آن دو یا هر دو در کنار تو به سالخوردگی رسیدند به آنها [حتی] اوف مگو و به آنان پرخاش مکن و با آنها سخنی شایسته بگوی»؛ یعنی به والدین خود حتی «اف» هم نگوید و بر آن‌ها پرخاش نکنید، بلکه با سخنی نرم و شایسته با آن‌ها صحبت کنید. این آیه به روشنی نشان می‌دهد که احترام به والدین نه تنها یک وظیفه شرعی، بلکه یک اصل انسانی است که باید در رفتار و گفتار ما نمود پیدا کند. احترام به والدین به معنای درک و پذیرش زحمات و فداکاری‌های آن‌ها در طول زندگی ما

این آیات نه تنها بر احترام به والدین تأکید می‌کنند، بلکه ما را به دعا کردن برای آن‌ها نیز ترغیب می‌نماید. یادآوری اینکه والدین ما در دوران کودکی چه زحماتی کشیده‌اند، باید ما را به سمت رفتارهای محبت‌آمیز و احترام‌آمیز سوق دهد. در واقع، دعا برای والدین و درخواست رحمت برای آن‌ها، نشانه‌ای از عشق و قدردانی ماست. احترام به پدر و مادر نه تنها یک تکلیف دینی، بلکه یک ارزش انسانی و اجتماعی است. فرزندان باید با عمل به این آموزه‌های نورانی، به والدین خود احترام بگذارند و همواره در زندگی آن‌ها را گرامی بدارند.

است. آن‌ها با عشق و صبر، ما را تربیت کرده و در سختی‌ها و دشواری‌ها کنار ما بوده‌اند. بنابراین، شایسته است که ما نیز در برابر آن‌ها تواضع و فروتنی نشان دهیم. آیه ۲۴ سوره اسراء نیز به این موضوع اشاره می‌کند: «بالهای تواضع خویش را در برابرشان از محبت و لطف فرود آر، و بگو پروردگارا همانگونه که آنها مرا در کوچکی تربیت کردند مشمول رحمتشان قرار ده»؛ یعنی برای آن‌ها از روی مهر و محبت، بال فروتنی فرود آور و بگو: «پروردگارا! آنان را به پاس آنکه مرا در کوچکی تربیت کردند، مورد رحمت قرار ده».

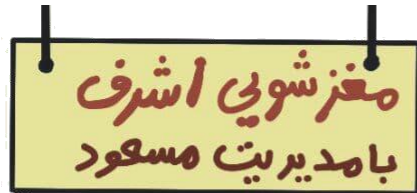
## اعضای مقرر «اشرف» در برابر کدام رفتارها مورد تنبیه قرار می‌گیرند؟

اعضای سابق فرقه رجوی می‌گویند که در مقرهای این فرقه دائماً در برابر عملکردهایی مانند موارد زیر تنبیهاتی به اجرا در می‌آمد:

- ابراز یا القای مخالفت با استراتژی سیاسی و نظامی سازمان مجاهدین خلق
- اعلام نظرات سیاسی فردی به سایر اعضا
- عدم شرکت در نشست‌های اجباری
- انجام تماس فردی
- اجتناب از شرکت در تمرینات نظامی
- اجتناب از شرکت در طلاق ایدئولوژیکی اجباری
- داشتن افکار جنسی
- برقراری ارتباط با دوستان و خانواده
- کشیدن سیگار
- درخواست خروج از سازمان

یافته‌های اخیر مشخص می‌سازند که تنبیه برای مخالفت با سیاستهای سازمان مجاهدین خلق از فشار برای اقرار کتبی به عدم وفاداری تا زندانی کردن در محل‌های مخصوص در اردوگاه اشرف را شامل می‌شوند. اعضای سابق در خصوص شکنجه کتبی و حبس انفرادی طولانی مدت به عنوان تنبیه برای عدم وفاداری گزارش نموده‌اند.

منبع: کتاب «نتی برای مرگ» نوشته جمعی از مسئولین سابق فرقه رجوی



# بازخوانی جنایت‌های فرقه رجوی در نمایش «دارشکنه»



فرق  
Feraghnews

رویداد تئاتر صاحب‌دلان اشاره کرد و گفت: به نظر بنده همه نمایش‌های راه‌یافته در جشنواره‌های ملی باید در شهرهای خودشان هم اجرا داشته باشند که این مهم در جشنواره تئاتر رضوی و تئاتر صاحب‌دلان نیز صدق داشت.

کارگردان نمایش «دارشکنه» در ادامه بر ضرورت حمایت از تولید نمایش‌هایی با مضامین دینی تأکید کرد و گفت: تئاتر توانایی ارتباط با اقشار مختلف جامعه را دارد و می‌تواند در انتقال پیام دین به مخاطب مثمرتر باشد. «دارشکنه» با نگاهی به جنایات فرقه رجوی در دهه ۱۳۶۰ نوشته شده و روایتگر داستان زنی به نام افسر است که به تازگی به فرقه تروریستی رجوی پیوسته و مأمور بمب‌گذاری در روزه امام رضاع) در محله سرشور مشهد می‌شود.

که به مخاطب متذکر شود تجلی صفات خوب و حسنه در آدمی نیاز به تکرار و تمرین و مراقبت دارد که الگوی کامل همه این صفات اهل‌بیت(ع) هستند.

وی افزود: همچنین تلاش شده در این نمایش به بازخوانی جنایت‌های فرقه رجوی و افکار شوم این فرقه نیز پرداخته شود.

کارگردان نمایش «دارشکنه» از استقبال خوب مخاطبان از این تئاتر در شیراز و قم خبر داد و گفت: این نمایش در اردیبهشت‌ماه امسال در سالن استاد لایق شیراز روی صحنه رفت که با استقبال خوب شیرازی‌ها همراه بود و حالا در دهه بصیرت در شهر قم اجرا می‌شود که خوشبختانه بازخوردهای خیلی خوبی از مخاطبان داشتیم.

شاهمردی همچنین به حضور نمایش «دارشکنه» در دو جشنواره تئاتر رضوی و

کارگردان نمایش «دارشکنه» از استقبال خوب علاقه‌مندان تئاتر از اجرای این نمایش در قم خبر داد و گفت: در این نمایش به بازخوانی جنایت‌های فرقه رجوی و افکار شوم این فرقه پرداخته می‌شود.

به گزارش فراق، محمدرضا شاهمردی در حاشیه اجرای نمایش «دارشکنه» در تالار فرهنگ و هنر شهر قم در گفت‌وگو با خبرنگاران، به موضوع این تئاتر اشاره کرد و گفت: این نمایش در واقع بازخوانی و قرائتی از برخی اتفاقات است که در دهه ۶۰ توسط منافقان رقم خورد. گروهی از زنان عضو مجاهدین در صدد بمب‌گذاری در مجلس روزه امام رضاع) هستند که برای شخصیت اصلی این نمایش تحولات روحی و معنوی رقم می‌خورد.

وی تصریح کرد: این نمایش تلاش می‌کند



## رجوی با مدارک هویتی اعضای خود چه می‌کند؟

هویت خود، در جامعه با مشکلات جدی مواجه می‌شود و به نوعی به سازمان وابسته می‌ماند. ایجاد مشکل در صورت خروج: اگر فردی بتواند از سازمان فرار کند، بدون مدارک هویتی با خطر دستگیری و زندانی شدن مواجه است. در این شرایط، تنها سازمان می‌تواند هویت او را تأیید کند که این امر، فرد را به طور کامل در اختیار فرقه قرار می‌دهد. حتی ممکن است سازمان، فرد جدانشده را به عنوان «جاسوس» معرفی کند تا مشکلات او را بیشتر کند. اعضای که خواهان دریافت مدارک خود هستند، با موانع متعددی روبرو می‌شوند. درخواست‌ها نادیده گرفته می‌شوند، بهانه‌هایی مانند گم شدن مدارک یا آتش‌سوزی در بایگانی مطرح می‌شوند و در نهایت، فرد از دریافت مدارک خود ناامید می‌شود.

هستند. توجیه این کار، حفظ مدارک از گم شدن یا سرقت است، اما هدف اصلی، ایجاد اهرم فشار و کنترل بر اعضا است. فرقه رجوی با در اختیار داشتن مدارک هویتی اعضا، به روش‌های مختلف از آن‌ها سوء استفاده می‌کند: استفاده غیرقانونی: از مدارک قانونی اعضا برای فعالیت‌های غیرقانونی مانند مسافرت با پاسپورت دیگران، خرید و معامله، و سایر اقداماتی که نیاز به مدارک معتبر دارند، استفاده می‌شود. گروگان‌گیری: مدارک هویتی به عنوان ابزاری برای گروگان‌گیری اعضا و جلوگیری از خروج آن‌ها از سازمان استفاده می‌شوند. فردی که قصد ترک سازمان را دارد، بدون مدارک

فرقه رجوی، با سابقه‌ای طولانی در نقض حقوق بشر، روش‌های گوناگونی را برای کنترل و بهره‌کشی از اعضای خود به کار می‌گیرد. به گزارش فراق، یکی از این روش‌ها، گرفتن مدارک هویتی از اعضا در بدو ورود به سازمان است. این اقدام که در ظاهر با هدف «حفظ و نگهداری» مدارک صورت می‌گیرد، در واقع ابزاری برای گروگان‌گیری و سوء استفاده‌های گوناگون است. چرا مدارک هویتی گرفته می‌شوند؟ همانطور که یکی از جدانشدگان این فرقه توضیح می‌دهد، پس از ورود به مناسبات فرقه ای رجوی، اعضا ملزم به تحویل کلیه مدارک هویتی خود، از جمله شناسنامه، کارت ملی، گواهینامه، کارت بیمه، مدارک مالکیت و هر مدرکی که هویت فرد را اثبات کند،



گذری بر چهل و سومین  
جشنواره فیلم فجر  
«شمال از جنوب  
غربی» روایتی از  
خیانت  
مجاهدین ضد خلق  
در دوران جنگ  
بازگویی تاریخ برای نسل جوان  
ضرورت دارد

مقابل کالدوها (مزدوران) است که حس میهن پرستی و اتحاد را پررنگ تر می کند. جنایت‌های فرقه رجوی در سال‌های پس از انقلاب اسلامی یکی از تلخ‌ترین و دردناک‌ترین دوره‌های تاریخ ایران است. ترورهای کور، بمب‌گذاری‌ها و قتل‌های زنجیره‌ای، تنها بخشی از جنایت‌های این گروه هستند. اما مهم‌ترین جنایت آنها، تلاش برای ایجاد ناامنی و ترس در بین مردم بود که امروز هم این خط از پشت سیستم‌های رایانه در آلبانی دنبال می شود. با گذشت زمان، نسل جوان ایران کمتر از جنایت‌های منافقین و تلاش‌های آنها برای ایجاد ناامنی در کشور آگاه است اما ضرورت دارد که این جنایت‌ها برای نسل جوان بازگو شود تا آنها بتوانند از تاریخ خود آگاه باشند و فریب این جریان را نخورند. در آخر، باید گفت که یادآوری و تحمل این درد هر چندوقت یکبار لازم به نظر می‌رسد تا یادمان باشد که ما برای اینکه «ایران وطن خوبان شود خون دل‌ها خورده ایم». چه بسیار انسان‌های والا مقامی که برای رفاه و امنیت و آرامش مردم، جانشان را از دست داده و شهید شده‌اند تا ما بتوانیم آزادانه، عزتمند و سربلند در ایران قوی زندگی کنیم.

آرام و آکادمیکش این بار نقش یک چریک متفکر را بازی می‌کند که برخلاف تصورش، سازمان به ریاست او اعتقاد ندارد. حمید زرگرزاد از تجربه اش در مستندسازی استفاده کرده و سعی کرده که فیلم مستندگونه و واقعی به نظر برسد. تاکنون چندین فیلم قابل توجه با محوریت معرفی ساختار دگم و تروریستی فرقه رجوی ساخته شده است؛ مثل سیانور، ماجرای نیمروز، رد خون و سرهنگ ثریا و در تمامی این فیلم‌ها هم زنان نقش مهمی داشتند. زنانی که جذب سازمان شده و برخلاف زنانگی و طبیعتشان رفتار می‌کنند. بچه‌هایشان را به دیگری می‌سپارند و به دستور سازمان طرد می‌کنند. از همسرانشان جدا می‌شوند و به راحتی می‌توانند آدم بکشند و جان بی گناهان را بگیرند. در شمال از جنوب غربی هم این اتفاق افتاده و منفی‌ترین نقش داستان از آن بهناز جعفری است. او نقش نصرت رئیس تیم عملیاتی جنگل را بازی می‌کند. همسر و فرزندش را رها می‌کند و تنها به نتیجه نهایی کارش فکر می‌کند. از دیگر نکات بارز شمال از جنوب غربی، حضور داوطلبانه مردم محلی (گالش‌ها) در

«شمال از جنوب غربی» یکی از فیلم‌های جشنواره فیلم فجر امسال است که در ژانر دفاع مقدس ساخته شده و برشی دیگر از روزهای هشت سال جنگ تحمیلی را به تصویر کشیده است.

به گزارش فراق، فیلم «شمال از جنوب غربی» به تلاش‌های یک گروه امنیتی برای خنثی کردن عملیات تروریستی مجاهدین خلق اشاره می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه عوامل آن‌ها تلاش می‌کنند تا خط سبز شمال را به جهنم تبدیل کنند. منافقین به دنبال این خیانت بزرگ هستند چون نمی‌خواهند هیچ کمکی به سمت خرمشهر برود تا مبادا این شهر آزاد شود.

مصطفی زمانی، هومن حاجی عبداللهی، امیررضا دلآوری، امیر آقایی، مهدی زمین پرداز، سیامک صفری و بهناز جعفری از بازیگران این فیلم هستند.

هومن حاجی عبداللهی با اینکه سابقه طولانی در طنز دارد به خوبی از پس بازی کردن نقش مجید برآمده است. مصطفی زمانی با گرمی مناسب به خوبی در قامت رئیس یک گروه عملیاتی حاضر شده است. مهدی احمدی هم حضور متفاوتی داشته و با همان کاراکتر



## روایت «مریم سنجابی» از روزگار تلخ کمپ «اشرف»

پنجشنبه شبها برای شام، دو عدد کتلت به اضافه نان ساندویچی و مقداری چپیس، بهترین غذای هفته محسوب می‌شد. بعد از شام، افراد اجازه داشتند یک فیلم سینمایی انتخابی توسط سرکرده‌ها که اغلب با مضمون جنگ و انقلاب‌های قدیم بود، ببینند.

تنقلاتی هم داده می‌شد که شامل یک عدد میوه (مثلاً موز یا پرتقال) به اضافه یک مشت تخمه آفتابگردان مخصوص طوطی‌ها و یک عدد شکلات خشک شده که مانند لاستیک سفت بود، می‌شد. وقتی گاز می‌زدی، دندان‌ت را از جا درمی‌آورد و با شکلات یک‌جا قورت می‌دادی. این هم تنها استراحت افراد پس از یک هفته کار سخت و طاقت‌فرسا بود.

روز جمعه هم که به ظاهر تا ظهر کار تعطیل بود، از ۸ تا ۱۰ صبح، کارهای نظافتی آسایشگاه باید انجام می‌شد و بعد هم نشست اجباری انتقادی آسایشگاه بود. این‌طور بود که نصف روز

پس از یکی دو سال، کتابخانه به‌طور کلی تعطیل و کتب به جایی نامعلوم منتقل شدند. تا دو دهه بعد، خبری از کتاب و کتابخانه نبود تا اینکه با مدلی جدید از کنترل، دوباره کتابخانه بازگشایی شد، در حالی که انبوه کتب غیرسازمانی و مذهبی حذف شده بودند. حتی برخی دیده بودند که صفحات مشخصی را از درون برخی کتاب‌ها کنده و آن‌ها را ناقص کرده بودند.

در شکل جدید، ماهانه با کنترل کامل و با محدودیت بسیار، افراد می‌توانستند به مدت دو ساعت همراه با مسئول خود به کتابخانه بروند. با این مدل، بیشتر گرایش افراد پایش می‌شد. کتاب‌های امانتی به مسئول فرد تحویل داده می‌شد و آن‌ها نیز موظف بودند کتب سفارشی را گزارش کنند. خیلی وقت‌ها هم به دلایل مختلف، کتابخانه تعطیل می‌شد. این بود که عطایش را به لقایش می‌بخشیدند و نمی‌رفتند.

**تفریح‌های کمپ اشرف**

اوایل راه‌اندازی کمپ اشرف، کتابخانه بزرگی در آنجا ایجاد شده بود که اکثراً شامل کتاب‌هایی بود که از کتابخانه‌های مرکزی ایران دزدیده شده بودند. اما دارای تنوع جالبی بود؛ از کتاب‌های تاریخی، مذهبی، مارکسیستی، کمونیستی، رمان و آموزشی تا نسخه‌های کاملی از کتب دکتر شریعتی، تاریخ بی‌هقی، علامه طباطبایی و...

در همان اوایل، برای جذب بیشتر افراد، رفتن به کتابخانه بلا مانع بود و همه روزه می‌توانستند به کتابخانه مراجعه کرده و برای مطالعه وقت بگذارند. اما به فاصله کمی، کتابخانه از روزانه به هفته‌ای یک روز و سپس به ماهی یک بار تغییر کرد. به یک سال نکشید که حضوری رفتن تعطیل شد و فقط می‌توانستیم با سفارش نام کتاب به مسئول خود، کتاب دریافت کنیم. با این کار، هم افراد را کنترل می‌کردند که چه کتبی مطالعه می‌کنند و هم زمان را محدود کردند.

برخی اوقات به سایت‌های فرقه رجوی سر می‌زدم و واقعاً از حجم مطالب دروغ و ریاکارانه حالم به هم می‌خورد. بارها به مطالبی برمی‌خورم که آسمان و زمین را به هم می‌دوزند و از دموکراسی، آزادی و طلاهداری سخن می‌گویند، گویی علی‌آباد هم شهری است که به زودی باید تاج طلایی را بر سر آنان بگذارند. انگار نه انگار که مردم ایران جنایات و خیانت‌های آن‌ها را مشاهده می‌کنند و صدها تن از اعضای به جان آمده از فشار وحشیانه تشکیلات فرار کرده یا خودکشی کرده‌اند.

از بگیر و ببند، شرایط و قوانین دهشتناک و خفقان‌آور فرقه که بارها افشا کرده‌ایم، می‌گذرم. نکات زیر بلاهایی است که به نام روحیه، رفاه و تفریح بر سر اعضا می‌آورند. قصد و امیدم از انتشار این مطالب این است که با خواندن آن‌ها، چشم خانواده‌ها و جوانان بیشتر به حقایق درونی این فرقه دیکتاتور باز شود.

تعطیلی هم زهرمار می‌شد. مواد غذایی کمپ اشرف محدود و به‌قول معروف سربازخانه‌ای بود و تنوعی نداشت. لذا واقعاً سال‌ها بود که یک سری غذاها و تنقلات را افراد نخورده و ندیده بودند. وقتی قبرستان کمپ اشرف گسترش پیدا کرد، اطرافش نهال‌های زیتون زیادی کاشته بودند. برخی را هفتگی برای کار و هرس درختان به آن محوطه می‌بردند و آن‌ها کمی زیتون چیده و با خود به مقرهایشان برده بودند و با آن زیتون ترشی درست کردند. همین تبدیل به غوغایی شد و بلافاصله آن‌ها را سوژه جلسات انتقادی نمودند و به‌قول

معروف زیتون را کوفت‌شان کردند.  
**عملیات جاری با هدایای مسعود**  
رجوی یاد گرفته بود که به‌خاطر خودنمایی، سالی یک بار هدیه‌ای به افراد بدهد. هدایا در واقع شامل یکی از لوازم ضروری بود که به جای تهیه آن در طی سال، همه را به انتظار مایحتاج گذاشته و در آخر سال و به اسم هدیه نوروزی با شیریه مالی به افراد می‌دادند. مثلاً یک سال، به هر نفر یک عدد ملحفه دادند، سال بعد ساعت مچی و سالی دیگر کفش. جالب اینکه یک سال، مریم قجر ابله برای همه، اعم از مرد و

زن، کیف‌های تقریباً زنانه‌ای فرستاده بود که باعث سوژه و خنده تعدادی از ناراضیان شده بود. چند تن از مردان در آسایشگاه کیف‌ها را بر روی شانه خود انداخته و گفته بودند که داریم می‌رویم خرید و برخی هم گفته بودند با کیف‌ها برویم عملیات جاری، یعنی همان جلسات انتقادی شبانه. در نتیجه، همه آن بخت‌برگشته‌ها را توبیخ و از گفته خود پشیمان کردند. حالا دست‌پخت آشپزهای کمپ هم بماند که همه را از غذا خوردن انداخته و خوردن غذای برخی اماکن واقعاً خودش تحمل بزرگی می‌خواست. عصرها یک ساعت ورزش اجباری بود. مردانی

که تمایل داشتند ورزش انفرادی کنند، همیشه مورد سرزنش و توبیخ بودند و به مانند جدام‌ها با آن‌ها رفتار می‌کردند. انواع تهمت‌های ناروا به آن‌ها زده می‌شد. نهایتاً افراد مزبور یا می‌بریدند و اعلام جدایی می‌کردند یا تسلیم می‌شدند و دست از ورزش مورد علاقه‌شان برمی‌داشتند. موارد فوق تنها اشاره کوچکی به وضعیت جهنمی کمپ‌های سازمان مجاهدین است. همان سازمانی که ادعای آلترناتیوی و دموکراسی می‌کند، افرادش را در شرایط خفه‌کننده‌ای نگهداری می‌کند که کمترینش مثال‌های فوق است.





صدای این حق باید به گوش دنیا برسد



پدر و مادر محمدمهدی ثابت رستمی، سال‌هاست که در آتش انتظار می‌سوزند. سال‌هاست که در سکوت شب، چشمانشان به در دوخته شده و هر صدای قدمی، امیدی تازه در دلشان می‌کارد. آن‌ها هر روز با فکر و خیال آزادی فرزندشان لحظه‌شماری می‌کنند. دل‌هایشان پر از آرزوست؛ آرزوی دیدن دوباره فرزند، آرزوی در آغوش کشیدن او،

و آرزوی شنیدن صدای گرمش. چگونه می‌توان عمق این فراق را توصیف کرد؟ چگونه می‌توان احساس پدری را که هر روز به یاد فرزندش، دل به یادش می‌سپارد، به تصویر کشید؟ مادر به یاد روزهای خوش گذشته، لبخند می‌زند اما در دلش طوفانی از غم و اندوه برپاست. او هر روز با خود می‌گوید: «تا کی باید این درد را تحمل کنیم؟ تا کی باید در انتظار بمانیم؟» این انتظار، نه تنها جسم آن‌ها را فرسوده کرده، بلکه روحشان را نیز می‌آزارد. آن‌ها هر روز با امیدی تازه به صبح می‌نگرند، اما شب که می‌رسد، دوباره در دلشان غم سنگینی می‌نشیند. خوب ببینید، برادران و خواهران محمدمهدی ثابت رستمی به بهانه تولد پدر و مادر اینجا جمع شدند تا صدای این

انتظار را به گوش همگان برسانند. بیایید دست در دست هم دهیم و به امید آزادی محمدمهدی و همه فرزندان اسیر، دعا کنیم.

آزادی، حق هر انسانی است و ما باید صدای این حق را به گوش دنیا برسانیم. تا آن روز، ما به یاد محمدمهدی و دیگر فرزندان اسیر، با هم هستیم و در این انتظار، یکدیگر را حمایت خواهیم کرد.

سمانه نوری به پدرش حمید رضا نوری: من از شما انتظار دارم پدر جان

سمانه نوری در پیامی به پدرش حمیدرضا نوری در مقرر فرقه رجوی نوشت:



چندین سال است صدايت به گوشم نرسیده است. من از شما انتظار دارم پدر جان. چرا با من تماس نمی‌گیری؟ به گزارش فراق، در پیام سمانه نوری خطاب به پدرش آمده است: امیدوارم حالت خوب باشد. پدر جان خیلی دلم برای شما تنگ شده است. نمی‌دانم این دل تنگی چه زمانی به اتمام می‌رسد؟

چندین سال است صدايت به گوشم نرسیده است. من از شما انتظار دارم پدر جان. چرا با من تماس نمی‌گیری؟ من سمانه دخترت هستم. من در سنين کودکی بودم که با فریب مجاهدین مرا رها کردی. پدر جان بدون تو با مشکلات زیادی روبرو بودم. خیلی کمبودت را حس

کردم و می‌کنم. آن زمانی که به شما نیاز داشتم نبودى و روز شماری می‌کردم که برگردی. الان من دو فرزند دارم و فرزندانم سراغ شما را می‌گیرند. به من می‌گویند پس پدر بزرگ ما کی می‌آید؟ پدر جان خودت را نجات بده و به آغوش خانواده ات برگرد. همه چشم انتظار شما هستند. من منتظر آن روز هستم.

برای سمیع ناظری، اسیر در تاریک‌خانه فرقه رجوی بزرگ‌ترین گنجینه را به مادر هدیه کن

«آقا سمیع! زمان در حال گذر است و هر لحظه ممکن است دیر شود. به یاد بیاور که محبت و پیوندهای خانوادگی، هرگز نمی‌میرند.»

به گزارش فراق، محمджواد نوع‌پرور، سردبیر سایت فراق در یادداشتی به بهانه بی‌قراری بانو رعنا اولیایی، مادر چشم انتظار سمیع ناظری در بستر نوشت: در این دنیای پر از حسرت و در سایه‌های تاریک سازمانی که تو را به اسارت گرفته، قلب مادر در بستر بیماری می‌تپد و انتظار تو را می‌کشد. روزها و شب‌ها می‌گذرد و او همچنان به یاد توست، یاد فرزند هنوز در دلش جاودانه است. آیا این قلب بی‌پناه، این روح رنج‌کشیده، هنوز در ذهن تو زنده

است؟ مادر، آن ستاره‌ای که همیشه در آسمان زندگیت می‌درخشید، اکنون در سکوتی عمیق غرق شده و تنها امیدش صدای توست. آیا فراموش کرده‌ای که در این دنیا، هیچ چیز به اندازه عشق مادر نمی‌تواند دل را آرام کند؟ آیا آن حصار ایدئولوژیک، تو را از یاد آن چهره مهربان و آن داستان نوازشگرش دور کرده است؟

نیما، فرزندت، در انتظار توست. آیا او را در دلت جا داده‌ای یا در دنیای جدیدی که به تو تحمیل شده، از یاد برده‌ای؟ لطفاً این بار، جویای حالشان باش. نگذار این انتظار بی‌پایان، این درد عمیق، به زخم‌های تازه‌ای برای وی تبدیل شود.

آقا سمیع! زمان در حال گذر است و هر لحظه ممکن است دیر شود. به یاد بیاور که محبت و پیوندهای خانوادگی، هرگز نمی‌میرند. صدای مادر را بشنو، به او بگو که هنوز در قلب تو جا دارد و هیچ چیز نمی‌تواند این پیوند را قطع کند.

به یاد آن روزهای شیرین و لحظات بی‌نظیر در کنار هم، اکنون وقت آن است که با شجاعت و عشق، به سوی خانواده بازگردی. مادر در انتظار توست، و این انتظار، بزرگ‌ترین گنجینه‌ای است که می‌توانی به او هدیه کنی.





## حمایت خانواده‌های عضو انجمن نجات در استان اردبیل از اقدام حقوقی دادگاه کیفری تهران علیه فرقه رجوی

تاریخچه و سوابق تیره و ننگین این سازمان که آکنده از ترور، جنایت، باج خواهی و خیانت به بشریت و وطن است، بی نیاز از توضیح ماست. به شهادت رساندن بیش از ۱۷ هزار انسان بی گناه؛ از همه اقشار و گروه های اجتماعی، بر هم زدن امنیت روانی ملت ایران، حاصل خیانت ها و جنایت های این گروه فرقه گون در دوران مختلف بوده است.

اما ارتکاب جنایات از سوی این سازمان به مخالفان و دشمنان بیرونی محدود نبوده است. این سازمان در کل دوران حیات خونبار خود به انحای مختلف و به بهانه های متفاوت اقدام به قتل، شکنجه و ایراد آسیب های جسمی و روحی شدید به اعضای خود (اعم از ناراضیان داخلی یا افراد جداشده) نموده و بسیاری از این افراد را به قربانگاه برده است.

سالهاست که به نحو غم انگیزی بخاطر سیاست های ضدبشری و بیرحمانه رهبران فرقه تروریستی رجوی از برقراری هرگونه ارتباطی با عزیزان خود محروم بوده ایم.

ما خانواده ها با حمایت از این دادگاه محترم و اعلام براءت از فرقه تروریستی رجوی، خواهشمندیم از آنجا که ما خانواده‌ها و مادران چشم انتظار، بغض‌های در گلو مانده ۴۰ ساله داریم، به دادخواهی ما قربانیان نیز رسیدگی کرده و به منظور تحقق عدالت، اشد احکام را درباره سرکردگان این سازمان ضد بشری صادر نمایید.

[www.feraghnews.ir](http://www.feraghnews.ir)

فعال ترین و پرمخاطب ترین گروه رسانه‌ای در حوزه افشاگری از سیمای نفاق